

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

عربی (۱)

رشتهٔ ادبیات و علوم انسانی

پایهٔ دهم

دورهٔ دوم متوسطه

۱۳۹۵



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب: عربی (۱) پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۷

پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری

شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حبیب تقوایی، علی‌جان بزرگی، حسن حیدری، سید محمد دلبری، سید مهدی سیف، عبدالله یزدانی

و فاطمه یوسف نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)

عادل اشکیوس، محی‌الدین بهرام‌محمدیان، علی چراغی و ابانر عجاجی (اعضای گروه تألیف) -

سیداکبر میرجعفری (ویراستار)

مدیریت آماده‌سازی هنری: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی

شناسه افزوده آماده‌سازی: لیدا نیک‌روش (مدیر امور فنی و چاپ) - مؤسسه فرهنگی هنری نقطه گرافیک (طراحی گرافیک،

طراحی جلد و صفحه‌آرایی) - حسین چراغی، علی مظاهری نظری فر، زینت بهشتی شیرازی،

فریبا سیر، مریم دهقان زاده (امور آماده‌سازی)

نشانی سازمان: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۳۵۹

وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir

ناشر: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان

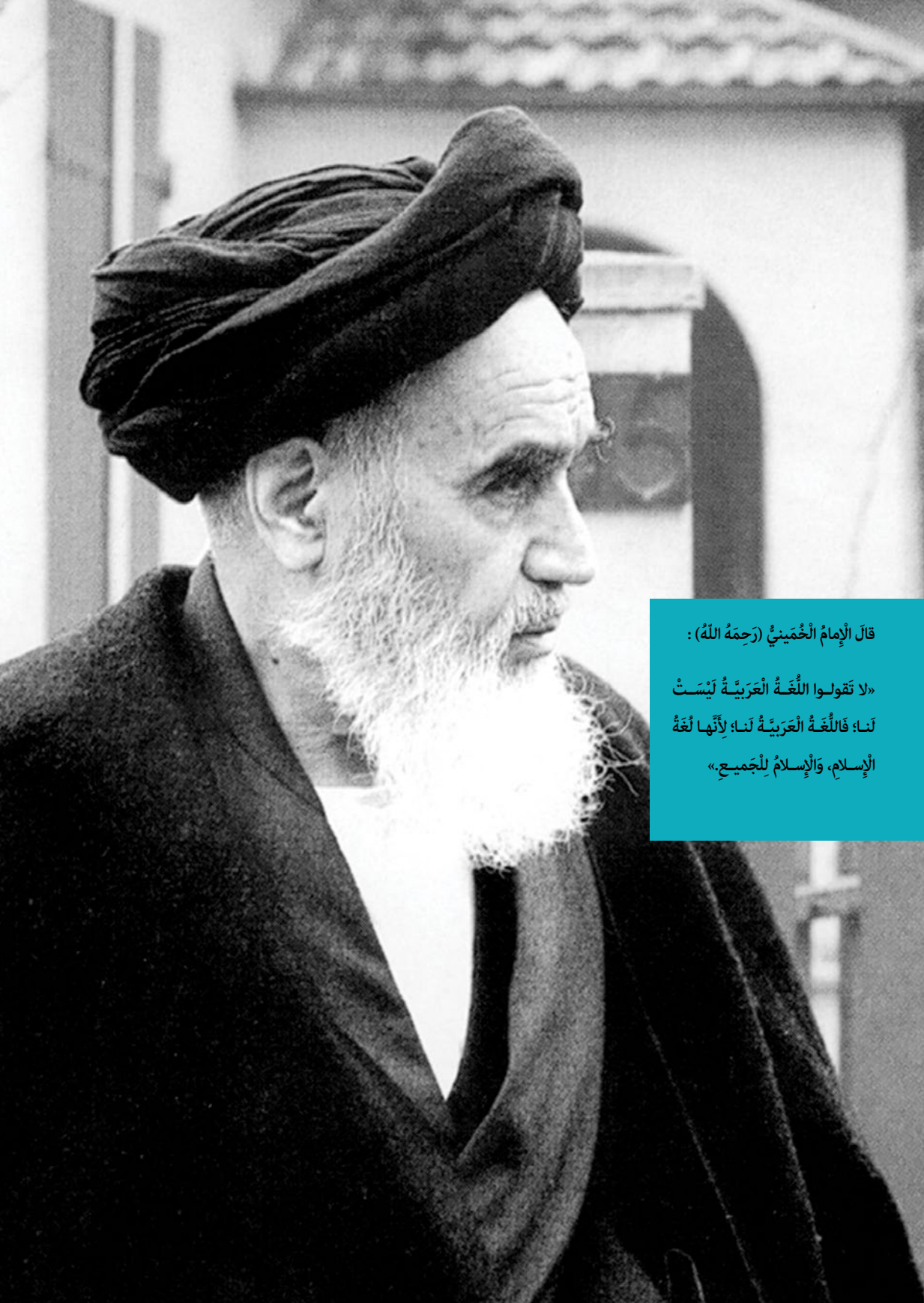
۶۱ (دارویش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۹-۳۷۵۱۵

چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ: چاپ اول ۱۳۹۵

شابک (ISBN): ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۸۳-۱

ISBN: 978-964-05-2483-1



قال الإمام الخميني (رحمته الله) :

«لا تقولوا اللغة العربية ليست

لنا؛ فاللغة العربية لنا؛ لأنها لغة

الإسلام، والإسلام للجميع.»

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

أَلْفِهْرِس

بیشگفتار الف |

أَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ ١ |

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ + صَبَغَ الْأَفْعَالِ + التَّعَارُفِ-----

أَلدَّرْسُ الثَّانِي ١١ |

إِنَّاكُمْ مَسْؤُولُونَ + الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ + فِي مَطَارِ النَّجْفِ-----

أَلدَّرْسُ الثَّلَاثُ ٢٣ |

مَطَرُ السَّمَكَ + الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَالْمَزِيدُ (١) + فِي قِسْمِ الْجَوَارِثِ-----

أَلدَّرْسُ الرَّابِعُ ٣٧ |

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ + الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ (٢) + فِي صَالَةِ التَّفْتِيْشِ-----

أَلدَّرْسُ الْخَامِسُ ٤٩ |

«هَذَا خَلَقَ اللَّهُ» + الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَالْإِسْمِيَّةُ + مَعَ سَائِقِ سَيَارَةِ الْأَجْرَةِ-----

أَلدَّرْسُ السَّادِسُ ٦٣ |

الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ + إِعْرَابُ أَجْزَاءِ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ وَالْفِعْلِيَّةِ + فِي الصِّدْلِيَّةِ-----

أَلدَّرْسُ السَّابِعُ ٧٧ |

صِنَاعَةُ النَّفْطِ + الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ + مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِيقْبَالِ الْفُنْدُقِ-----

أَلدَّرْسُ الثَّامِنُ ٩٥ |

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ + الْجَارُ وَالْمَجْرورُ وَنَوْنُ الْوَقَايَةِ + مَعَ مُشْرِفِ الْخَدَمَاتِ --

أَلْمُعْجَمُ ١١١ |

پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان

دبیر عربی برای تدریس این کتاب باید:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به دقت مطالعه و بررسی کرده باشد.
۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.
۳. کتاب معلم (راهنمای تدریس و ارزشیابی) و نرم‌افزار «بر فراز آسمان» را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی ویژه رشته ادبیات و علوم انسانی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه دهیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات

فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن‌محوری است. متن‌محوری به معنای نفی قواعد نیست؛ در این کتاب قواعد در خدمت فهم زبان است؛ لذا بخش مهمی از کتاب درسی و نیز بارمبندی را قواعد تشکیل می‌دهد.

شیستگی مورد نظر برای دانش‌آموز پایه دهم رشته ادبیات و علوم انسانی این است که بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند. در این کتاب علاوه بر حدود ۳۵۰ کلمه جدید کتاب عربی پایه دهم، ۸۱۹ واژه عربی هفتم، هشتم و نهم نیز تکرار شده‌اند؛ پس در حقیقت هدف این کتاب در بخش واژگان، آموزش حدود ۱۲۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است.

این کتاب با توجه به اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند برای تألیف کتاب‌های درسی است.

راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه برای تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات به کاررفته در کتاب‌های عربی، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

تصاویر، عبارات و متون کتاب به ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز توجه دارند.

از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی و از آنجا که درس عربی در رشته ادبیات و علوم انسانی یک درس اختصاصی است؛ مکالمات کوتاهی در کتاب

گنجانده شده است. مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد.

مهم‌ترین تأکيدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱. طراحی هر گونه آزمونی (کنکور، داخلی مدرسه، هماهنگ استانی یا کشوری، مسابقات علمی) تابع اهداف کتاب درسی و در چارچوب آن است. این تذکر به ویژه برای طرح سؤال کنکور است و در صورت تخلف، آن آزمون رسماً از نظر وزارت آموزش و پرورش فاقد اعتبار رسمی است. این تأکيدات در حکم یک بخشنامه اداری و لازم الاجراست.

۲. این کتاب شامل هشت درس است. هر درس در سه جلسه آموزشی تدریس می‌شود.

۳. دانش‌آموز پایه دهم در دوره اول متوسطه با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه ترکیب مخلوط مانند «أَحْوَكُنَّ الصَّغِيرُ» هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بوده که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَحْي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی، و ساعت خوانی؛

در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۴. هرچند درس اول دوره آموخته‌های پیشین است؛ اما در سایر درس‌ها نیز این دوره انجام شده است.

۵. در درس دوم، عددها آموزش داده می‌شوند. اهمیت آموزش اعداد بر کسی پوشیده نیست. در متوسطه اول عددهای اصلی و ترتیبی تا ۱۲ آموزش داده شده‌اند. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست و از طرح آنها خودداری شود. بدیهی است که در کتاب درسی این مطابقت‌ها در متون و عبارات وجود دارد و دانش‌آموز با دقت در آنها می‌تواند این ظرافت‌ها را کشف کند؛ اما آموزش و ارزشیابی آنها مد نظر نیست.

۶. دانش‌آموزان در متوسطه اول با هر دو فعل مجرد و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرد صحیح و سالم مواجه شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید و حتی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتدل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند اَمَنْ، اِبْتَسَمَ، اَتَى، اَجَابَ، اَحَبَّ، اِحْتَرَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَدَرَ، زَادَ و ... دانش‌آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرد آشنا شده است. در حقیقت هدف آموزشی این دو درس این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شود که فعل ماضی سوم شخص مفرد آنها «ثلاثی مزید» بیش از سه حرف است. تشخیص ثلاثی مزید از ثلاثی مجرد، ذکر نوع باب، ساخت

یا صرف فعل و ترجمه از فارسی به عربی آن از اهداف آموزشی نیست. دانش‌آموز فقط باید بتواند فعل و مصدر ثلاثی مزید را درست ترجمه کند و ماضی، مضارع، امر و نهی و مصدر آنها را از هم درست تشخیص دهد.

در بخش واژه‌نامه، مضارع و مصدر فعل‌های ماضی ثلاثی مزید مدام تکرار شده است تا دانش‌آموز کم‌کم این فعل‌ها را بشناسد؛ اما مصدر فعل‌هایی مانند دَلَّ، سَارَ، رَجَا، رَضِيَ و ... چون قیاسی نیستند، نیامده‌اند.

۷. در درس پنجم، جمله اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف، شناخت اجزای جمله یعنی فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اعراب کلمات هدف نیست.

۸. در درس ششم، اعراب جمله اسمیه و فعلیه و چهار حالت اعراب (رفع، نصب، جر و جزم) آموزش داده شده است. هدف، شناخت اجزای جملات است و توانایی نهادن اعراب (اعراب‌گذاری) هدف آموزشی نیست.

۹. در درس هفتم، فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند. تبدیل جمله دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست.

۱۰. در درس هشتم، معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله تشخیص دهد؛ نهادن اعراب جر در اسم مجرور هدف نیست. در این درس نون وقایه نیز تدریس شده است؛ اما ساخت مد نظر نیست.

۱۱. در طراحی سؤال درک مطلب به ویژه در کنکور باید از متون کتاب استفاده شود. در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، باید هیچ واژه‌ای خارج از واژگان انتهای کتاب نداشته باشد یا اینکه ترجمه فارسی آنها ذیل متن داده شود. همچنین نباید ساختاری متفاوت با قواعد کتاب درسی در آنها باشد.

۱۲. التحلیل الصرفی و الإعراب (تجزیه و ترکیب) از اهداف این کتاب نیست؛ اما دانش‌آموز به عنوان نمونه باید تشخیص دهد که «کاتب» و «مکتوب» اسم فاعل و مفعول‌اند؛ یا «استرجع» فعل امر است و معنای «کاتب»، «مکتوب» و «استرجع» را بداند.

۱۳. صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی در آن باشد که دانش‌آموز نخوانده باشد.

۱۴. مضارع و مصدر برخی فعل‌های ثلاثی مجرد که مصدرشان در کتاب درسی یا در زبان فارسی به کار رفته است، در واژه‌نامه کتاب آمده است؛ اما طرح سؤال امتحانی یا کنکور از آنها هدف نیست.

۱۵. نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۶. مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری، پژوهش و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. انجام بخش پژوهش خارج از کلاس است و ارائه گزارش مربوط به آن بستگی به

وقت کلاس دارد.

۱۷. جمله‌سازی، تشکیل، تعریب، تبدیل از صیغه‌ای به صیغه دیگر و نهادن اعراب از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۸. در سایه درست خواندن، درست فهمیدن و ترجمه درست، مهارت سخن گفتن نیز حاصل خواهد شد. باید توجه داشته باشیم که شمار اندکی از دانش‌آموزان قادرند هنگام سخن گفتن ظرافت‌های دستوری را به خاطر بیاورند و رعایت کنند و این کاملاً طبیعی است؛ زیرا به یاد آوردن قواعد، هنگام سخن گفتن برای هر زبان‌آموزی دشوار است. در سخن گفتن سرعت عمل لازم است و با آزمون کتبی قابل مقایسه نیست. اگر به این نکته بسیار مهم توجه نشود، بدترین ضربه در آموزش مهارت سخن گفتن به دانش‌آموز وارد می‌شود. نظر به دشواری مکالمه باید در امتحانات، مسابقات و کنکور صرفاً از همان عبارات موجود در کتاب سؤال طرح گردد.

۱۹. آموزش فعل و ضمیر در سه کتاب عربی متوسطه اول بومی‌سازی شده و بر اساس دستور زبان فارسی و به صورت (من، تو، او، ما، شما، ایشان) است. سبک پیشین به این صورت بود: (هو، هما، هم، هی، هُمَا، هُنَّ، اَنْتِ، اَنْتُمَا، اَنْتُمْ، اَنْتِ، اَنْتُمَا، اَنْتُنَّ، اَنَا، نَحْنُ) شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش‌آموزان بسیار بهتر درس را آموختند. از آنجا که درس عربی در رشته علوم انسانی اختصاصی است، دانش‌آموزان باید با اصطلاحات خاص زبان عربی آشنا باشند. به همین منظور در درس اول نام صیغه‌ها به زبان عربی ذکر شده است.

۲۰. معنای کلمات در امتحان باید در جمله خواسته شود.

۲۱. روخوانی‌های دانش‌آموز و فعالیت‌های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش‌آموز را تشکیل می‌دهد.

۲۲. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد؛ اما متن دروس جای کافی ندارد، می‌توان برای متون کتاب یک ورق در کتاب نهاد، یا یک دفتر کوچک برای بخش ترجمه اختصاص داد.

۲۳. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش‌آموزان با این شیوه از متوسطه اول به متوسطه دوم آمده‌اند و کتاب‌های عربی عمومی پایه‌های یازدهم و دوازدهم نیز ادامه و مکمل روش این کتاب خواهند بود.

نشانی وبگاه گروه عربی: www.arabic-dept.talif.sch.ir

سخنی با دانش‌آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی است. زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان عربی است. زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است. عربی یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است و زبانی کامل، پرمعنا و قوی است و ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در متوسطه اول آموخته‌اید، در این کتاب لابه‌لای متون، عبارات و تمرین‌ها تکرار شده است؛ ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید؛ به همین منظور در انتهای کتاب همه واژگان سه کتاب عربی متوسطه اول در کنار واژگان عربی دهم قرار داده شده است. استفاده از کتاب‌کار توصیه نمی‌شود. تجربه کتاب‌های کار متوسطه اول نشان داد که تخلّف آشکار از اهداف آموزشی در آن وجود دارد. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طراحی می‌شود، مواردی می‌آید که از اهداف آموزشی زبان‌آموزی نیست؛ هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را درست بخوانید و خوب بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید؛ اما ترجمه به عربی هدف کتاب نیست. در بخش مکالمه مطالبی کاربردی آموزش داده شده است، شما می‌توانید آنها را حفظ کنید و با تغییراتی در آن در کلاس با دوستانتان دو به دو تمرین کنید. از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی استفاده کنید. کتاب گویا نیز تهیه شده است تا با تلفظ درست متون آشنا شوید.



الدَّرْسُ الأوَّلُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾

الأنعام : ١

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی شعر زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید یک گروه تشکیل دهید و شعر را برای جلسهٔ آینده به صورت سرود اجرا کنید.

مُرَاجَعَةُ دُرُوسِ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

أَنْظُرُ لَيْلِكَ الشَّجَرَةَ	ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضْرَةَ ^١
كَيْفَ نَمَتُ مِنْ حَبَّةٍ	وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً
فَأَبْحَثُ وَقُلُّ مَنْ ذَا الَّذِي	يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ
وَ أَنْظُرُ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي	جَذَوْتُهَا مُسْتَعِرَةً
فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا	حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ
مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا	فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ
ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي	أَنْعَمَ مِنْهُمْ مَرَةً
ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَجَةِ	وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ
أَنْظُرُ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ	أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ
وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ	كَالدَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ



١- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّصَائِيِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْي النَّسَبِ وَ أُمَّ تَرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشَّعْرِ.

وَأَنْظُرْ إِلَى الْعَيْمِ فَمَنْ
 أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ
 فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ
 بَعْدَ اغْبِرَارِ خَضِرِهِ
 وَأَنْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَقُلْ
 مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ
 ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي
 مَن شَقَّى فِيهِ بَصَرَهُ
 بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرِهِ
 أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ مَرَهُ

■ آموختن معنای کلمات باید در خلال ترجمه متون و عبارات محقق شود.

■ به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

اغْبِرَار: تیره رنگی، غبار آلودگی
 أَنْجَم: ستارگان
 أَنْزَلَ: نازل کرد
 أَنْعَم: نعمت‌ها
 أَوْجَدَ: پدید آورد
 بِالْخ: کامل
 جَدْوَةٌ: پاره آتش
 جَهَّزَ: مجهز کرد
 خَضِرَةٌ: سرسبز
 دَرَر: مرواریدها (مفرد: دُر)

ذا: این ← هَذَا
 ذات: دارای
 ذَاكَ: آن
 زَانَ: زینت داد
 شَرَّرَ: اخگر (پاره آتش)
 شَقَّى: شکافت
 صَيَّرَ: گردانید
 ضِيَاء: روشنایی
 غُصْن: شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)

عَيْم: ابر
 قُلْ: بگو
 مُسْتَعِرَةٌ: فروزان
 مُفْتَكِرَةٌ: اندیشمند
 مُنْهَمِرَةٌ: ریزان
 نَصِرَةٌ: تر و تازه
 نَمَتْ: رشد کرد «مؤنث»
 يُخْرِجُ: درمی آورد

در گروه‌های دو نفره، شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (التعارف) في مطار النجف الأشرف

أحدُ الْمُوظَّفِينِ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ	زائرٌ مَرَقَدٌ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
صَبَاحَ النَّوْرِ وَ السُّرُورِ.	صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَحْيَى.
أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟	كَيْفَ حَالُكَ؟
عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟	بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ.
إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ.	إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟
لَا، مَعَ الْأَسْفِ. لِكُنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ.	هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟
إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ، مَعَ السَّلَامَةِ.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ!
فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي.	فِي أَمَانِ اللَّهِ.



اعلموا

صيغ الأفعال

با نام‌گذاری صیغه‌های فعل‌ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نام صیغه به فارسی و عربی		ضمیر	ماضی	مضارع	امر	نهی
اول شخص مفرد	متکلم وحده	من	أنا	فَعَلْتُ	أَفْعَلُ	
دوم شخص مفرد	مفرد مذکر مخاطب	تو	أَنْتَ	فَعَلْتَ	تَفْعَلُ	لا تَفْعَلْ
	مفرد مؤنث مخاطب		أَنْتِ	فَعَلْتِ	تَفْعَلِينَ	لا تَفْعَلِي
سوم شخص مفرد	مفرد مذکر غایب	او	هُوَ	فَعَلَ	يَفْعَلُ	
	مفرد مؤنث غایب		هِيَ	فَعَلَتْ	تَفْعَلُ	
اول شخص جمع	متکلم مع الغير	ما	نَحْنُ	فَعَلْنَا	نَفْعَلُ	
دوم شخص جمع	جمع مذکر مخاطب	شما	أَنْتُمْ	فَعَلْتُمْ	تَفْعَلُونَ	لا تَفْعَلُوا
	جمع مؤنث مخاطب		أَنْتُنَّ	فَعَلْتُنَّ	تَفْعَلْنَ	لا تَفْعَلْنَ
	مثنای مذکر مخاطب		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	لا تَفْعَلَا
	مثنای مؤنث مخاطب		أَنْتُمَا	فَعَلْتُمَا	تَفْعَلَانِ	لا تَفْعَلَا
سوم شخص جمع	جمع مذکر غایب	ایشان	هُمْ	فَعَلُوا	يَفْعَلُونَ	
	جمع مؤنث غایب		هُنَّ	فَعَلْنَ	يَفْعَلْنَ	
	مثنای مذکر غایب		هُمَا	فَعَلَا	يَفْعَلَانِ	
	مثنای مؤنث غایب		هُمَا	فَعَلَتَا	تَفْعَلَانِ	

تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

التمرین

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: كَمَّلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

۱- ﴿وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشُّعْرَاءُ : ٨٤

و برای من یادِ نیکو در

۲- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصَّفِّ : ٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

۳- ﴿وَ اعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ الْمُؤْمِنُونَ : ٥١

و کارِ نیکو

۴- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الْأَعْرَافُ : ٤٧

پروردگارا،

۵- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى

صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به بسیاری نمازشان و و بسیاری حجّشان

۶- «إِرْحَمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمُكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به کسی که در زمین است

التَّمَرِينُ الثَّانِي: اِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

۱- «إِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

برای (دنیایت □ دنیا □) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی □ لذت میبری □) و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری □ نزدیک است بمیری □).

۲- «أَنْظُرُ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَ.» أمير المؤمنين علي عليه السلام

به آنچه گفته است (بنگر □ می نگرم □) و به آن که گفته است (ننگر □ نمی نگرم □).

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.» أمير المؤمنين علي عليه السلام

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی رسیدند □ مالک قدرت شدند □): شایستگان هلاک شدند.

۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» أمير المؤمنين علي عليه السلام

هرکس (دشمنی □ دوستی □) کاشت؛ (زیان □ سود □) درو کرد.

۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.» أمير المؤمنين علي عليه السلام

سخن مانند داروست. اندکش (سود می رساند □ شفا می دهد □) و بسیارش گشنده است.



التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَاضِيَّ وَالْمُضَارِعَ وَالْأَمْرَ وَالنَّهْيَ.

١- ﴿... وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ...﴾ النحل: ٣٣

٢- ﴿... وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ...﴾ النساء: ٢٩

٣- ﴿... لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ ...﴾ يوسف: ٦٧

٤- أُطْلِبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ وَادْكُرْ صِيغَهَا.

.....	سَنَكْشِفُ	قَبَّلَتْ	ما قَدَرُوا
.....	سَوْفَ يَفْرَحُ	تَلَبَّسُونَ	ما فَقَدْنَا
.....	لَا تَصْعَدِينَ	تَطَرَّفْنَ	عَيَّرْنَ
.....	كَانَ يَلْعَبُ	لَا تَهْرَبُ	أَرْقَدُوا

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً حَسَبَ الْمَعْنَى.

- ١- الأعدادُ الأصليَّةُ هي: واحد / / / أربعة /
- / / ثمانية / / عشرة / / إثناعشر
- ٢- الأعدادُ الترتيبيةُ هي: الأول / / الثالث / / الخامس /
- / السابع / / العاشر / / الثاني عشر
- ٣- أيامُ الأسبوعِ سبعةٌ و هي: يومُ السبتِ و الـ و الإثنينِ و و و الجمعة.
- ٤- فصولُ السنةِ أربعةٌ و هي: فصلُ الربيعِ و و الخريفِ و
- ٥- نأكلُ الفطورَ في الصباحِ و في الظهرِ و في الليلِ.
- ٦- لونُ العُرابِ، و لونُ السحابِ و لونُ البحرِ، و لونُ الموزِ، و لونُ الرُّمانِ، و لونُ الشَّجرِ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: صُغِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- الشَّرْرَةُ ○ مِّنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
- ٢- الشَّمْسُ ○ جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ٣- الْقَمَرُ ○ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِّنَ الشَّمْسِ.
- ٤- الْأَنْعُمُ ○ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- ٥- الْغَيْمُ ○ مِّنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
- ٦- الْفُسْتَانُ ○ قِطْعَةٌ مِّنَ النَّارِ.
- ٧- الدَّرَرُ ○

التَّمرينُ السَّابعُ: ضَعْ هَذِهِ الْجُمَلِ وَ التَّرَاكيبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهَا.

هُؤْلَاءِ فَائِزَاتٌ / هُذَانِ الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ بَطَّارِيئَةٌ / أَوْلَنِكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَاغَتَانِ

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

التَّمرينُ الثَّامنُ: اُكْتُبْ وَزْنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ وَ حُرُوفَهَا الْأَصْلِيَّةَ.

- ١- ناصِر، مَنْصُور، أَنْصَار:
 ٢- صَبَّار، صَبُور، صَابِر:
 ٣- مَفْتَح، اِفْتِتَاح، فَاتِحَة:

التَّمرينُ الثَّاسِعُ: ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَ الْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. = ≠

ضِيَاءٌ / نَامٌ / نَاجِحٌ / مَسْرُورٌ / قَرِيبٌ / جَمِيلٌ / نِهَائِيَةٌ / يَمِينٌ / غَالِيَةٌ / شِرَاءٌ / مَسْمُوحٌ / مُجِدِّ

رَخِيصَةٌ	رَاسِبٌ	يَسَارٌ	حَزِينٌ
بَيْعٌ	بِدَايَةٌ	بَعِيدٌ	مُجْتَهِدٌ
رَقَدَ	قَبِيحٌ	نُورٌ	مَمْنُوعٌ

التَّمرينُ العَاشِرُ: ارْسُمْ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



التَّاسِعَةُ إِلَّا رُبْعًا



الثَّامِنَةُ وَ النِّصْفُ



الخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

الدرس الثاني



قال رسول الله ﷺ :

إني مسؤول وإنكم مسؤولون.

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان پرسید.

«إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

كَانَتْ سُمِّيَّةُ بِانْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ الْمَدْرَسِيِّ، وَ كَانَتْ حُجْرَاتِ الْمَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً، وَ مَا بَقِيَ فِي الْمَدْرَسَةِ إِلَّا جَمْعٌ قَلِيلٌ مِنْ زَمِيلَاتِهَا؛ وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ الْمُدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرُغَ الْمَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ.

عِنْدَئِذٍ سَمِعَتْ سُمِّيَّةُ صَوْتَ مُكَيِّفِ الْهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الْحُجْرَاتِ، وَ شَاهَدَتْ الْمَصَابِيحَ مِنَ النُّوَاوِذِ، فَظَنَّتْ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفِّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَّةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حَرًّا؛ وَ عِنْدَمَا نَظَرَتْ بِدِقَّةٍ، وَجَدَتْ الْحُجْرَةَ فَارِعَةً. حَاوَلَتْ فَتَحَ الْبَابِ، فَوَجَدَتْهُ مُغْلَقًا، فَذَهَبَتْ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ، فَشَكَرَتْهَا الْمُدِيرَةُ، وَ طَلَبَتْ مِنْ سُمِّيَّةِ إِطْفَاءَ الْمَصَابِيحِ وَ الْمُكَيِّفِ.

عِنْدَئِذٍ شَاهَدَتْ الْمُدِيرَةُ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ؛ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ حَنْفِيَّةِ الْمَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا.

وَ فِي صَبَاحِ الْيَوْمِ التَّالِيِ، شَكَرَتْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ فِي الْإِصْطِفَافِ الصُّبْحِيِّ سُمِّيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ.

وَ فِي حِصَّةِ الْعُلُومِ الْاجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقِيَّةُ وَ سَأَلَتْ الْمُدْرَسَةَ:

«مَا الْمَقْصُودُ بِالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ الَّتِي تَكَلَّمْتَ الْمُدِيرَةَ عَنْهَا هَذَا الصُّبْحِ؟»

فَأَجَابَتْ: «الْمَرَافِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعًا. إِذَا فَهِمْتَ مَعْنَاهَا، فَادْكُرِي لَنَا أَمْثَلَةً لِلْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ.»

أَجَابَتْ رُقِيَّةُ: «الْمَدَارِسُ وَ الْهَوَاتِفُ الْعَامَّةُ وَ الْمُسْتَشْفَيَاتُ وَ الْمُسْتَوْصَفَاتُ وَ الْمَتَاحِفُ وَ الْمَكْتَبَاتُ وَ دَوْرَاتُ الْمِيَاهِ وَ الْحَدَائِقُ الْعَامَّةُ وَ الْأَشْجَارُ عَلَى الرَّصِيفِ وَ أَعْمِدَةُ الْكَهْرَبَاءِ ...»

أَجَابَتْ الْمُدْرَسَةُ: «أَحْسَنْتِ، وَ الْحِفَاطُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَافِقِ وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ.»

سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعَجُّبٍ: «لِمَ وَ كَيْفَ؟! ذَلِكَ وَاجِبُ الدَّوَلَةِ.»

قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ: «بَلْ هِيَ مَسْئُولِيَّةٌ مُشْتَرَكَةٌ، فَسُمِّيَتْ الَّتِي قَامَتْ بِإِطْفَاءِ الْمُكَيِّفِ وَ الْمَصَابِيحِ فِي حُجْرَةِ الْمُدْرَسَةِ وَ فَاطِمَةُ الَّتِي أَعْلَقَتْ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ وَ الطَّالِبَةُ الَّتِي تَدْخُلُ مَكْتَبَةَ الْمُدْرَسَةِ فَتَحْفَظُ عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا وَ عَلَى نِظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيبِهَا، وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النُّفَايَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا بِكَلَامٍ طَيِّبٍ؛ هُوَ لِأَنَّ يَعْْمَلْنَ بِوَاجِبَاتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْئُولِيَّةِ.»

قَامَتْ سُمِّيَّةُ وَ قَالَتْ: «أَ لَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَتُهُ لَوْحَةٍ جِدَارِيَّةٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا هَذَا الْحَدِيثُ الشَّرِيفُ عَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ.

قَبِلَتْ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ: «هَذَا الْإِقْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَ سَتَتَعَاوَنُ جَمِيعًا عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ.»

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

قَامَ: برخاست

قَامَ بِ: اقدام کرد

مَارَسَ: انجام داد، تمرین کرد

مَرَافِقُ عَامَّةٌ: تأسیسات عمومی

مُغْلَقٌ: بسته شده

مُكَيِّفُ الْهُوَاءِ: کولر

مُوَاطِنٌ: شهروند، هم‌میهن

نَشَاطٌ: فعالیت

نَصَحَ: پند داد

نُفَايَاتٌ: زباله‌ها

هُدُوءٌ: آرامش

هُوََاتِفٌ: تلفن‌ها

تَعَاوَنَ: همکاری کرد

تَيَّارٌ: جریان

حَافِظٌ: نگهداری کرد

حُجْرَاتٌ: اتاق‌ها

حُرٌّ: آزاد، آزاده

حِصَّةٌ: زنگ درسی، قسمت

حِفَافٌ عَلَى: نگهداری از

حَنْفِيَّةُ الْمَاءِ: شیر آب

دَوَامٌ مَدْرَسِيٌّ: ساعت کار مدرسه

دَوْرَةُ الْمِيَاهِ: سرویس بهداشتی

رَمَى: پرت کرد

عِنْدَيْدٌ: در آن هنگام

فَرَعٌ: خالی شد

أَحْسَنْتِ: آفرین بر تو

أَخْبَرَ: خبر داد

إِصْطِفَافٌ صَبَاحِيٌّ: صف صبحگاه

إِطْفَاءٌ: خاموش کردن

أَعْمِدَةٌ: ستون‌ها «مفرد: عمود»

أَعْلَقَ: بست

إِقْتِرَاحٌ: پیشنهاد

إِمْتَلَكَ: مالک شد

إِنْتَفَعَ: سود بُرد

بَهَائِمٌ: چارپایان (به جز درندگان)

«مفرد: بهیمة»

بِقَاعٌ: قطعه‌های زمین

«مفرد: بُقْعَةٌ»

عَيْنُ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأُ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- كَانَتْ سُمَيَّةُ بِانْتِظَارٍ وَالدِّهَانُ لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَنْزِلِ.
- ۲- ذَهَبَتْ الْمُدِيرَةُ نَفْسَهَا لِإِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَ الْمَكْيِيفِ.
- ۳- أَحْبَرَتْ سُمَيَّةُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ بِمَا شَاهَدَتْ فِي الْحُجْرَةِ.
- ۴- الْمَرَاغِقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ.
- ۵- شَكَرَتْ الْمُدِيرَةُ فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ الطَّالِبَاتِ.

إِعْلَمُوا

الأعدادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الأعدادُ الْأَصْلِيَّةُ (وَاحِدٌ إِلَى عِشْرِينَ)	الأعدادُ التَّرْتِيبِيَّةُ (الأوَّلُ إِلَى العِشْرِينَ)	العُقُودُ
وَاحِدٍ ۱	الأوَّلُ ۱م	أَحَدٌ عَشَرَ ۱۱
إِثْنَانِ ۲	الثَّانِي ۲م	إِثْنَانِ عَشَرَ ۱۲
ثَلَاثَةٌ ۳	الثَّالِثُ ۳م	ثَلَاثَةٌ عَشَرَ ۱۳
أَرْبَعَةٌ ۴	الرَّابِعُ ۴م	أَرْبَعَةٌ عَشَرَ ۱۴
خَمْسَةٌ ۵	الخَامِسُ ۵م	خَمْسَةٌ عَشَرَ ۱۵
سِتَّةٌ ۶	السادسُ ۶م	سِتَّةٌ عَشَرَ ۱۶
سَبْعَةٌ ۷	السَّابِعُ ۷م	سَبْعَةٌ عَشَرَ ۱۷
ثَمَانِيَةٌ ۸	الثَّامِنُ ۸م	ثَمَانِيَةٌ عَشَرَ ۱۸
تِسْعَةٌ ۹	التَّاسِعُ ۹م	تِسْعَةٌ عَشَرَ ۱۹
عَشْرَةٌ ۱۰	العَاشِرُ ۱۰م	عِشْرُونَ ۲۰

- ۱- به کلمات «رجال» و «گوگباً» در «خَمْسَةُ رِجَالٍ» و «أَحَدُ عَشَرَ كُوكِبًا» محدود گفته می شود.
- ۲- گاهی عددهای ثَلَاثَةٌ تا عَشْرَةٌ بدون «ة» می آیند؛ مثال: ثَلَاثٌ و ثَلَاثَةٌ؛ أَرْبَعٌ و أَرْبَعَةٌ.
- ۳- «مِئَةٌ» به معنای «صد» به صورت «مِائَةٌ» نیز نوشته می شود.
- ۴- عددهای «عِشْرُونَ، ثَلَاثُونَ، أَرْبَعُونَ، خَمْسُونَ، سِتُّونَ، سَبْعُونَ، ثَمَانُونَ، تِسْعُونَ» عقود نام دارند.
- ۵- عقود با «ون» و «ین» می آید؛ مثال: أَرْبَعُونَ و أَرْبَعِينَ. (فرق این دو را در درس های آینده خواهید خواند.)

۶- «واحد، واحده» و «اثنان، اثنین، اثنان، اثنین» بعد از معدود می آیند؛ مثال:
سائحٌ واحدٌ، عُصنانِ اثنانِ، امرأتینِ اثنتینِ.

۷- معدود سه تا ده مضافٌ الیه و به صورت جمع است. مثال: ثَلَاثَةٌ كُتُبٌ، خَمْسَةٌ مُوَاطِنِينَ

۸- به عددهایی مانند واحدٌ و عَشْرُونَ، اثنانِ و عَشْرُونَ معطوف گفته می شود؛ در زبان عربی یکان پیش از دهگان می آید؛ مثال: أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسُونَ (۴۵)، تِسْعَةٌ وَ سَبْعُونَ (۷۹)

۹- معدود عددهای «یازده» تا «نود و نه» مفرد هستند؛ مثال: أَحَدَ عَشَرَ كُوكَبًا، تِسْعَةٌ وَ تِسْعُونَ يَوْمًا.^۱

اِخْتَبَرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ.

.....	۱- ﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الأعراف: ۱۴۲
.....	۲- ﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الأعراف: ۱۵۵
.....	۳- ﴿عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ﴾ المذثر: ۳۰
.....	۴- خَمْسَةَ عَشَرَ تِمثَالًا
.....	۵- وَاحِدَةٌ وَ عَشْرُونَ جَامِعَةً
.....	۶- سِتُّ عَشْرَةَ مَدِينَةً
.....	۷- تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ بَقَرَةً
.....	۸- سَعٌ وَ ثَلَاثُونَ حَدِيقَةً
.....	۹- ثَلَاثَةٌ وَ سِتُّونَ طَائِرًا
.....	۱۰- وَاحِدَةٌ وَ سَبْعُونَ قَرْيَةً
.....	۱۱- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ عَامًا
.....	۱۲- تِسْعَةٌ وَ عَشْرُونَ كُرْسِيًّا

۱- طرح سؤال از مبحث عدد، خارج از نه نکته فوق در هر آزمونی به ویژه در کنکور خلاف اهداف آموزشی است.

فَنُ التَّرْجَمَةِ

گاهی حرف اضافه معنای فعل را تغییر می‌دهد؛ مثال:

«قام: ایستاد» و «قامَ بِ: اقدام کرد، عمل کرد، پرداخت»

«جاءَ، أَتَى: آمد» و «جاءَ بِ، أَتَى بِ: آورد»

يَدْخُلُ الْأُسْتَاذُ فِي الصَّفِّ فَيَقُومُ الطُّلَابُ احْتِرَامًا لَهُ.

استاد وارد کلاس می‌شود و دانشجویان به احترامش بر می‌خیزند.

قَامَ جَدِّي بِتَوْزِيعِ الْهَدَايَا عَلَى الْبَنَاتِ وَ الْبَنِينَ فِي الْحَفَلَةِ.

پدربزرگم در جشن، به پخش هدیه‌ها میان دختران و پسران پرداخت.

جَاءَ أَخِي الْمِضْيَافُ بِالطَّعَامِ لِضِيُوفِنَا الْأَعْرَاءِ.

برادر میهمان‌نوازم برای میهمانان گرامیمان خوراک آورد.

اِخْتَبَرَ نَفْسَكَ: تَرَجَّمَ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. نُوْرُ السَّمَاءِ

۱- ﴿فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ﴾ غافر: ۲۵

۲- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ﴾ الروم: ۴۷

۳- ﴿مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ الأقصص: ۷۱

۴- ﴿وَ جَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ﴾ يوسف: ۵۸

۵- ﴿قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَى﴾ الأنعام: ۹۱

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (في مطار النجف الأشرف)

سائِحٌ مِنَ الْكُوَيْتِ	سائِحٌ مِنَ إِيرانِ
وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
مَسَاءَ النُّورِ يَا عَزِيزِي.	مَسَاءَ الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي.
لَا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتِ مِنَ بَاكِسْتَانِ؟	هَلْ حَضَرْتِكِ مِنَ الْعِرَاقِ؟
جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَ كَمْ مَرَّةً جِئْتِ أَنْتِ؟	لَا؛ أَنَا إِيرَانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتِ لِلزِّيَارَةِ؟
كَمْ عُمْرُكَ؟	أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتِ؟	عُمْرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا.
مَا أَجْمَلَ غَابَاتِ مازندرانِ وَ طَبِيعَتِهَا!	أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جويبارِ فِي مُحَافَظَةِ مازندرانِ.
نَعَمْ؛ دَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرُّضَا، ثَامِنِ أُنْمَتِنَا عَلَيْهِ السَّلَامُ.	هَلْ دَهَبْتَ إِلَى إِيرانِ مِنْ قَبْلِ؟!
إِنَّ إِيرانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جِدًّا، وَ الشَّعْبُ الْإِيرَانِيُّ شَعْبٌ مُضِيافٌ.	كَيْفَ وَجَدْتِ إِيرانَ؟



التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: اِقْرَأِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ تَرَجِّمَهَا.

۱- ﴿... سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةَ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ ... وَيَقُولُونَ سَبْعَةً وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ...﴾ الْكَهْفُ: ۲۲

۲- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ ...﴾ يُونُسُ: ۴

۳- ﴿إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعَجَةً وَلِي نَعَجَةٌ وَاحِدَةٌ...﴾ ص: ۲۳

۴- ﴿قَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهِينَ اثْنَيْنِ إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ﴾ النَّحْلُ: ۵۱

۵- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا...﴾ الْأَنْعَامُ: ۱۶۰

التَّمَرِينُ الثَّانِي: أَجِبْ عَنِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةِ التَّالِيَةِ كَالْمِثَالِ.

(+ زائد) (- ناقص) (: تقسيم على) (× ضرب في)

۱- عَشْرَةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي ثَلَاثِينَ! $10 \times 3 = 30$

۲- تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

۳- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ.

۴- سِتَّةٌ فِي أَحَدٍ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.

۵- خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

۶- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مُنَاسِبًا.

- ١- الْيَوْمُ ال مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْأَحَدِ.
- ٢- الْيَوْمُ ال مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.
- ٣- الْفَصْلُ الرَّابِعُ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلٌ ال
- ٤- الْفَصْلُ ال فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ.
- ٥- يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزُ ال جَائِزَةً فِضِّيَّةً.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- النَّشَاطُ ○ إعطاءٌ حَلٌّ وَ بَيَانٌ طَرِيقَةٌ لِلقِيَامِ بِعَمَلٍ.
- ٢- الدَّوَامُ ○ آلَةٌ لِنَقْلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ.
- ٣- الْحِصَّةُ ○ سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمُوظَّفِينَ وَ الْعُمَّالِ.
- ٤- الْهَاتِفُ ○ أَنْبُوبٌ لِفَتْحِ تَيَّارِ الْمَاءِ وَ إِغْلَاقِهِ.
- ٥- الْإِقْتِرَاحُ ○ الْقِيَامُ بِعَمَلٍ بِتَحَرُّكِ وَ سُرْعَةٍ.
- ٦- الْحَنْفِيَّةُ ○

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».

رَصِيفٍ / الْهُدُوءِ / خَمْسِينَ / أَعْمِدَةٌ / أَخْبَرُونَا / مِضْيَافٍ / حُجْرَةٌ / يَمْتَلِكُ / فَرَعَتْ

- ١- «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا عَامًا»
الْعَنَكَبُوتُ : ١٤
- ٢- عَلَيْنَا بِالْعُبُورِ مِنْ إِلَى رَصِيفٍ آخَرَ مِنْ مَمَرِّ الْمَشَاةِ.
- ٣- سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ، لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى
- ٤- الْجِيرَانُ بِمَا حَدَّثَ فِي الشَّارِعِ.
- ٥- أَنْزَلَ الْعَامِلُ الْبُضَائِعَ فَ السِّيَّارَةَ.
- ٦- هَلْ أَبُوكَ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ؟
- ٧- لَيْسَتْ فِي الْفُنْدُقِ فَارِعَةً.

الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: صَعِّ فِي الْفِرَاعِ الضَّمِيرِ الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرْجِمِ الْجُمْلَ.

أنا / أنتَ ، أنتِ / هوَ ، هيَ نحنُ / أنتمُ ، أنتنَّ ، أنتما / همُ ، هنَّ ، هما

..... سَيَمِضِي لَا أُنْسَى مَا وَضَعُوا
..... سَوْفَ يَقُومُ سَتَنْزِلُونَ لَا يَصْرُخُونَ
..... مَا وَقَعَتْ وَصَلْتَنَ كَانَتَا تَنْصَحَانِ
..... كَانُوا يَقْذِفُونَ لَا تَكْتُمُ اِكْشِفُوا
..... طَلَبْتُ عَطَّرْتُ مَا عَلِمْنَا
..... لَا تَطْرُدُوا لَا تَنْدَمَنَّ تَطْبَعِينَ

الْتَمْرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ...

- ١- ... أَكْبَرَ عَنكَبُوتٍ، تَعِيشُ فِي الْبِرَازِيلِ وَ وَزْنُهَا مِئَةٌ وَ سَبْعُونَ غِرَامًا؟ (غرام: گرم)
- ٢- ... الْكَلْبَ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ عَلَى بُعْدِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟
- ٣- ... النَّمْلَةُ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟
- ٤- ... الْغُرَابُ يَعِيشُ عِشْرِينَ سَنَةً إِلَى ثَلَاثِينَ أَوْ أَكْثَرَ؟
- ٥- ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟
- ٦- ... طُولَ قَامَةِ الزَّرَافَةِ سِتُّهُ أَمْتَارًا؟ (أمتار: جمع متر)



التمرين الثامن: أأي كلمة من كلمات المعجم، تناسب التوضيحات التالية؟

- ١- من المرافق العامة في الحدائق لغسل الأيدي.
- ٢- نقوله عند تشجيع الذي أحسن عملاً.
- ٣- القيام في صفوف المدرسة في الصباح.
- ٤- صار الشيء ملكه يفعل به ما يشاء.
- ٥- الذي يعيش معنا في وطن واحد.
- ٦- القيام بالتمرين والنشاط.

التمرين التاسع: عين العدد الصحيح للفرغ.

- ١- للفائز جائزة ذهبية و للفائز الثاني جائزة فضية. واحدة ● الأول ●
- ٢- في الإصطفاة الصباحي وقفنا في صفوف. عشرة ● العاشر ●
- ٣- النافذة من نوافذ المدرسة مفتوحة. واحداً ● الأولى ●
- ٤- تيار الكهرباء في حُجرات مقطوع. الرابع ● أربع ●
- ٥- لي أخوان اثنان و أختان اثنتان ● واحد ●

التمرين العاشر: عين المعدود الصحيح للفرغ.

- ١- يلعب أحد عشر في فريق كرة القدم. لاعبين ● لاعباً ●
- ٢- أربعة واقفون أمام باب المنظمة. جنود ● جندي ●
- ٣- اثنان حول كوكب المريخ. قمران ● أقمار ●
- ٤- واحدة في الحديقة مغلقة. أنبوبة ● أنابيب ●
- ٥- في مدرستنا عشرة مكيفات ● مكيفاً ●

﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

أَكْتُبُ آيَةً أَوْ حَدِيثًا أَوْ نَصًّا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ مَسْئَلَةٍ جَمِيعِ الْمَوَاطِنِ
بِالنِّسْبَةِ لِثَرَوَاتِ الْوَطَنِ وَالْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ وَالْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ وَ أَكْتُبُ تَرْجَمَتَهَا الْفَارْسِيَّةَ وَ
الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ.



الْجَانِبِ الشَّرْقِيِّ مِنْ بُسْتَانِ إِذْلَغُولِي فِي مَدِينَةِ تَبْرِيزِ.

تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

Safeguard the earth, for it is your mother.

مراقب زمین باشید؛ زیرا مادرتان است.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿وَيُنزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقاً﴾

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید نمانگ باران ماهی را تهیه کنید و در کلاس نمایش دهید.

مَطَرُ السَّمَكِ

﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ...﴾ الأَنْعَامُ : ٩٩

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَساقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟! إِنَّ نَزْوَلَ الْمَطَرِ وَ النَّجْحِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛ وَلَكِنْ أَيْمُكُنْ أَنْ نَرَى مَطَرَ السَّمَكِ؟! هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟! حَسَنًا؛ فَانظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.



أَنْظُرْ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِرُ أَسْمَاكَ. يُسَمِّي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرَ السَّمَكِ». حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا. يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُوراس فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.



تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحيانًا. فَيَلاحِظُ النَّاسُ غَيَمَةً سَوْداءَ عَظِيمَةً
وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ ثُمَّ تُصْبِحُ الأَرْضُ
مَفْرُوشَةً بِالأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.



حَاوَلَ العُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ العَجيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِزِيَارَةِ المَكَانِ وَ
التَّعْرِيفِ عَلَى الأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا أَنَّ
جَمِيعَ الأَسْمَاكِ المُنتَشِرَةِ عَلَى الأَرْضِ بِحَجْمِ وَاحِدٍ وَ نَوْعِ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ الغَرِيبَ فِي الأَمْرِ أَنَّ
الأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالمِياهِ المُجاوِرَةِ بَلْ بِالمِياهِ المُحيطِ الأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسافَةً
مِائَتَيْ كيلومترٍ عَن مَحَلِّ سُقُوطِ الأَسْمَاكِ. ما هُوَ سَبَبُ تَشكيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟!
يَحَدَّثُ إِعْصارٌ شَدِيدٌ فَيَسْحَبُ الأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ وَ يَأْخُذُهَا إِلَى مَكَانٍ
بَعِيدٍ وَ عِنْدَما يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ.
يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الهِنْدوراسِ بِهَذَا اليَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مَهْرَجانَ مَطَرِ السَّمَكِ».

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی	تَرَى: می بینی «أَنْ تَرَى: که ببینی»	أَثَارَ: برانگیخت
ظَاهِرَةٌ: پدیده «جمع: ظواهر»	تَسَاقَطَ: افتاد	إِحْتَفَلَ: جشن گرفت
عَبَّرَ: از راه	التَّعَرَّفُ عَلَيَّ: شناختن	أَرْسَلَ: فرستاد
فِلمٌ: فیلم «جمع: أفلام»	تَفْتِيشٌ: بازرسی، جست و جو	أَصْبَحَ: شد
مَرَحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید، درود بر شما	تَلَجَّ: برف، یخ «جمع: تُلُوج»	إِعْصَارٌ: گردباد «جمع: أعاصير»
لَاخِظٌ: ملاحظه کرد	حَسَنًا: بسیار خوب	أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی
الْمُحِيطُ الْأَطْلَسِيّ: اقیانوس اطلس	حَيَّرَ: حیران کرد	أَمَطَرٌ: باران بارید
مُرَافِقٌ: همراه	سَحَبٌ: کشید	إِنْتَبَهَ: بیدار شد، متوجه شد
مَفْرُوشٌ: پوشیده	سَمَى: نامید	بَسَطَ: گستراند
مِهْرَجَانٌ: جشنواره، فستیوال	سَوْدَاءٌ: سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	بِطَاقَةٍ: کارت
نُزُولٌ: پایین آمدن	سَنَوِيًّا: سالانه	بَعْدَ: دور شد
نِيَامٌ: خفتگان «مفرد: نائم»	صَدَّقَ: باور کرد	بُنِيَ: پسرکم

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي الْهُندُوراس بِهَذَا الْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَ يُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانِ الْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْمَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.
- ۳- يَتَسَّ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ الْعَجِيبَةِ.
- ۴- إِنَّ نُزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلَجِّ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
- ۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.

اعلموا

الفعل الثلاثي المجرد والمزيد (١)

در زبان فارسی به فعل‌هایی مانند «رفت» و «برگشت»، سوم شخص مفرد می‌گوییم. فعل‌ها در زبان عربی براساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شوند.

گروه اول: ثلاثی مجرد؛ یعنی فعل‌هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شود. بیشتر فعل‌های عربی متوسطه اول این گونه بودند؛ مانند: حَرَجَ، عَرَفَ، نَظَرَ و شَكَرَ.

گروه دوم: ثلاثی مزید؛ فعل‌هایی که «ماضی مفرد مذکر غایب» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دارد؛ مانند: اسْتَحْرَجَ، اعْتَرَفَ، اِنْفَجَرَ و تَشَكَرَ؛ این فعل‌ها علاوه بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد. این فعل‌ها هشت دسته‌اند که به هر دسته «باب» گفته می‌شود.

در جدول زیر به ترتیب چهار باب ثلاثی مزید «اسْتِفْعَال، اِفْتِعَال، اِنْفِعَال و تَفْعُل» آمده است.

أَبَاب	الماضي	المضارع	الأمر	المصدر
إِسْتِفْعَال	إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	إِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	إِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
اِفْتِعَال	اِسْتَعَلَ: کار کرد	يَسْتَعِلُّ: کار می‌کند	اِسْتَعِلْ: کار کن	اِسْتِغَال: کار کردن
اِنْفِعَال	اِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	اِنْفَتِحْ: باز شو	اِنْفِتَاح: باز شدن
تَفْعُل	تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرَّجْ: دانش‌آموخته شو	تَخَرُّج: دانش‌آموخته شدن

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.

باب	مصدر	امر	مضارع	ماضى
	إِسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن	إِسْتَغْفِرْ:	يَسْتَغْفِرُ:	إِسْتَفْعَرَ:
	إِعْتِذَارُ: عذر خواستن	اعْتَذِرْ:	يَعْتَذِرُ:	اعْتَذَرَ:
	إِنْقِطَاعُ: قطع شدن	انْقِطِعْ:	يَنْقِطِعُ:	انْقَطَعَ:
	تَكَلُّمٌ: صحبت کردن	تَكَلَّمْ:	يَتَكَلَّمُ:	تَكَلَّمَ:

تَرْجِمِ جُمَلَهُ هَذِهِ الْجَدَاوِلِ.

الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ: (باب افتعال) اِمْتَنَعَ، يَمْتَنِعُ «اِمْتِنَاعُ: خودداری کردن»

هُؤُلَاءِ اِمْتَنَعُوا.	أنا اِمْتَنَعُ.	يا زميلاتي، هل اِمْتَنَعْتُنَّ؟	يا حبيبي، اِمْتَنِعْ.	إخوتي لا يَمْتَنِعُونَ.

الْجَدْوَلُ الثَّانِي: (باب استفعال) اسْتَغْفَرَ، يَسْتَغْفِرُ «اسْتِغْفَارُ: آمرزش خواستن»

هل اسْتَغْفَرْتَ؟	الْمُؤْمِنُ يَسْتَغْفِرُ.	نَحْنُ اسْتَغْفَرْنَا.	اسْتَغْفِرْ رَبَّكَ.	ألا تَسْتَغْفِرُ أَنْتَ؟

الْجَدْوَلُ الثَّلَاثُ: (باب انفعال) انْقَطَعَ، يَنْقِطِعُ «انْقِطَاعُ: قطع شدن»

انْقَطَعَتِ الْكَهْرَبَاءُ.	انْقِطِعْ يَا مَطَرُ.	لا تَنْقِطِعْ يَا مَطَرُ.	لا يَنْقِطِعُ رَجَائِي.	الشَّجَرَتَانِ ما انْقَطَعَتَا.

الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ: (باب تفعُّل) تَعَلَّمَ، يَتَعَلَّمُ «تَعَلُّمٌ: یاد گرفتن»

زُمَلَائِي تَعَلَّمُوا.	نَحْنُ تَعَلَّمْنَا.	تَعَلَّمْ يَا صَدِيقِي.	أَأَنْتُمْ تَتَعَلَّمُونَ؟	تَعَلَّمُوا أَنْتُمْ.

معنای فعل ثَلَاثِي مجرّد با ثَلَاثِي مزید فرق دارد.

یکی از معانی مشهورِ باب استفعال «درخواست» است؛ مثال:

عَفَرَ: آمرزید اِسْتَعْفَرَ: آمرزش خواست رَجِمَ: رحم کرد اِسْتَرْحَمَ: رحمت خواست

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ

خَدَمَ: اِسْتَخْدَمَ: شَهِدَ: شاهد بود اِسْتَشْهَدَ:

معنای مشهورِ باب‌های «افتعال»، «انفعال» و «تفعّل»، مُطَاوَعَه (پذیرش اثر فعل) است؛ مثال:

مَنَعَ الطَّبِيبُ الْمَرِيضَ عَنِ الْعَمَلِ، فَاُمْتَنَعَ.

پزشک بیمار را از کار بازداشت، و او پذیرفت و خودداری کرد.

أَدَّبَ الْوَالِدُ الطُّفْلَ، فَتَأَدَّبَ. پدر کودک را ادب کرد و او با ادب شد.

كَسَرَ الطُّفْلُ الزُّجَاجَ. کودک شیشه را شکست. اِنْكَسَرَ الزُّجَاجُ: شیشه شکسته شد.

مفعول

مفعول

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ

قَطَعَ: اِنْقَطَعَ:

بَعَثَ: فرستاد اِنْبَعَثَ:

نَشَرَ: منتشر کرد اِنْتَشَرَ:

عَلَّمَ اللهُ الْإِنْسَانَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا فَتَعَلَّمَ.

جَمَعْتُ زَمَلَانِي لِلاِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ، فَاجْتَمَعُوا.

مَلَأَ: اِمْتَلَأَ:

فَتَحَ: نَفْتَحَ:

الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي

فعلى که معنای آن با فاعل کامل می‌شود و به مفعول نیاز ندارد، فعل لازم (ناگذر) نام دارد؛ مثال:

رَجَعَ جَوَادٌ: جواد برگشت. تَجَلَّسَ سَاجِدَةٌ: ساجده می‌نشیند.

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی‌شود و به مفعول نیاز دارد، فعل متعدی (گذرا) گفته می‌شود؛ مثال:

أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً: جواد نامه‌ای را فرستاد.

يَقْطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ: نجار چوب را می‌برد.

غالباً برای تشخیص فعل لازم از متعدی می‌توانیم بپرسیم: «چه کسی را؟» یا «چه چیزی را؟» اگر پرسش معنا داشت، آن فعل متعدی است و اگر معنا نداشت لازم است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ اللَّازِمَ وَالْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَ.

۱- قَامَتْ رُفَيْيَةُ فِي حِصَّةِ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ.

۲- ذَهَبَتْ زَمِيلَتِي لِإِطْفَاءِ الْمَكِينَاتِ.

۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرَرِ.

۴- تَنَمَوُ الشَّجَرَةُ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ.

۵- ذَكَرْتُ أُمَّتَهُ لِلْمَرِافِقِ الْعَامَّةِ.

۶- اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدٍ حَاسِبًا لَهُ.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جوارات (في قسم الجوازات في المطار)

شُرطِي إدارة الجوازات	الْمُسافِرُ الإيرانيُّ
أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟	نَحْنُ مِنْ إِيْرانَ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابُل.
مَرْحَبًا بِكُمْ. شَرَفْتُمُونَا.	أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.
مَا شَاءَ اللهُ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!	أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ. الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.
كَمْ عَدَدَ الْمُرَافِقِينَ؟	سِتَّةَ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ!
أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بِلِطاقَاتِ الدُّخُولِ؟	نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مَنَا بِطَاقَتُهُ بِيَدِهِ.
الرِّجَالُ عَلَى الِئْمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الِئْسارِ لِتَنْفِثِشِ.	عَلَى عَيْنِي.
رَجَاءً؛ اجْعَلُوا جَوازاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.	نَحْنُ جَاهِزُونَ.



۱- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ: پدر و مادرم، دو خواهرم و دو برادرم

تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

الْتَمَارِينُ

الْتَمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ x

- ۱- الْمَهْرَجَانُ اخْتِفَالٌ عَامٌّ بِمُنَاسَبَةِ جَمِيلَةٍ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَ مَهْرَجَانِ الْأَفْلَامِ.
- ۲- الثَّلْجُ نَوْعٌ مِنْ أَنْوَاعِ نُزُولِ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.
- ۳- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.
- ۴- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.
- ۵- الْأَعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ، لَا تَنْتَقِلُ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.

الْتَمْرِينُ الثَّانِي: ضَعْ فِي الْفُرَاقِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

- ۱- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ﴾^۱ لا تَتَّخِذُوا لا تُخْبِرُوا
- ۲- ﴿وَمَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ﴾^۲ نَتَّعَاوُنُ أَرْسَلْنَا
- ۳- يَا أُخْتِي، أَنَا لَا أَكْذِبُ؛ لِمَاذَا لَا كَلَامِي؟ تَصَيَّرِينَ تُصَدِّقِينَ
- ۴- يَا بُنَيَّ، مَاذَا تُرِيدُ مِنْ أُمِّكَ؟ لَقَدْ هَا. حَيَّرْتُ غَيَّرْتُ
- ۵- يَا لَيْتَ السَّمَاءَ عَلَيْنَا كَثِيراً هَذَا الْيَوْمَ! يُغْلِقُ تُمْطِرُ

الْتَمْرِينُ الثَّلَاثُ: عَيِّنِ صَمِيراً مُنَاسِباً لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ.

أَنَا / أَنْتَ ، أَنْتِ / هُوَ ، هِيَ نَحْنُ / أَنْتُمْ ، أَنْتُنَّ ، أَنْتُمْ / هُمْ ، هُنَّ ، هُمَا

.....	تَكَلَّمَ	لَا يَقْرَأُ	مَا اعْتَذَرَنَ
.....	مَا قَامُوا	إِقْتَرِحِي	يَنْتَفِعُونَ
.....	مَا وَقَعَتْ	سَأَحْتَفِلُ	إِنْصَحُوا
.....	سَسْتَغْلُ	أَسْتَغْفِرُ	اسْتَغْفِرُ
.....	سَوْفَ تَنْتَظِرُنَ	لَا حَظَّتْ	نُمارِسُونَ
.....	لَا تَنْتَبِهِي	إِنْبَعَتْ	تَنْخَرِجِينَ

۱- ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خود را دوست نگیرید. الْمَمْتَحَنَةُ : ۱

۲- و ما هیچ پیامبری را جز به زبان مردمش نفرستادیم. اِبْرَاهِيمَ : ۴

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَ، وَعَيِّنِ الْفِعْلَ اللَّازِمَ وَالْمُتَعَدِّيَ فِي الْكَلِمَاتِ الْمُعَيَّنَةِ.

١- ﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِدُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الدُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ آل عمران: ١٣٥

٢- ﴿إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَبِهُوا إِنِّي مَعََكُمْ مِنَ الْمُنْتَضِرِينَ﴾ يونس: ٢٠

٣- ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ﴾ الْمَزَّمَل: ١٠

٤- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا. أمير المؤمنين عليؑ



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل اسلام پژوه، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی

آراسته به حدیث حضرت علیؑ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ ○ يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ.
- ٢- الْمِشْمِشُ ○ مَا لَيْسَ مَفْتُوحًا؛ بَلْ مَسْدُودًا.
- ٣- الْمُوَاطِنُ ○ فَإِكْهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً أَيْضًا.
- ٤- الْمُعْلَقُ ○ جِهَازٌ لِلخَّلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.
- ٥- الْخَضِرَةُ ○ مَنْ يَعِيشُ مَعَكَ فِي وَطَنِكَ وَ هُوَ مِنْ أَهْلِيهِ.
- ٦- الصَّفُّ ○

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعُودَ / صَارَ / حُجْرَةَ / مِهْرَجَانَ / نَزُولَ / عُرْفَةَ
/ / / /

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: تَرَجِّمِ هَذِهِ الْأَفْعَالَ وَالْمَصَادِرَ.

إِبْتَسَمَ	إِبْتَسَمُوا	يَبْتَسِمُونَ	تَبْتَسِمُونَ	إِبْتَسِمِي	نَبْتَسِمُ	إِبْتَسَامٌ
لبخند زد
إِحْتَرَقَ	إِحْتَرَقُوا	سَيَحْتَرِقَانِ	لَا تَحْتَرِقُونَ	تَحْتَرِقِينَ	كَانُوا يَحْتَرِقُونَ	إِحْتِرَاقٌ
آتش گرفت
إِنْفَتَحَ	إِنْفَتَحَتْ	سَيَنْفَتِحُ	إِنْفَتَحْتَا	أِنْفَتِحِ	لَا يَنْفَتِحُ	أِنْفِتَاحٌ
باز شد
تَعَرَّفَ	تَعَرَّفُوا	تَعَرَّفُ	تَتَعَرَّفُونَ	تَعَرَّفْنَا	نَتَعَرَّفُ	تَعَرُّفٌ
شناخت

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

اغْفِرْ اسْتَغْفِرْ

نَخْرُجْ نَتَخَرَّجْ

انْقَطِعْ قَطَعَ

يَنْظُرُ يَنْتَظِرُ

سَلِمْنَا اسْتَلَمْنَا

١- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَ لِذَنبِكَ﴾ غافر: ٥٥

٢- إن شاء الله سوف كلُّنا مِنَ الْمَدْرَسَةِ بَعْدَ سَتَتَيْنِ.

٣- إلهي قد رجائي عَنِ الْخَلْقِ وَأَنْتَ رَجَائِي.

٤- كَانَ صَدِيقِي وَالِدَهُ لِلرُّجُوعِ إِلَى الْبَيْتِ.

٥- أَنَا وَ زَمِيلِي رَسَائِلَ عَبْرِ الْإِنْتِرْنِتِ.

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: تَرَجِّمِ الْآيَاتِ التَّالِيَةَ.

﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾	﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾	﴿رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾
.....
﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾	﴿وَلَا تَيَاسُوا﴾	﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾
.....
﴿ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ﴾	﴿اسْتَخْرَجَهَا﴾	﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾
.....
﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾	﴿تَجْعَلُهُمْ أُتَمَّةً﴾	﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾
.....
﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾	﴿اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾	﴿ادْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾
.....
﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾	﴿وَأَتْرَكَ الْبَحَرَ﴾	﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا﴾
.....

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ قَصِيرَةِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرِنْتِ أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ وَ تَرَجِّمَهَا إِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

وَأَقْرَبُ إِلَيْنَا
وَأَجْمَعُكُمْ جَمِيعًا

﴿ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴾

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه خود را از دبیرتان بپرسید.

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ قَائِمَةً عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَاجْتِنَابِ
الْإِسَاءَةِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَ
بَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾ فَصَّلَتْ : ٣٤

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ أَلَّا يَسْبُوا مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ فَهُوَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْبُوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسْبُوا اللَّهَ...﴾ الْأَنْعَامُ : ١٠٨
الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ
بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾ آلِ عِمْرَانَ : ٦٤

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ: ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾ الْبَقَرَةُ : ٢٥٦
لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ، لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ؛ وَ عَلَى
كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَاطٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛
لِأَنَّهُ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾ الرَّزْمُ : ٣٢

أَلْبَلَدُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ
لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحُجُرَاتُ : ١٣
فَقَدْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ، أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ وَإِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ؛ أَلَا لَا فَضْلَ لِعَرَبِيٍّ عَلَى

١- يعني: لا تَسْبُوا {الْإِلَهَةَ} الَّذِينَ يَدْعُونَ {هُم} مِنْ دُونِ اللَّهِ، فَإِذَا تَسْبَوْنَ مَعْبُودَاتِهِمْ، يَسْبُونَ رَبَّكُمْ.

عَجْمِيَّ، وَلَا لِعَجْمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لِأَسْوَدَ عَلَى أَحْمَرَ وَلَا لِأَحْمَرَ عَلَى أَسْوَدَ إِلَّا بِالتَّقْوَى.»

يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ. ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ آل عمران: ۱۰۳

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الصَّيْنِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.

قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلَاماً يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ بَبِّ الْخِلَافِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.

وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِي:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

فَرَّقَ: پراکنده ساخت

قَائِد: رهبر

قَائِم: استوار، ایستاده

سَبَّ: دشنام داد

سَلَمِيٍّ: مُسَالَمَتِ آمِيز

«سَلَمٌ: صلح»

سَوَاء: یکسان

عَذَرَ: عذر پذیرفت

عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ: در گذر زمان

عَمِيلٌ: مزدور «جمع: عَمَلَاء»

فَضَّلَ: برتری، فزونی

لَدَى: نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»

مَعَ بَعْضٍ: با همدیگر

مِنْ دُونِ اللَّهِ: به جای خدا، به غیر

خدا

«لِتَعَارَفُوا: تا همدیگر را بشناسید.»

تَعَايَشَ: همزیستی داشت

«أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايُشاً سَلْمِيّاً: که

همزیستی مسالمت آمیز کنند.»

تَفَرَّقَ: پراکنده شد

لا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید

جَازٌ: جایز است

حَبَلٌ: طناب «جمع: حِبَالٌ»

حُرِّيَّةٌ: آزادی

حَمِيمٌ: گرم و صمیمی

خِلَافٌ: اختلاف

خُمْسٌ: یک پنجم

دَعَا: فرا خواند، دعا کرد

«يَدْعُونَ: فرا می خوانند»

دَكَّرَ: مرد، نر

فَرِحَ: شاد

إِحْتَرَمَ: احترام گذاشت

إِحْتِفَاطٌ: نگاه داشتن

إِسَاءَةٌ: بدی کردن

إِسْتَوَى: برابر است

أَشْرَكَ: شریک قرار داد

إِعْتَصَمَ: چنگ زد (با دست گرفت)

أَكَّدَ: تأکید کرد

إِنْ: اگر

أُنْثَى: زن، ماده

أَلَّا: که ن... أَلَّا نَعْبُدُ: که نپرستیم

(أَنْ+لَا+نَعْبُدُ)

أَيُّ إِسَاءَةٍ: هرگونه بدی، هرگونه

بی ادبی

بَبَّ: پراکندن

تَجَلَّى: جلوه گر شد

تَعَارَفَ: شناخت یافت

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.
- ۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.
- ۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا.
- ۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللَّوْنِ.
- ۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

إِعْلَمُوا

الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ (۲)

در درس گذشته با چهار باب از فعل‌های «ثلاثی مزید» آشنا شدیم.
با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تفاعّل، تفعیل، مُفاعَلَة و إفعال) آشنا شوید.

أَبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَر
تَفَاعُلٌ	تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می‌شود	تَشَابَهُ: همانند شو	تَشَابُهُ: همانند شدن
تَفْعِيلٌ	فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می‌کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفْرِيحٌ: شاد کردن
مُفَاعَلَةٌ	جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می‌کند	جَالَسْ: همنشینی کن	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
إِفْعَالٌ	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می‌آورد	أَخْرِجْ: بیرون بیاور	إِخْرَاجٌ: بیرون آوردن

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، وَ اكْتُبْ بِأَبْهَا.

باب	مصدر	امر	مضارع	ماضى
	تَعَامَلُ: داد و ستد کردن	تَعَامَلْ:	يَتَعَامَلُ:	تَعَامَلَ:
	تَعْلِيمُ: یاد دادن	عَلِّمْ:	يُعَلِّمُ:	عَلَّمَ:
	مُكَاتَبَةٌ: نامه نگاری کردن	كَاتِبْ:	يُكَاتِبُ:	كَاتَبَ:
	إِدْخَالُ: داخل کردن	ادْخُلْ:	يُدْخِلُ:	ادْخَلَ:

تَرَجِّمِ جُمَلَ هَذِهِ الْجَدَاوِلِ.

الْجَدْوَلُ الْأَوَّلُ: (باب تَفَاعُلٍ) تَعَارَفَ ، يَتَعَارَفُ ، تَعَارَفُ : همدیگر را شناختن

الرُّمَلَاءُ تَعَارَفُوا.	الطَّالِبَاتُ يَتَعَارَفْنَ.	أَنْتُمْ سَتَتَعَارَفُونَ.	نَحْنُ مَا تَعَارَفْنَا.	أَأَنْتُمْ تَعَارَفْتُمْ؟

الْجَدْوَلُ الثَّانِي: (باب تَفْعِيلٍ) نَزَلَ ، يَنْزِلُ ، تَنْزِيلٌ : پایین آوردن

أَنَا سَأَنْزِلُ الْبُضَائِعَ.	الْعَمَالُ مَا نَزَلُوا شَيْئًا.	أَتَنْزِلُونَ الْبُضَائِعَ؟	أَأَنْتُمْ نَزَلْتُمْ أَمْ هُمْ نَزَلُوهَا؟	رَجَاءٌ نَزَلْنَ الْأَطْفَالَ.

الْجَدْوَلُ الثَّلَاثُ: (باب مُفَاعَلَةٍ) دَفَعَ ، يُدْفِعُ ، مُدْفَعَةٌ : دفاع کردن

الْجُنُودُ يُدْفِعُونَ.	إِنَّهُ لَا يُدْفِعُ.	هُم دَفَعُوا.	دَفِعْ عَن نَفْسِكَ.	يَا جُنُودُ، دَفِعُوا.

الْجَدْوَلُ الرَّابِعُ: (باب إِفْعَالٍ) أَجْلَسَ ، يُجْلِسُ ، إِجْلَاسٌ : نشانیدن

هُم أَجْلَسُوا الْأَطْفَالَ.	الْأُمَّهَاتُ يُجْلِسْنَ الْأَوْلَادَ.	إِنَّهُ قَامَ بِإِجْلَاسِ الْحَاضِرِينَ.	رَجَاءٌ، أَجْلَسُوا الضُّيُوفَ.	



در درس پیش دانستیم که معنای فعل‌های هم‌ریشهٔ ثلاثی مجرد با ثلاثی مزید فرق دارد. برخی معنای مشهور باب‌های ثلاثی مزید:

یکی از معنای مشهور دو باب افعال و تفعیل تبدیل معنای فعل از لازم به متعدی است؛ مثال:

نَزَلَ: پایین آمد نَزَّلَ: پایین آورد وَصَلَ: رسید وَصَّلَ: رسانید (باب تفعیل)

خَرَجَ: بیرون آمد أَخْرَجَ: بیرون آورد جَلَسَ: نشست أَجْلَسَ: نشانید (باب افعال)

نَزَلَ حَامِدٌ مِنْ فَوْقِ الْفَرَسِ؛ وَلَكِنْ خَافَ مَاجِدٌ وَ مَا نَزَلَ؛ فَأَنْزَلَهُ وَالِدُهُ.

حامد از روی اسب پیاده شد؛ ولی ماجد ترسید و پیاده نشد؛ و پدرش او را پیاده کرد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: (لِلتَّرْجَمَةِ)

قَرَّبَ: قَرَّبَ: قَرَّبَ: قَرَّبَ: قَرَّبَ: قَرَّبَ: قَرَّبَ: قَرَّبَ:

فَرَعَ: أَفْرَعُ: عَرَفَ: عَرَفَ: عَرَفَ: عَرَفَ: عَرَفَ: عَرَفَ:

دَخَلَ: أَدْخَلَ: دَخَلَ: دَخَلَ: دَخَلَ: دَخَلَ: دَخَلَ: دَخَلَ:

یکی از معنای دو باب مفاعلة و تفاعل مشارکت است؛ مثال:

ضارب فؤاد هاشماً. فؤاد با هاشم زد و خورد کرد.

تضارب فؤاد و هاشم؛ فؤاد و هاشم همدیگر را زدند.

جَلَسُوا: نشستند جالَسوا: همنشینی کردند كَتَبُوا: نوشتند كاتَبوا: نامه نگاری کردند (باب مفاعلة)

دَفَعُوا: هل دادند تدافَعوا: همدیگر را هل دادند سَقَطُوا: افتادند تساقطوا: پی در پی افتادند (باب تفاعل)

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: (لِلتَّرْجَمَةِ)

ضَرَبُوا: ضاربوا: نَصَرُوا: ناصروا: نَصَرُوا: نَصَرُوا: نَصَرُوا:

عاشوا: تعایشوا: ضَرَبُوا: تضاربوا: ضَرَبُوا: ضَرَبُوا: ضَرَبُوا:

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (في صالّة التفتيش بِالجَمَارِكِ)

الزائرُ	شُرطِي الجَمَارِكِ
عَلَى عَيْنِي، يَا أَخِي، وَلَكِنْ مَا هِيَ الْمُسْكِلَةُ؟	إِجْلِبِي هَذِهِ الْحَقِيبَةَ إِلَى هُنَا.
لَا بَأْسَ.	تَفْتِشُ بَسِيطٌ.
لِأَسْرَتِي.	عَفْوًا؛ لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟
تَفَضَّلْ، حَقِيبَتِي مَفْتُوحَةٌ لِلتَّفْتِيشِ.	إِفْتَحِيهَا مِنْ فَضْلِكَ.
فُرْشَاةُ الْأَسْنَانِ وَالْمَعْجُونُ وَالْمِنْشَقَّةُ وَالْمَلَابِسُ ...	مَاذَا فِي الْحَقِيبَةِ؟
لَيْسَ كِتَابًا؛ بَلْ دَفْتَرُ الذِّكْرِيَّاتِ.	مَا هَذَا الْكِتَابُ؟
حُبُوبٌ مُهَدَّئَةٌ، عِنْدِي صُدَاعٌ.	مَا هَذِهِ الْحُبُوبُ؟
وَلَكِنْ أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَيْهَا جِدًّا.	هَذِهِ، غَيْرُ مَسْمُوحَةٍ.
شُكْرًا.	لَا بَأْسَ.
فِي أَمَانِ اللَّهِ.	إِجْمَعِيهَا وَادْهَبِي.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان پرسید.

التَّامِرِينَ

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِّنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ۱- رَيْسُ الْبِلَادِ، الَّذِي يَأْمُرُ الْمَسْئُولِينَ وَ يَنْصَحُهُمْ لِإِدَاءِ وَاجِبَاتِهِمْ.
- ۲- جَمَاعَةٌ مِّنَ النَّاسِ يَعْشَوْنَ فِي بِلَادٍ وَاحِدَةٍ.
- ۳- تَعَرَّفَ الْبَعْضُ بِالْبَعْضِ بِالْبَعْضِ الْآخَرِ.
- ۴- الَّذِي يَعْمَلُ لِمَصْلَحَةِ الْعَدُوِّ.
- ۵- جُزْءٌ وَاحِدٌ مِّنْ خَمْسَةٍ.
- ۶- نَشْرُ الْخَبَرِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: اجْعَلْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- | | | |
|----------------|-----------------------|---------------------------------------|
| ۱- ذَاكَ | <input type="radio"/> | إِسْمٌ إِشَارَةٌ لِغَيْرِ الْقَرِيبِ. |
| ۲- عِنْدِيذٌ | <input type="radio"/> | أَكْبَرُ مِنَ الْبَحْرِ كَثِيرًا. |
| ۳- الْفَارِغُ | <input type="radio"/> | لَيْسَ فِي دَاخِلِهِ شَيْءٌ. |
| ۴- الْدَّوَامُ | <input type="radio"/> | قِطْعَةٌ مِنَ الْأَرْضِ. |
| ۵- الْبُقْعَةُ | <input type="radio"/> | فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ. |
| ۶- الْمُحِيطُ | | |

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِّنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

سَوَاءٌ / الشَّعْبُ / يَعْذِرُ / قَائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

- ۱- جَوَّالٌ تَفَرَّغُ بَطَارِيئُهُ خِلَالَ نِصْفِ يَوْمٍ.
- ۲- زُمْلَانِي فِي الدَّرْسِ عَلَى حَدِّ
- ۳- لِمَصْدِيقِي فِي حُسْنِ الْخُلُقِ.
- ۴- لَا يَقْبَلُ الْإِيرَانِي الصُّغْطَ.
- ۵- لَا تَعْبُدُوا اللَّهَ أَحَدًا.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرَجِّمُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ)

١- ... الزَّرَافَةَ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَاجِلٍ؟

٢- ... مَقْبَرَةَ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجْفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- ... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتَخْدَمَتْ نُقُوداً وَرَقِيَّةً؟

٤- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينَ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قَشْرِهِ؟

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الضَّمِيرَ الْمُنَاسِبَ لِلْفِعْلِ، ثُمَّ تَرَجِّمِ الْجُمْلَةَ.

أنا / أنتَ ، أنتِ / هوَ ، هيَ نحنُ / أنتمُ ، أنتنَّ ، أنتنَّ / همُ ، هنَّ ، هما

..... سَنَمَتِكَ مَا أَرْسَلْتُ أَخْبَرْتُمَا احْتَفَلُ أَوْجَدْنَا
..... تَتَعَارَفُونَ لَا تُخْرِجُ مَا تَسَاقَطَ جَالَسْتَنَّ كَانَ يَنْتَفِعُ
..... يُحَافِظُنَ أَحْتَرِمُ لَا تَسَرِّعُوا كَانَا يُمَارِسَانِ لَا يُفَرِّقُونَ

الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اَكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

١- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِّنَ الْحِكْمَةِ كَبَيْتِ خَرِبٍ فَتَعَلَّمُوا وَ عِلِّمُوا وَ تَفَقَّهُوا، وَ لَا تَمُوتُوا جُهَالًا؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْزِرُ عَلَى الْجَهْلِ.

٢- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ وَ تَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَ الْوَقَارَ وَ تَوَاضَعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ.

٣- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعَطَّارِ إِنْ جَالَسْتَهُ نَفَعَكَ، وَ إِنْ مَاشَيْتَهُ نَفَعَكَ، وَ إِنْ شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ.

٤- الصِّيَافَةُ ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ فَمَا زَادَ فَهُوَ صَدَقَةٌ، وَ عَلَى الضَّيْفِ أَنْ يَتَحَوَّلَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ.

٥- لَا تَجْتَمِعُ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَ الْكِذْبُ.

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبِ نَوْعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا. ❁ نَوْرُ السَّمَاءِ ❁

١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَى بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ إبراهيم: ٥

٢- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ الْبَقَرَةَ: ٢٢

٣- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ الْبَقَرَةَ: ٢٥٧

٤- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غَافِرٍ: ٥٥

٥- ﴿وَإِلَّا حَقِّي أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ الْإِسْرَاءِ: ١٠٥

٦- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَةَ: ٣٠



التَّمرِينُ الثَّامِنُ: صَعُ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

- ١- فَتَدَحَّلَ الْمُدِيرُ وَ نَصَحَنَا وَ نَدَّمْنَا عَلَى عَمَلِنَا الْقَبِيحِ. تَضَارَبْنَا □ صَرَبْنَا □
- ٢- الرُّمْلَاءُ مَعَ بَعْضٍ فِي بَدَايَةِ السَّنَةِ الدَّرَاسِيَّةِ. يَتَعَارَفُونَ □ يَعْرِفُونَ □
- ٣- نَدِمَ أَخِي الصَّغِيرُ مِنْ عَمَلِهِ السَّيِّئِ وَ أَنَا هُ. عَدَرْتُ □ اِعْتَدَرْتُ □
- ٤- تَعَاشَرُوا كَالْإِخْوَانِ وَ كَالْأَجَانِبِ. اِعْمَلُوا □ تَعَامَلُوا □
- ٥- الْجُنْدِيُّ أُسْرَتَهُ عَبْرَ الْإِنْتِرْنِتِ. كَاتَبَ □ كَتَبَ □

التَّمرِينُ الثَّاسِعُ: تَرْجِمَ أَفْعَالَ هَذَا الْجَدْوَلِ وَ مَصَادِرَهَا.

الأمري	المصدر	المضارع	الماضي
أَتَجَّ	إِتْتَجَ	يُتْتَجُّ	أَنْتَجَّ
شَجَّعَ	تَشْجِيعَ	يُشْجِعُّ	شَجَّعَ
سَاعَدَ	مُسَاعَدَةَ	يُسَاعِدُ	سَاعَدَ
تَسَاقَطَ	تَسَاقَطَ	يَتَسَاقَطُ	تَسَاقَطَ
اِسْتَلِمَ	اِسْتِلَامَ	يَسْتَلِمُ	اِسْتَلِمَ
اِسْتَحْدَمَ	اِسْتِحْدَامَ	يَسْتَحْدِمُ	اِسْتَحْدَمَ
اِنْتَفَعَ	اِنْتِفَاعَ	يَنْتَفِعُ	اِنْتَفَعَ



الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾

العنكبوت: ٢٠

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات خود را از دبیرتان پرسید. می‌توانید متن درس را به صورت پاورپوینت اجرا کنید.

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان ۱۱

﴿الْغَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لِيَلَّأَ، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْكَهْرِبَائِيَّةِ ذَاتِ أَلْوَانٍ مُتَعَدِّدَةٍ الَّتِي يَنْبَعِثُ ضَوْوُهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحْوُلُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْغَوَاصُونَ التَّقَاطُ صُورٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عِيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ. هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجَزَةِ الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبِكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟



رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ.»

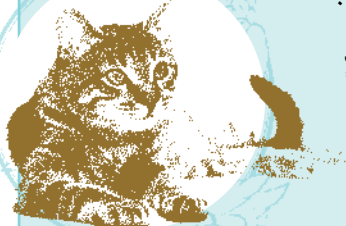
﴿إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِيٌّ دَائِمٌ، لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا، فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَنِمَ.

﴿إِنَّ بَعْضَ الطُّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَيْرِزَتِهَا

الْأَعْشَابَ الطَّبِيَّةَ وَ تَعْلَمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ

لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ؛ وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ الطَّبِيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.

﴿إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةٌ إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْغَةِ خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا، فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَدِّرُ بِهِ بِقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ سَرِيعًا عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.





لِلْبَطِّ خِزَانَاتٌ طَبِيعِيَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ أذْنَابِهَا تَحْتَوِي
زَيْتًا خَاصًّا يَنْتَشِرُ عَلَى أَجْسَادِهَا فَلَا تَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.



تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي
اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا وَ هِيَ تَسْتَطِيعُ
أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.

لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ، فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تَعْوِضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا
فِي كُلِّ نَاحِيَةٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا دَائِرَةً كَامِلَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ جِسْمَهَا.



به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

زَيْت: روغن «جمع: زُيُوت»	إِنْبَعَثَ: فرستاده شد	إِبْتَعَدَ: دور شد
سَارَ: حرکت کرد	بَرِيَّ: خشکی، زمینی	إِتْجَاهَ: جهت
سَيروا: حرکت کنید	بَطَّ: اردک	إِحْتَوَى: در بر داشت
سَائِل: مایع، پرسشگر	بَكْتِيرِيَا: باکتری	أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد
ضَوْء: نور	بوم: جغد	أَذْنَاب: دُم‌ها «مفرد: ذَنْب»
ظَلَام: تاریکی	تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت	إِسْتَطَاعَ: توانست
عَوَّضَ: جبران کرد	تَحَرَّكَ: حرکت کرد	إِسْتَعَانَ: یاری جُست
قَطَّ: گربه	حَرَكَ: حرکت داد	إِسْتَفَادَ: استفاده کرد
مُضِيء: نورانی	حَوَّلَ: تبدیل کرد	إِضَافَةً إِلَى: افزون بر
مُطَهَّر: پاک کننده	جُرْح: زخم	أَعْشَاب طَبِيبَةٌ: گیاهان دارویی
وَقَايَةٌ: پیشگیری	جِرْبَاء: آفتاب پرست	أَفْرَزَ: ترشّح کرد
لَعِقَ: لیسید	خِزَانَةٌ: انبار	إِلْتَأَمَ: بهبود یافت
مَلَكَ: مالک شد، دارد، فرمانروایی کرد	دَلَّ: راهنمایی کرد	إِلْتِقَاطُ صُورٍ: عکس گرفتن
	دُونَ أَنْ: بی آنکه	إِنَارَةٌ: نورانی کردن

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ. ✓ ✕

- ۱- لِلزَّرَافَةِ صَوْتٌ يُحَدِّثُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ.
- ۲- تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظَلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ.
- ۳- تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ فَقَطْ.
- ۴- لِسَانُ الْقِطِّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفَرِّزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا.
- ۵- لَا تَعِيشُ أَحْيَاءٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.
- ۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

إِعْلَمُوا

«الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الْإِسْمِيَّةُ»

به جمله‌های «يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.» و «التَّائِبُ الْجُرْحُ.» جمله فعلیه گفته می‌شود؛ زیرا با فعل شروع شده‌اند.

الگوی جمله فعلیه این است:

فعل «يَغْفِرُ» و «التَّائِبُ» + فاعل «اللَّهُ» و «الْجُرْحُ» + گاهی مفعول «الذُّنُوبَ»

فعل کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد. فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

مفعول، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود.

گاهی مفعول جلوتر از فاعل می‌آید؛ مانند «كُ» در جمله: «شَاهِدَكَ الْأُسْتَاذُ فِي الْمَلْعَبِ الرِّيَاضِيِّ.»

گاهی **فاعل** جمله فعلیه برای تأکید جلوتر از فعل و در ابتدای جمله می‌آید؛ مانند:

«اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.» در این صورت اسم آن از فاعل به مبتدا تغییر می‌کند و چنین جمله‌ای

را جمله اسمیه می‌نامند.

الگوی جمله اسمیه این است: (مبتدا «اللَّهُ» + خبر «يَغْفِرُ»).

به جمله «اللَّهُ عَالِمٌ.» جمله اسمیه گفته می‌شود؛ زیرا با اسم شروع شده است.

مبتدا و خبر تقریباً همان نهاد و گزاره در دستور زبان فارسی‌اند.

مبتدا، اسمی است که در ابتدای جمله می‌آید و درباره آن خبری گفته می‌شود.

خبر، بخش دوم جمله اسمیه است که همان‌گونه که از نامش پیداست، خبری درباره مبتدا

می‌دهد.

شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می‌کند.

تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْفِعْلِيَّةَ وَ الْجُمْلَةَ الْاِسْمِيَّةَ، ثُمَّ اذْكُرِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلَوَّنَةِ.

۱- ﴿وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ التَّوْر: ۳۵

۲- اَلْعِلْمُ خَزَائِنٌ وَ مِفْتَاحُهَا السُّؤَالُ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

۳- اِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ عُصَّةٌ. اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٌّ ع

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضاف الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند؛ مثال:

صُدُورُ الْأَحْرَارِ قُبُورُ الْأَسْرَارِ.

مبتدا مضاف الیه خبر مضاف الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التُّفَّاحِ.

فعل فاعل صفت مفعول مضاف الیه

تَرَجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلَوَّنَةِ.

۱- ﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾ الْأَحْزَاب: ۲۲

۲- اَلْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

۳- مَا قَسَمَ اللهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً اَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

۴- نَوْمٌ عَلَيَّ عِلْمٌ خَيْرٌ مِنْ صَلَاةٍ عَلَيَّ جَهْلٍ. رَسُوْلُ اللهِ ﷺ

۵- تَمَرَةُ الْعِلْمِ اِخْلَاصُ الْعَمَلِ. اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٌّ ع

فَنُ التَّرْجَمَةِ

أَنْ يَفْعَلَ: که انجام دهد

به فعل مضارع «يَغْفِرُ» در این آیه توجه کنید.

﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ النور: ۲۲ آیا دوست ندارید که خدا شما را ببامرزد؟

فعل «يَغْفِرُ» با شکل اصلی آن یعنی «يَغْفِرُ» فرق دارد و تغییری در علامت آخرش

صورت گرفته است.

يَغْفِرُ: می‌آمرزد	أَنْ يَغْفِرَ: که ببامرزد	يَسْتَفِيدُ: بهره می‌برد	أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره ببرد
يَفْهَمُ: می‌فهمد	أَنْ يَفْهَمَ: که بفهمد	يُدِيرُ: می‌چرخاند	أَنْ يُدِيرَ: که بچرخاند

به جدول بالا دقت کنید و فرق ظاهری و معنایی فعل‌هایی مانند:

«يَغْفِرُ» و «أَنْ يَغْفِرَ» را بیابید. با چند نمونه دیگر آشنا شوید.

يَذْهَبُ: می‌رود ← أَنْ يَذْهَبَ: که برود // يَسْمَعُ: می‌شنود ← أَنْ يَسْمَعَ: که بشنود

حرف «أَنْ» معنای فعل را از «مضارع اخباری» به «مضارع التزامی» تغییر می‌دهد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. نُوْرُ السَّمَاءِ

۱- ﴿أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَى أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ﴾ يس: ۸۱

۲- ﴿قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ الأنعام: ۳۷

۳- ﴿رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ﴾ هود: ۴۷

۴- ﴿يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ﴾ الأعراف: ۱۱۰

۵- ﴿أَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذُّنْبُ وَ أَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ﴾ يوسف: ۱۳

۶- ﴿إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا﴾ الشعراء: ۵۱

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (حوارٌ مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ)

سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ	السَّائِقُ
أنا في خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا.	أَيُّهَا السَّائِقُ، نُرِيدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.
أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كِيلُومِترًا. عَجِيبٌ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟	كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغْدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟
لِأَنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزُّوَارِ.	لِزِيَارَةِ مَرْقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طَاقِ كِسْرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟!
زِيَارَةٌ مَقْبُولَةٌ لِجَمِيعٍ! أ تَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ أَمْ لَا؟	فِي الْبُدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأُرْبَعَةِ كَرْبَلَاءَ وَ النَّجْفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاطِمِيَّةَ.
أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَنِ طَاقِ كِسْرَى؟	نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَصْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.
مَاشَاءَ اللَّهُ! بَارَكَ اللَّهُ فِيكَ! مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!	بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. قَدْ أَنْشَدَ شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوَانَ كِسْرَى: الْبُحْثَرِيُّ مِنْ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خَاقَانِيُّ، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيُّ.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان پرسید.

التَّمارين

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- 1- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَ يَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.
- 2- عُضْوٌ فِي جِسْمِ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِبًا لِطَرْدِ الْحَشْرَاتِ.
- 3- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.
- 4- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَ الْمَاءِ.
- 5- عَدَمٌ وَجُودِ الضَّوءِ.
- 6- نَشْرُ النُّورِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

- 1- فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ يَتَأَثَّرُ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ.
- 2- خَبِرَ نَجَاحَ فَرِيقِنَا أَثَارَ انْتِبَاهِ زُمَلَانِنَا.
- 3- كَانَ الطُّلَّابُ يُسَاعِدُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا.
- 4- اتَّقَطْنَا صُورًا فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.
- 5- كَانَ جُرْحُ الْجُنْدِيِّ يَلْتَمِمْ.
- 6- أَسْتَعِينُ بِاللَّهِ فِي حَيَاتِي.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

- | | | | | | | | |
|--------------------------|------------|--------------------------|------------|--------------------------|------------|--------------------------|---------------|
| <input type="checkbox"/> | غُرَابٌ | <input type="checkbox"/> | بَطٌّ | <input type="checkbox"/> | بَوْمَةٌ | <input type="checkbox"/> | نَضِرَةٌ |
| <input type="checkbox"/> | كَلْبٌ | <input type="checkbox"/> | حِرْبَاءٌ | <input type="checkbox"/> | نُفَايَةٌ | <input type="checkbox"/> | قِطٌّ |
| <input type="checkbox"/> | خُمْسٌ | <input type="checkbox"/> | قِشْرٌ | <input type="checkbox"/> | عُضْنٌ | <input type="checkbox"/> | ثَمَرٌ |
| <input type="checkbox"/> | دُرٌّ | <input type="checkbox"/> | جُرْحٌ | <input type="checkbox"/> | ذَهَبٌ | <input type="checkbox"/> | فِصَّةٌ |
| <input type="checkbox"/> | زَيْتٌ | <input type="checkbox"/> | مَاءٌ | <input type="checkbox"/> | زُجَاجَةٌ | <input type="checkbox"/> | شَايٌ |
| <input type="checkbox"/> | سَنَوِيًّا | <input type="checkbox"/> | سَلْمِيًّا | <input type="checkbox"/> | شَهْرِيًّا | <input type="checkbox"/> | أُسْبُوعِيًّا |
| <input type="checkbox"/> | هَائِفٌ | <input type="checkbox"/> | مُكَيِّفٌ | <input type="checkbox"/> | مُسَجِّلٌ | <input type="checkbox"/> | صَيَّرَ |
| <input type="checkbox"/> | وَقَايَةٌ | <input type="checkbox"/> | عَرَبَةٌ | <input type="checkbox"/> | طَائِرَةٌ | <input type="checkbox"/> | حَافِلَةٌ |

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الْفِعْلِيَّةَ وَالْإِسْمِيَّةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلوَّنَةِ.

١- ﴿وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٥٤

٢- ﴿وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشُّعْرَاءُ: ٨٤

٣- السُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِصَّةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- جَمَالُ الْمَرْءِ فَصَاحَةُ لِسَانِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ



الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ. = ≠

إِسْطَاعٌ قَدَرَ	سَلِمَ حَرَبَ	اِقْتَرَبَ اِبْتَعَدَ	اِحْسَانٌ اِسْاءَةٌ
فَارِغٌ مَمْلُوءٌ	ظَلَامٌ ضِيَاءٌ	اَغْلَقَ فَتَحَ	نُفَايَةٌ زُبَالَةٌ
عَيْمٌ سَحَابٌ	حُجْرَةٌ عُرْفَةٌ	قَذَفَ رَمَى	قَرَبٌ بَعَدَ
فَرِحَ حَزِينٌ	مِن فَضْلِكَ رَجَاءٌ	سَائِلٌ جَامِدٌ	جَاهِزٌ حَاضِرٌ

الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: اَكْتُبِي اسْمَ كُلِّ صُورَةٍ فِي الْفَرَاغِ.

الْبَطُّ / الْكِلَابُ / الْغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الْحِرْبَاءُ / الْبَقْرَةُ



دَنْبٌ جَمِيلٌ.



يُرْسَلُ اَخْبَارَ الْغَايَةِ.



تُعْطِي الْحَلِيبَ.



طَائِرٌ مَائِيٌّ



يَحْفَظُ الشَّرْطِيَّ، الْأَمْنَ بِـ



ذَاتُ عَيْونٍ مُتَحَرِّكَةٍ

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: عَيِّنِ الْفِعْلَ وَ الْفَاعِلَ وَ الْمَفْعُولَ فِي الْكَلِمَاتِ الْمَلَوَّنَةِ. ﴿نُورِ السَّمَاءِ﴾

١- ﴿فَأَنْزَلَ اللهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الفتح: ٢٦

٢- ﴿لَا أَمَلِيكَ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللهُ﴾ الأعراف: ١٨٨

٣- ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَ نَسِيَ خَلْقَهُ﴾ يس: ٧٨

٤- ﴿وَلَا يَظِلُّمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الكهف: ٤٩

٥- ﴿يُرِيدُ اللهُ بِكُمْ الْيُسْرَ﴾ البقرة: ١٨٥

٦- ﴿يَخْلُقُ اللهُ مَا يَشَاءُ﴾ النور: ٤٥

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: عَيِّنِ الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ. ﴿كُنْزِ الْكَلَامِ﴾

١- التَّدَمُّ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمِّ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٢- أَكْبَرُ الْحَمَقِ الْإِعْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالْمَدَمُّ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٣- ذَنْبٌ وَاحِدٌ كَثِيرٌ وَأَلْفٌ طَاعَةٌ قَلِيلٌ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٤- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٥- الْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

٦- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: تَرَجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلَوَّنَةِ.

(مبتدأ وخبر ومفعول وفاعل ومضاف إليه)

١- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ البقرة: ٤٤

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ البقرة: ٢٨٦

٣- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَالِدِيهِ حُبًّا لَهُمَا عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٦- عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّمْرِينُ الْعَاشِرُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- ١- الْمَاضِي مِنْ «يَتَعَدُّ»: بَعَدَ تَبَعَّدَ اِبْتَعَدَ
- ٢- الْمَضَارِعُ مِنْ «اِنْبَعَثَ»: يَنْبَعِثُ يَتَبَعِثُ يَبْعَثُ
- ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «يُعَلِّمُ»: تَعْلِيمِ إِعْلَامِ تَعَلُّمِ
- ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تُشَاهِدُ»: شَاهِدُ شَاهَدَ شَاهِدٌ
- ٥- الْنَهْيُ مِنْ «تَتَفَرَّقُونَ»: مَا تَفَرَّقْتُمْ لَا تَتَفَرَّقُونَ لَا تَتَفَرَّقُوا
- ٦- عَلَى وَزَنِ «اسْتِفْعَالُ»: اسْتِمَاعِ اسْتِخْدَامِ اسْتِرَاقِ

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنْ نَصِّ قَصْرِ عِلْمِي بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ خَلْقِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمْهُ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ،
مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



شَلالُ سَميرُم في مُحافَظَةِ إِصفهان

الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ
فَإَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ﴾

الرَّوم: ٤٢

الدَّرْسُ السَّادِسُ

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات خود را از دبیرتان بپرسید.

الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ

إِنَّ إِيْرَانَ مِنْ الدُّوَلِ الْجَمِيْلَةِ فِي الْعَالَمِ وَ الْمَشْهُورَةِ بِالْكَثِيْرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَابَةِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ وَ الثَّقَافِيَّةِ؛ وَ فِيهَا صِنَاعَاتٌ يَدْوِيَّةٌ تَجْدِبُ السَّائِحِيْنَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ. شَهِدْتُ إِيْرَانَ فِي السَّنَوَاتِ الْأَخِيْرَةِ نُمُوًّا مَلْحُوظًا فِي السِّيَاحَةِ، فَهِيَ تَسْتَطِيْعُ أَنْ تَحْصُلَ مِنَ السِّيَاحَةِ عَلَى ثَرْوَةٍ عَظِيْمَةٍ بَعْدَ النَّفْطِ. يَرَى بَعْضُ السَّائِحِيْنَ إِيْرَانَ بَلَدًا مُمْتَازًا لِقَضَاءِ الْعُطَّلَاتِ.

قَامَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو بِتَسْجِيْلِ مَدُنٍ وَ مَنَاطِقٍ ثَقَافِيَّةٍ وَ تَارِيْخِيَّةٍ إِيْرَانِيَّةٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ؛ لِأَنَّهَا تَجْدِبُ كَثِيْرًا مِنَ السَّائِحِيْنَ إِلَيْهَا. مِنَ الْآثَارِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ فِي إِيْرَانَ:

آثَارُ بَرْسَبُولِيْسِ وَ مَقْبَرَتَا حَافِظٍ وَ سَعْدِيِّ فِي مُحَافَظَةِ فَارِسِ، وَ «طَاقِ بُسْتَانَ» وَ «كَنْبِيَّةِ بِيَسْتُونَ» فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَانشَاهِ، وَ مَرْقَدُ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَرْقَدُ الْفِرْدَوْسِيِّ فِي مَشْهَدِ، وَ مَرْقَدُ السَّيِّدَةِ مَعْصُومَةِ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِمَدِيْنَةِ قُمْ، وَ قَلْعَةُ «فَلَكِ الْأَفْلَاقِ» فِي حُرْمِ آبَادِ، وَ قَلْعَةُ الْوَالِي وَ غَابَاتُ الْبَلُوطِ فِي إِيْلَامِ وَ



«حَمَام كَنجَعَلِي خان» فِي مُحَافَظَةِ كِرمانِ الْمَشهُورَةِ بِإِنتاجِ الْفُسْتُقِ وَ السَّجَادِ، وَ سَلالاتِ شوشتر وَ مَقْبَرَةُ النَّبِيِّ دَانِيالِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خوزِستانِ، وَ مَرَقَدُ ابْنِ سينا الْعَالِمِ الْمَشهُورِ فِي الْعَالَمِ، وَ كَهْفُ عَلِي صَدْر وَ هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكُهوفِ الْمائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ فِي همدانِ، وَ الْعِماراتِ الْأَثَرِيَّةُ فِي إِصفهانِ وَ قَدْ سَجَّلَتْهَا مُنَظَّمَةُ اليُونِسكو الدُّولِيَّةُ فِي قائِمَةِ التُّراثِ الْعَالَمِيِّ، أَمَّا الْمُحَافَظَاتُ الشَّمالِيَّةُ الثَّلَاثُ عَلَى شاطِئِ بَحْرِ قزوِينِ (Caspian) فَرائِعَةٌ بِمَنَاطِرِها الْجَمِيلَةِ، فَهِيَ مُناسِبَةٌ لِلبِطاقاتِ الْبَرِيدِيَّةِ، وَ كَأَنَّها قِطْعَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ.

لأبَدٍ مِنْ تاليفِ كِتابِ عَظيمٍ لِإِحْصاءِ مَناطِقِ الجَذْبِ السِّياحِيِّ فِي إيرانِ، نَذْكُرُ قِسمًا

آخَرَ مِنْها:

يَزِدُ وَ حَلَوِيَّاتِها وَ مَناطِقُها الصَّحراوِيَّةُ، وَ تَبْرِيزِ وَ سوقِها الْمَشهُورُ بِأَنَّهُ أَكْبَرُ سوقِ مُسَقَّفِ فِي الْعَالَمِ، فِيهِ مَكانٌ واسِعٌ لِبيعِ السَّجاجيدِ وَ الذَّهَبِ. وَ مَدِينَةُ قائِنِ بَلَدِ الذَّهَبِ الْأَحْمَرِ الرُّعْفَرانِ، وَ غابَةُ حَرَّاءِ فِي جَزيرةِ قِشمِ، وَ الشَّاطِئُ الصَّخْرِيُّ لِميناءِ شابَهارةِ، وَ كَهْفُ سَهولانِ فِي مَهابادِ، وَ بُحَيْرَةُ زَرَبيارِ فِي مَريوانِ، وَ قُبَّةُ سُلطانِيَّةِ فِي زَنجانِ، وَ مُتَحَفُ التُّراثِ الرِّيفِيِّ قُرْبَ رَشْتِ، وَ بُرْجُ ميلادِ فِي طهرانِ، وَ الْأَنهارُ وَ السَّلالاتُ وَ الْغاباتُ وَ الْعيُونُ فِي ياسوجِ وَ شَهْرُكَردِ وَ الطَّرِيقُ السِّياحِيُّ بَيْنَ مَدِينَتَيْ أَسامِ وَ خَلخالِ، وَ حَديقَةُ بِشِ قارداشِ فِي مَدِينَةِ بُجنوردِ، وَ غابَةُ أَبَرِ (السَّحابِ) فِي شاهرودِ، وَ سوقُ أراكِ، وَ قَلْعَةُ أَلَموتِ، وَ مُتَحَفُ دِلوارِي فِي بوشهرِ وَ أَلَفُ الْمَناطِقِ الأُخَرى. فَتَنَوُّعُ مَعالِمِ إيرانِ وَ اسْتِقْرارُ الوُضْعِ الْأَمْنِيِّ فِيها يُشجِّعُ السَّائِحِينَ إِلى السَّفَرِ إِليها لِرُؤْيَةِ جَمالِ آثارِها وَ طَبِيعَتِها الْخَلابَةِ.



به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

تعطیلات	خَلَاب : جَذَاب «مَعَالِمُ إِيْرَانِ	أَثْرِيّ : تاریخی
كَهْف : غار «جمع: كهوف»	الْخَلَابَةُ: آثار جَذَابِ إِيْرَانِ	إِحْتِوَاء : دربرگرفتن
لأبْدٍ من : ناگزیر	سَجَاجِيد : فرشها «مفرد: سَجَاد»	إِحْصَاء : شمارش
مَعَالِم : آثار	سِيَاحَة : جهانگردی، گردشگری	أَطْوَل : بلندترین
مَلْحُوظ : قابل ملاحظه	شَاطِئُ : ساحل «جمع: شَواطِئُ»	بُحَيْرَة : دریاچه
مَنَاطِقُ الجَذَبِ السِّيَاحِيّ : مناطق	صَحْرَاوِيَّة : کویری	بَرِيد : پست «بطاقة بَرِيدِيَّة»
دارای جاذبه جهانگردی	رَافِع : جالب	كارت پستال»
نَظْرًا لـ : نظر به	رِيفِيّ : روستایی	تُراث : میراث
نَفْط : نفت	عُطْلَة : تعطیلی	تَسْجِيل : ثبت کردن
وَقَعَ : واقع شد، اتفاق افتاد، افتاد	فُسْتُق : پسته	ثَقَافِيَّة : فرهنگی
(مضارع: يَقَع)	قَائِمَة : لیست	جَذَب : جذب کرد
يَدَوِيَّة : دستی	قُبَّة : گنبد	حَصَلَ عَلَيّ : به دست آورد
	قَضَاءُ العُطْلَات : گذراندن	حَلَوِيَّات : شیرینیجات

إِبْحَثْ فِي نَصِّ الدَّرْسِ عَن جَوَابٍ قَصِيرٍ لِهَذِهِ الأَسْئَلَةِ.

- ۱- مَا اسْمُ الكَهْفِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الكُهُوفِ الأَمَائِيَّةِ فِي العَالَمِ؟
- ۲- مِمَّ تَسْتَطِيعُ إِيْرَانُ أَنْ تَحْصَلَ عَلَيّ ثَرَوَة بَعْدَ النُّفْطِ؟
- ۳- أَذْكَرُ عِمَارَة مِنْ العِمَارَاتِ الأَثَرِيَّةِ فِي مَدِينَةِ إِيْفْهَانِ.
- ۴- أَيُّ صِنَاعَة إِيْرَانِيَّة تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ العَالَمِ؟
- ۵- مَا هُوَ لَقْبُ مَدِينَةِ قَائِنِ؟
- ۶- أَيْنَ تَقَعُ قَلْعَةُ الوَالِي؟

اعلموا

إعراب أجزاء الجملة الاسمية والفعلية

إعراب به علامت انتهای کلمه گفته می‌شود و از ویژگی‌های بارز زبان عربی است.

کلمات از نظر علامت حرف آخرشان دو نوع اند: **مُعْرَب** و **مَبْنِي**

علامت حرف آخر برخی کلمات با تغییر جایگاهشان در جمله، تغییر می‌کند که به آنها «**مُعْرَب**» گفته می‌شود؛ بیشتر اسم‌ها معرب اند؛ مانند «الله» در جمله‌های زیر:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ،

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ﴾ الأحزاب: ۵۱

﴿وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ البقرة: ۱۹۹

برخی هم با تغییر جایگاهشان در جمله، علامت حرف آخرشان ثابت می‌ماند که «**مَبْنِي**» نامیده می‌شوند و عبارت‌اند از:

ضمایر (مانند: هُوَ، أَنْتَ، نَحْنُ، كُمْ، نَا و ...)

اسم اشاره (مانند: هَذَا، ذَلِكَ، هَؤُلَاءِ و ...)

کلمات پرسشی (مانند: كَيْفَ، مَتَى، أَيْنَ، مَنْ، مَا و ...)

فعل ماضی، فعل امر، دو صیغه جمع مؤنث (يَفْعَلْنَ و تَفْعَلْنَ) در فعل مضارع

همه حروف (مانند: مِنْ، عَلَى، إِلَى، بِ، لِ، فِي، عَنْ، كَ، أَل، فَ، ثُمَّ و ...)

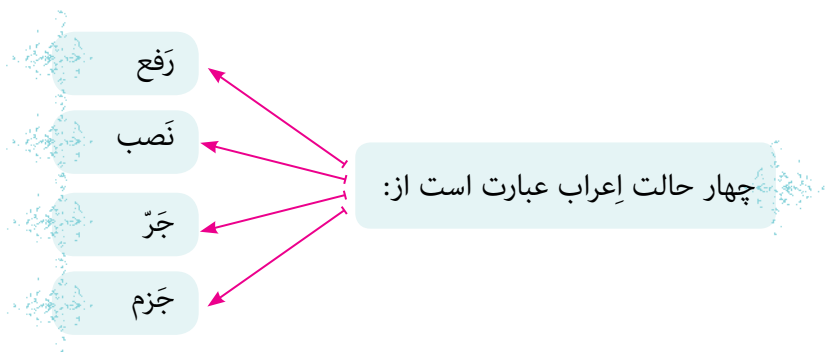
به کلمه «هَذِهِ» دقت کنید که کسره آخر آن در هر نقش و حالتی هیچ تغییری نمی‌کند:

﴿لَا تَقْرَبُوا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ البقرة: ۳۵

﴿إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ﴾ الأنبياء: ۵۲

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُعْرَبَةِ وَالْمَبْنِيَّةِ.

هَذِهِ، غُضْنُ، كُمْ، أَوْلَئِكَ، سَائِحٍ، مَنْ، سَحَابًا، أَخْبَرَ، يُخْبِرُ، يَنْتَظِرُونَ، أَنْتُمْ، مُحَمَّدٌ



إعراب رفع و علامت آن « ُ ، ٌ ، وَنَ » در جمع مذکر، انِ در مثنی « است؛

مانند: الْكَاتِبُ، كَاتِبٌ، الْكَاتِبُونَ، الْكَاتِبَانِ

إعراب نصب و علامت آن « ِ ، ٍ ، يِنَ » در جمع مذکر، يِنِ در مثنی « است؛

مانند: الْكَاتِبِ، كَاتِبًا، الْكَاتِبِينَ، الْكَاتِبَيْنِ

إعراب جرّ و علامت آن « ِ ، ٍ ، يِنَ » در جمع مذکر، يِنِ در مثنی « است؛

مانند: الْكَاتِبِ، كَاتِبٍ، الْكَاتِبِينَ، الْكَاتِبَيْنِ

إعراب جزم و علامت آن « ْ » است؛ مانند لا تَكْتُبْ، این علامت مخصوص فعل‌های

مضارع و فعل نهی است.

کلمه دارای إعراب رفع را «مرفوع»؛

دارای إعراب نصب را «منصوب»؛

دارای إعراب جر را «مجرور»؛

و دارای إعراب جزم را «مجزوم» می‌نامند.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيْنِ إِعْرَابِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ الْمَرْفُوعَةِ وَ الْمَنْصُوبَةِ وَ الْمَجْرُورَةِ وَ الْمَجْزُومَةِ.

قَرَأَ الطَّالِبُ الْمُجِدِّ قَصِيدَةً رَائِعَةً. لَا تَكْتُبْ شَيْئًا عَلَى الْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.

با نقش‌های فاعل، مفعول، مبتدا و خبر آشنا شدید. اکنون با اعراب این نقش‌ها آشنا شوید.
 فاعل، مبتدا و خبر، مرفوع اند و مفعول منصوب است (البته هنگامی که مُعَرَّب باشند).

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾ الأَحْزَاب: ۲۲

فاعل و مرفوع به واو مفعول و منصوب به فتحه فاعل و مرفوع به ضمّه

ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

مبتدا و مرفوع به ضمّه خبر و مرفوع به ضمّه

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُوتَةَ.

- ۱- مُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ وَاقِفِ أَمَامَ الْأَصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ.
- ۲- أَلْوَنُ الْبَنْفَسَجِيِّ لِعُرْفَةِ النَّوْمِ مُهْدِيُّ الْأَعْصَابِ.
- ۳- لَا يُصَدِّقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيرًا.
- ۴- الْحَلِيبُ الطَّازِجُ مَمْلُوءٌ بِالْكَالْسِيَوْمِ.
- ۵- أَغْلَقَ الْعَمَّالُ بَابَ الْمَصْنَعِ أَمْسٍ.

نکته: در اعراب اسم‌های مبنی مثل «هَذِهِ» در جمله‌ای مانند «هَذِهِ شَجَرَةٌ رُمَانٍ» بعد از ذکر نقش آن کافی است بگوییم: «هَذِهِ مبتدا و مبنی است.» و وقتی که فعلی (خواه معرب خواه مبنی) دارای نقشی مانند خبر می‌شود، هیچ تغییری نمی‌کند و در ذکر اعراب آن فقط نقش آنها ذکر می‌شود؛

مثلاً: هُنَّ ذَهَبٌ. = هُنَّ: مبتدا و مبنی؛ ذَهَبٌ: خبر و مبنی

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: ادْكُرِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُوتَةِ.

اکنون شما بگویید اعراب کلمات رنگی چیست؟ **ذَلِكَ** زَمِيلُكَ. **أَعْرِفُهُ** جَيِّدًا.

إِعْرَابُ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ

با صفت و مضافُ الیه در پایهٔ نهم آشنا شدید. صفت در اِعراب تابع (پیرو) موصوفِ خودش است و اِعراب مضافُ الیه جرّ است (مضافُ الیه مجرور است؛ یعنی دارای علامت - ، - ، یَنْ یا یَنْ است).

مبتدا، خبر، فاعل و مفعول می‌توانند بعد از خودشان صفت یا مضافُ الیه داشته باشند؛
مثال:

الَّذِينَ وَالْأَبِيَاءُ لَوْ هَدَوْا.

مبتدا و مرفوع به ضمّه صفت و مرفوع به ضمّه خبر و مرفوع به ضمّه مضافُ الیه و مجرور به كسره

فَحَصَّ الطَّبِيبُ أَسْنَانَ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

فعل فاعل و مرفوع مفعول و منصوب مضافُ الیه و مجرور صفت و مجرور

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيْنِ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ، ثُمَّ اذْكَرْ اِعْرَابَهُمَا.

۱- رَضَا اللهُ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

۲- الْمُؤْمِنُ قَلِيلُ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

۳- سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ ع

۴- يَكْذِبُ الْإِنْسَانُ الضَّعِيفُ وَ يَصْدُقُ الْإِنْسَانُ الْقَوِيُّ.

۵- الطُّلَابُ الْمُؤَدَّبُونَ مُحْتَرَمُونَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِينَ.

۶- الشَّعْبُ الْعَالِمُ شَعْبٌ نَاجِحٌ.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

جواراتُ (في الصَّيدليَّة)

الصَّيدليُّ	ألحاجُ
أعطني الوَرَقَةَ: مِحْرارٌ، لَفَافَةٌ، حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ لِلصُّدَاعِ، حُبُوبٌ مُهَدِّئَةٌ، كَبْسُولٌ أُمبِيسِيلِينِ، قُطْنٌ طَبْيُّ، مَرَهَمٌ لِحَسَّاسِيَّةِ الْجِلْدِ ... لا بأس، لَكِنْ لا أُعْطِيكَ أُمبِيسِيلِينِ.	عَفْواً، ما عِنْدِي وَصَفَةٌ وَ أُريدُ هَذِهِ الأَدْوِيَّةَ المُكْتَوَبَةَ عَلى الوَرَقَةِ.
لا؛ عِنْدنا، وَلَكِنْ يَبْعُها بِدُونِ وَصَفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحِ.	لِمَذا، أَمَّا عِنْدَكُم؟
لِمَنْ تَشْتري هَذِهِ الأَدْوِيَّةَ؟	شُكْراً جَزِيلاً، يا حَضْرَةَ الصَّيدليِّ.
أَلشِّفاءَ مِنَ اللّهِ.	أَشْتَرِيها لِزَمَلائِي فِي القَافِلَةِ.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الدَّرْسِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

١- آتَةٌ لِلإِطْلَاعِ عَلَى دَرَجَةِ حَرَارَةِ الْجِسْمِ وَ الْجَوِّ.

٢- يَوْمُ الإِسْتِرَاحَةِ لِلْمُوْتَظِّفِينَ وَالْعَمَّالِ وَالطُّلَّابِ.

٣- مَنطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ الْبِحَارِ وَ الْمُحيطَاتِ.

٤- إِدَارَةٌ لِتَسْلِيمِ الرِّسَائِلِ وَ اسْتِلامِهَا.

٥- نَبَاتٌ يُعْطِي ثَمَرًا أَبْيَضَ اللَّوْنِ.

٦- مَكَانٌ لِبَيْعِ الْأَدْوِيَةِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

ما جَلَسْتَ لا يَجْلِسُونَ اجْلِسِي لا تَجْلِسَا

اجْلِسُوا أَجْلَسُوا أَجْلَسُوا جالَسُوا

جالَسُوا لا تَجْلِسُ كانوا يَجْلِسُونَ سَوْفَ يَجْلِسُ

سَأَجْلِسُ أَجالِسُ أَجْلِسُ اجْلِسْ

التَّمْرينُ الثَّالِثُ: ضَعِ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنْ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

لَقَافَةٌ / قُبَّةٌ / جَلْدِيٌّ / رَائِعَةٌ / السِّيَاحِيُّ / الرِّيفِ / الْحَلَوِيَّاتُ

١- كَانَ لِصَدِيقِي 'مَرَضٌ فَذَهَبَ إِلَى الْمُسْتَشْفَى.

٢- قَرَأْتُ قَصِيدَةً لِأَمِيرِ الشُّعْرَاءِ أَحْمَدَ شَوْقِي.

٣- جَلَسْنَا تَحْتَ شاهِ شِراغِ  فِي مَدِينَةِ شيراز.

٤- إِنَّ كُرْدِسْتَانَ مِنْ مَنَاطِقِ الْجَذِبِ فِي إِيرانِ.

٥- أَلْعَيْشُ فِي جَمِيلٌ جِدًّا.

١- كَانَ لِ: دَاشَت

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ هَذِهِ الْأَفْعَالَ فِي الْجَدْوَلِ، ثُمَّ اكْتُبْ مَعْنَاهَا.

سَوْفَ يَتَحَرَّكُ / أَنْشُدُ / لَا نَسْتَرْجِعُ / أَصَابَتْ / تَسْتَلِمِينَ / لَا تُخْبِرُ / مَا افْتَرَبْنَا / لَا تُرِيدُونَ
كَانَ يَشْهَدُ / إِدْفَعُوا / سَيَسْتَطِيعُ / لَا تَأْكُلُوا / إِخْتَرَعْتَنِّي / مَا اعْتَدَرْتَا / يَبْتَدِي / كَانَتْ تُعَوِّضُ

نوع فعل	عربي	ترجمة فارسي	عربي	ترجمة فارسي
ماضي
ماضي منفي
معادل ماضي استمراري
مضارع
مضارع منفي
امر
نهي
مستقبل

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- رَأَيْنَا مِنْ أَمْرِيكَا الْوُسْطَى فِي الْمَتْحَفِ. سَائِحَانِ سَائِحِينَ
- ٢- سَاعَدَتِ الْمَرْأَةَ الَّتِي تَصَادَمَتْ بِالسَّيَّارَةِ. الْمُمْرِضَاتِنِ الْمُمْرِضَتَيْنِ
- ٣- حُزْنٌ فِي قُلُوبِهِمْ لَا فِي وُجُوهِهِمْ. الْمُؤْمِنُونَ الْمُؤْمِنِينَ
- ٤- وَقَفَا فِي بَدَايَةِ السَّاحَةِ الْأُولَى. الْأَشْرَطِيَّانِ الْأَشْرَطِيَّانِ
- ٥- حَاضِرُونَ فِي مَهْرَجَانِ الْمَدْرَسَةِ. الْمُعَلِّمُونَ الْمُعَلِّمِينَ
- ٦- نَزَلَ مِنْ طَائِرَاتِهِمُ الْحَرْبِيَّةِ. الطَّيَّارُونَ الطَّيَّارِينَ

التمرين السادس: ضع كل اسم في مكانه المناسب.

بطاقتان / مفرحة / شواطئ / غصنان / خائفات / مواطنون / صيدلية / بهائم

بطّتين / مكرّمين / عمودين / بائعات

مفرد مؤنث	مثنى مذكر	مثنى مؤنث	جمع مذكر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مكسر

التمرين السابع: عيّن الجواب الصحيح؛ ثمّ ترجمه.

- 1- جمع مذكر مخاطب از يتعارف: نتعارف يتعارفون تتعارفون
- 2- جمع مؤنث مخاطب از يشهد: تشهدين تشهدن يشهدن
- 3- مفرد مذكر غائب از ابتعدت: ابتعدت ابتعد ابتعدت
- 4- جمع مذكر غائب از جذب: جذبوا جذبئما جذبن
- 5- مثنى مذكر از احرس: احرسا احرسن احرسي
- 6- متكلم وحده از درس: درست درستت درسنا

التمرين الثامن: عيّن الكلمة المعربة.

- 1- يجذبَن تحصلَن تحوّل اشهد
- 2- هربت نقص نفعنا تقرب
- 3- هي أنت كما صحيفة
- 4- بريد أولئك تلك هذه
- 5- هل فستق أين متى
- 6- على جرح ثم من

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ؟

١- ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ الْمَائِدَةُ: ٩٧

٢- ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ الرَّحْمَنُ: ٦٠

٣- خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- أَدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

٥- جَمَالُ الْعِلْمِ كَشْرُهُ وَثَمَرَتُهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ ع

٦- اسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنْ بئرِ الْقَرْيَةِ.

٧- الْعَقْلُ السَّلِيمُ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ.

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

تَعَرَّفْ عَلَى مَنَاطِقِ الْجَدْبِ السِّيَاحِيِّ وَ الْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ فِي مَنَاطِقِكُمْ وَ اَكْتُبْ نَصًّا حَوْلَهَا،
مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمِ فَارِسِيٍّ - عَرَبِيٍّ.



الدَّرْسُ السَّابِعُ



هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

به كتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات خود را از دبیرتان بپرسید.

صِنَاعَةُ النَّفْطِ

كَيْفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفْطِ؟

يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ وَ هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا، لِأَنَّ الْحَفَرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصُّخُورِ.

فِي إِيرَانَ ثَرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ بِإِلْدُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ وَالْغَازِ وَ هِيَ تُصَدَّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ. عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الْأَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجُدِيَّةِ. يَحْفِرُ الْعُمَالُ بِنَرًّا وَ يَضَعُونَ أَنْبُوبًا فِيهَا. يَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ. يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِمَفَاتِيحِ.

نَقَلَ النَّفْطَ عَبْرَ الْأَنْبَابِ أَقْلُ خَطَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ نَقْلِهِ بِنَاقِلَاتِ النَّفْطِ؛ وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبَابِ عَبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَعْمَدُ آلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبَابُ سَالِمَةً.

لِإِيرَانَ تِجَارِبٌ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ وَ هِيَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّوَلِ الْمُصَدِّرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحَهَا فِي مَدَّ حُطُوطِ



الأنابيب و صيانتها من أماكن الإنتاج إلى أماكن الاستهلاك.

على امتداد الأنابيب توجد أعمده اتصالات كمحطات إنذار، و لوحات تحذيرية باللون الأصفر تُحذّر المواطنين من حفر الأرض لبناء عمارة أو للزراعة؛ و تجب على كل مواطن صيانتها هذه الأنابيب و الاتصال بالشركة عند مشاهدة الخطر. تحصل من النفط على مشتقات كثيرة كالبزين و الزيت و للنفط استعمال آخر في الصناعة، فيصنع منه المطاط و العطور و الأدوية و مبيدات الحشرات، و مواد التجميل و معجون

الأسنان و السماد الكيماوي و غيرها.

كيف ينقل النفط و إلى أين؟ ينقل النفط من الآبار أو الموانئ إلى المصافي عبر الأنابيب.

ثم تنقل التافلات مشتقات النفط من المصافي إلى محطات الوقود في البلاد.



به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

مُصَدَّرَةٌ : صادرکننده	تَجِبُ، يَجِبُ: واجب است، باید	آبار : چاه‌ها «مفرد: بئر»
مَطَّاطٌ : پلاستیک، کائوچو	تَحْذِيرِيَّةٌ : هشدارآمیز	اتِّصَالَاتٌ : مخابرات
مُنْحَرَرٌ : سرازیری	سَمَادٌ : کود	اسْتَعْمَرَ : خواستار آبادکردن شد
مَوَادُّ التَّجْمِيلِ : موادّ آرایشی	صَدَّرَ : صادر کرد	اسْتَغْرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا : وقتی
مَوَانِي : بندرها «مفرد: میناء»	صُخُورٌ : صخره‌ها	طولانی گرفت
نَاقِلَاتُ النَّفْطِ : نفتکش‌ها	صِيَانَةٌ : نگهداری، تعمیر	اسْتِهْلَاكٌ : مصرف
وَقُودٌ : سوخت (موادّ سوختی)	غاز : گاز	أَقْلُ خَطَرًا : کم‌خطرتر، کم‌خطرترین
يُفْتَحُ : باز می‌شود	مُبِيدَةُ الْحَشَرَاتِ : حشره‌کش	أَنْجَحَ : موفق‌تر، موفق‌ترین
يُغْلَقُ : بسته می‌شود	مَحْطَةٌ : ایستگاه	إنذار : هشدار
يُنْقَلُ : منتقل می‌شود	مَدُّ خُطُوطِ الْأَنْابِيْبِ : کشیدن	أَنْشَأَ : آفرید
	خطوط لوله	بُلْدَانٌ : کشورها «مفرد: بَلَدٌ»
	مَصَافِي : پالایشگاه‌ها «مفرد: مَصْفَى»	بِنَاءٌ : ساختن، ساختمان

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- لِبِلَادِنَا تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْابِيْبِ.
- ۲- يَسْتَفِيدُ الْإِنْسَانُ مِنَ النَّفْطِ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ.
- ۳- عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْابِيْبِ لَا تَوْجَدُ أَعْمِدَةُ الْكَهْرَبَاءِ.
- ۴- يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْبَيْرِ إِلَى مِينَاءِ التَّصْدِيرِ.
- ۵- نَقْلُ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْابِيْبِ أَكْثَرُ خَطَرًا.

اعلموا

أَفْعَلُ الْمَجْهُولِ

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل از فعل کمکی «شد» استفاده می‌شود؛ مثال:

زده شد / می‌زند: زده می‌شود / دید: دیده شد / می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.

در جمله «هاشم در را باز کرد.» می‌دانیم فاعل هاشم است؛

ولی در جمله «در باز شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

عَسَلَ: شُست ← عُسِلَ: شسته شد / خَلَقَ: آفرید ← خُلِقَ: آفریده شد

يَغْسِلُ: می‌شوید ← يُغْسَلُ: شسته می‌شود / يَخْلُقُ: می‌آفریند ← يُخْلَقُ: آفریده می‌شود

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

كَتَبَ: نوشت	كُتِبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يُكْتَبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضُرِبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يُضْرَبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عُرِفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرَفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: نازل کرد	أُنْزِلَ: نازل شد	يُنْزِلُ: نازل می‌کند	يُنْزَلُ: نازل می‌شود
اسْتَحْدَمَ: به کار گرفت	اسْتُحْدِمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَحْدِمُ: به کار می‌گیرد	يُسْتَحْدَمُ: به کار گرفته می‌شود

فرق فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا ببینید.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمِ الْآيَاتِ الشَّرِيفَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَ اذْكُرْ صِيغَتَهُ.

١- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ الأعراف: ٢٠٤

٢- ﴿وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئاً وَهُمْ يُخْلَقُونَ﴾ النحل: ٢٠

٣- ﴿فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئاً﴾ مريم: ٦٠

٤- ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ﴾ الغاشية: ١٧

٥- ﴿كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ﴾ البقرة: ١٨٣

٦- ﴿خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفاً﴾ النساء: ٢٨

بعد از فعل مجهول «نايب فاعل» می آید. نايب فاعل مانند فاعل مرفوع است؛ مثال:

﴿... سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾ الرخوف: ١٩

نايب فاعل و مرفوع

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيْمَاهُمْ﴾ الرحمن: ٥٥

نايب فاعل و مرفوع به واو

﴿يُصْنَعُ الْكُرْسِيُّ فِي الْمَصْنَعِ﴾

نايب فاعل و مرفوع

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمِ الْآيَاتِ الْكَرِيمَةَ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

١- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقَرَةُ: ١٨٥

٢- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ الْأَعْرَافُ: ٢٠٤

٣- ﴿وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ﴾ الْحَدِيدُ: ٥

٤- تُعْرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا.

٥- أَغْلَقَ السَّائِقُ بَابَ حَافِلَةِ الْمَدْرَسَةِ.

٦- طَبَخَتْ وَالِدَةُ سَعِيدٍ طَعَاماً لَذِيذاً.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمِ الْجُمَلَ ثُمَّ عَيِّنِ الْفَاعِلَ وَ نَائِبَ الْفَاعِلِ وَ اذْكُرْ إِعْرَابَهُمَا.

١- يُعْرِفُ الصَّدِيقُ عِنْدَ الْمَشَاكِلِ الْكَثِيرَةِ.

٢- وَجَدَ الْفَلَّاحُ أَعْشَاباً طَبِيئَةً عَلَى الْجَبَلِ.

٣- يُحْصَدُ الْقَمْحُ فِي فَصْلِ الصَّيْفِ غَالِباً.

٤- نَجَحَ الطُّلَّابُ فِي امْتِحَانِ الْكِيمِيَاءِ.

٥- رَسَمَ التَّلْمِيذُ صُورَةَ فَصْلِ الرَّبِيعِ.

٦- قَتَلَ الْأَعْدَاءُ فِي سَاحَةِ الْحَرْبِ.

انواع الفاعلِ وَ نَائِبِ الفاعِلِ

اسم ظاهر

ضمير بارز

ضمير مستتر

فاعل و نایب فاعل به سه صورت می آیند:

هرگاه بعد از فعل، فاعل یا نایب فاعل به صورت یک کلمه مستقل آمد، «اسم ظاهر» نامیده می شود؛ مثال:

﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾ الطَّلَاق: ١٠

﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقَرَة: ١٨٥

ضمیر بارز معادل شناسه در زبان فارسی است که به فعل های ماضی، مضارع، امر و نهی متصل می باشد؛ مثال:

﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ﴾ النَّصْر: ٢

﴿يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ﴾ التَّوْبَة: ١١١

ضمیر مستتر همان گونه که از نامش پیداست، پنهان است؛ وجود فاعل و نایب فاعل در این نوع نیاز نیست و بدون آنها معنای جمله واضح است؛ مثلاً در حدیث زیر:

الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ. قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

فاعل فعل «يَنْفَعُ» مستتر است و نیازی به ذکر آن در جمله نیست.

و در آیه ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أحياءٌ﴾ الْبَقَرَة: ١٥٤

نایب فاعل فعل مجهول «يُقْتَلُ» مستتر است و نیازی به آمدن آن در جمله نیست.

صيغه های مفرد مذکر مانند «دَهَبٌ، دَهَبَتْ» و «يَذَهَبُ، تَذَهَبُ» فاعل به هر دو صورت اسم ظاهر یا ضمیر مستتر می تواند بیاید؛ مثال:

نَجَحَ كَاطِـمٌ فِي الْمُسَابَقَةِ؛ إِنَّهُ أَخَذَ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً.

فعل

فاعل

فعل

(فاعل آن ضمیر مستتر است و به وجود آن نیازی نیست.)

(اسم ظاهر)

در فعل‌هایی مانند «اِذْهَبْ، تَذْهَبْ (صيغه مفرد مذکر مخاطب)، اَذْهَبْ و نَذْهَبْ نیازی به فاعل از نوع اسم ظاهر یا ضمیر بارز نیست؛ مثال:

اِذْهَبْ اِلَى صَفِّكَ. / اَذْهَبْ وَحَدَاكَ؟ / اَذْهَبْ مَعَ زُمَّلَائِي. / نَذْهَبْ بِسُرْعَةٍ.

ضمیر «أنتَ» در جمله‌ای مانند «اِذْهَبْ أَنْتَ اِلَى صَفِّكَ.» فاعل نیست و برای تأکید آمده است.

ضمایر فعل‌های جدول زیر سه گونه هستند: ضمایر **قرمز رنگ** ضمایر بارز نام دارند و ضمایر فعل‌های **سبز رنگ** همیشه مستترند و فعل‌های **طلایی رنگ** گاهی ضمیر مستتر دارند.

ماضی	مضارع	امر
ذَهَبْتُ	أَذْهَبُ	—
ذَهَبْتِ	تَذْهَبُ	اِذْهَبِي
ذَهَبْتِ	تَذْهَبِينَ	اِذْهَبِي
ذَهَبَ	يَذْهَبُ	—
ذَهَبْتُ	تَذْهَبُ	—
ذَهَبْنَا	نَذْهَبُ	—
ذَهَبْتُمْ	تَذْهَبُونَ	اِذْهَبُوا
ذَهَبْتُنَّ	تَذْهَبْنَ	اِذْهَبْنَ
ذَهَبْتُمَا	تَذْهَبَانِ	اِذْهَبَا
ذَهَبُوا	يَذْهَبُونَ	—
ذَهَبْنَ	يَذْهَبْنَ	—
ذَهَبَا	يَذْهَبَانِ	—
ذَهَبْتَا	تَذْهَبَانِ	—

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمِ الْجَمَلَ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْفَاعِلِ وَ نَائِبَ الْفَاعِلِ.

۱- تَعَوَّضَ قَلْبُهُ فَيْتَامِينَ سِي بِنْتَاوُلٍ عَصِيرِ اللَّيْمُونِ.

۲- شَعَرَ بِالتَّعَبِ عِنْدَ النَّظَرِ إِلَى النُّورِ الْأَحْمَرِ.

۳- الصَّدِيقُ الْحَقِيقِيُّ يُعْرِفُ عِنْدَ الصَّعَابِ.

۴- رَأَيْتُ الطَّيَّارَ وَاقِفًا جَنْبَ الطَّائِرَةِ.

۵- شَرِبْنَا حَلِيبًا طازِجًا فِي الْقَرْيَةِ.

۶- الْأَطْفَالُ لَا يُتْرَكُونَ وَحْدَهُمْ.

فُنُ التَّرْجَمَةِ

در کتاب پایه نهم با ترجمه ترکیب‌های مانند «فَرِيقُنَا الْفَائِزُ» و «مَرْزَعَتُنَا الْكَبِيرَةُ» آشنا شدید.

شَجَعْنَا **فَرِيقَنَا الْفَائِزَ** أَمْسِ: دیروز **تیم برنده مان** را تشویق کردیم.

مضاف و مضاف‌الیه

صفتِ فَرِيق

أَشْتَغَلُ فِي **مَرْزَعَتِنَا الْكَبِيرَةِ** كُلِّ يَوْمٍ: هر روز در **کشزار بزرگمان** کار می‌کنم.

مضاف و مضاف‌الیه

صفتِ مزرعة

اکنون با ترکیب‌های مانند «فَرِيقُ الْمَدْرَسَةِ الْفَائِزُ: تیم برنده مدرسه»

و «مَرْزَعَةُ جَارِنَا الْكَبِيرَةُ: مزرعه بزرگ همسایه‌مان» آشنا شوید.

فَرِيْقُ الْمَدْرَسَةِ الْفَائِزُ: تیم برندهٔ مدرسه
مضاف مضاف‌الیه صفت

مَزْرَعَةُ الْجَارِ الْكَبِيرَةِ: کشتزارِ بزرگِ همسایه
مضاف مضاف‌الیه صفت

حَقِيبَةُ سَعِيدٍ الْجَمِيلَةِ: کیفِ زیبای سعید
مضاف مضاف‌الیه صفت

فَرِيْقُ الْمَدْرَسَةِ، فَائِزُ: تیمِ مدرسه، برنده است.
مبتدا مضاف‌الیه خبر

مَزْرَعَةُ الْجَارِ، كَبِيرَةُ: کشتزارِ همسایه، بزرگ است.
مبتدا مضاف‌الیه خبر

حَقِيبَةُ سَعِيدٍ، جَمِيلَةُ: کیفِ سعید، زیباست.
مبتدا مضاف‌الیه خبر

فرق نوشته‌های بالا را بیابید و توضیح دهید.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَوْصُوفَ وَ الصِّفَةَ وَ الْمُضَافَ وَ الْمُضَافَ إِلَيْهِ.

۱- ﴿وَ مَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ﴾ الْآصَافَات: ۳۹-۴۱

۲- ﴿فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ﴾ الْوَاقِعَةُ: ۹

۳- ﴿إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلِصِينَ﴾ يُونُسُ: ۲۴

۴- السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

۵- سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَ بِحَمْدِهِ.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ
رَجَاءُ؛ أَعْطِنِي مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	ما هو رَقْمُ عُرْفَتِكَ؟
مِثْنَانٍ وَ عِشْرُونَ.	تَفَضَّلْ.
عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.	أَعْتَدِرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتَكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.
لا بَأْسَ، يَا حَبِيبِي. مَا هِيَ سَاعَةُ دَوَامِكَ؟	مِنَ السَّادِسَةِ صَبَاحًا إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهْرِ؛ ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.
مَتَى مَوَاعِدُ الْفُطُورِ وَ الْغَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟	الْفُطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا؛ الْغَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرَّبْعِ؛ الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى التَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعًا.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْفُطُورِ؟	شَايٌ وَ حُبْزٌ وَ جَبْنَةٌ وَ زَبْدَةٌ وَ حَلِيبٌ وَ مَرَبَّى الْمِشْمِشِ.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْغَدَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ دَجَاجٍ.
وَ مَا هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟	رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ بَادِنِجَانٍ.
أَشْكُرُكَ.	لا شُكْرَ عَلَى الْوَأَجِبِ.



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان پرسید.

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- مَكَانٌ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ تُشَاهِدُ السُّفُنَ إِلَى جَنْبِهَا.
- ٢- حُفْرَةٌ يُسْتَخْرَجُ الْمَاءُ أَوْ النَّفْطُ مِنْهَا.
- ٣- مَادَّةٌ كَالْبَنْزِينِ وَ النَّفْطِ وَ الْغَازِ.
- ٤- الْأَسْتِعْمَالُ وَ الْإِسْتِفَادَةُ.
- ٥- الْحِفَاظُ عَلَى الْأَشْيَاءِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: تَرَجِّمِ هَذِهِ الْأَفْعَالَ.

تَنْصُرُونَ	تُنْصَرُونَ	فَتَحَ	فُنِحَ
يُشَاهِدُونَ	يُشَاهِدُونَ	يُخْرِجُ	يُخْرِجُ
يُصَدِّرُ	يُصَدِّرُ	اِسْتَحْدَمَ	اِسْتَحْدَمَ

التَّمْرينُ الثَّالِثُ: ضَعْ فِي الْفُرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «ثَلَاثُ كَلِمَاتٍ زَائِدَةٌ»

- ١- وَقَفَّتِ الْحَافِلَةُ فِي حَتَّى يَذْهَبَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى دَوَارِ الْمِيَاهِ. اِسْتِهْلَاكِ / سَمَادٍ / سَائِلٍ / تَنْقُلُ / تَسْتَعْرِقُ / سُفُنُ / الْمَحَطَّةِ
- ٢- كَمَ سَاعَةً السَّفْرَةُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ؟
- ٣- السِّيَّارَةُ أَحْشَابًا مِنَ الْغَابَةِ إِلَى مَصْنَعِ الْوَرَقِ.
- ٤- صُنِعَ جِهَازٌ لِتَقْلِيلِ الْكَهْرَبَاءِ فِي الْحَاسِبِ.
- ٥- النَّفْطُ أَسْوَدَ تُصْنَعُ أَشْيَاءٌ كَثِيرَةٌ مِنْهُ.

الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ هَذِهِ الْأَفْعَالَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ، ثُمَّ تَرْجِمُهَا.

سَوْفَ يَسْتَعْرِقُ / أَخْرَجَ / لَا يَحْصُلُونَ / عَوَّضَ / تُحَوِّلِينَ / لَا تُغْلِقُ / مَا لَبِثْنَا / لَا نَتَخَرَّجُ
 كَانَا يُنْقَلَانِ / حَرَكُ / سَيُعَلِّقُ / لَا تَتَعَجَّبُوا / صَيَّرْتَ / مَا لَعِقَ / يَتَّصَدَّمُ / كَانَتَا تُصَدِّقَانِ

.....	عربي	ماضي
.....	ترجمه فارسي	
.....	عربي	ماضي منفي
.....	ترجمه فارسي	
.....	عربي	معادل ماضي استمراري
.....	ترجمه فارسي	
.....	عربي	مضارع
.....	ترجمه فارسي	
.....	عربي	مضارع منفي
.....	ترجمه فارسي	
.....	عربي	امر
.....	ترجمه فارسي	
.....	عربي	نهي
.....	ترجمه فارسي	
.....	عربي	مستقبل
.....	ترجمه فارسي	

التَّمرِينُ الخَامِسُ: صَعِّ فِي الْفِرَاعِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

- ١- اللَّوْحَاتُ التَّحْذِيرِيَّةُ الْمَوَاطِنَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ. يُحَدَّرُ تُحَدَّرُ
- ٢- صَدِيقِي صَوْرَةَ خَلَابَةٍ عَلَى جِدَارِ الْمَدْرَسَةِ. يَرَسُمُ يُرَسِّمُ
- ٣- صَوْتُ قَوِيٍّ مِنْ بَعِيدٍ، فَخَافَ الْجَمِيعُ. سَمِعَ سَمِعَ
- ٤- النَّفْطُ عَبْرَ النَّاقِلَاتِ إِلَى الْمَصَافِي. يَنْقُلُ يُنْقَلُ
- ٥- الطَّبَّاحُ طَعَاماً طَيِّباً فِي الْمَطْعَمِ. يَطْبُخُ يُطْبَخُ
- ٦- حَلَوِيَّاتٌ لَذِيذَةٌ فِي مَدِينَةِ يَزْدِ. تُصْنَعُ يَصْنَعُ

التَّمرِينُ السَّادِسُ: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ، مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمِ الدَّرْسِ.

- آبار: مَوَانِي: أَدْوِيَّة: دَوْل:
- صُخُور: سَفُن: خُطُوط: أَنْابِب:
- مَاصِي: مَوَادِّ: مَوَاعِد: بُلْدَان:

التَّمرِينُ السَّابِعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ؟

- ١- وَقُود غَاز نَفْط حَرْب
- ٢- نَاقِلَةٌ ثَامِنَةٌ طَائِرَةٌ حَافِلَةٌ
- ٣- سَمَاد مَحْطَّةٌ سَاحَةٌ مَطَار
- ٤- رُبْدَةٌ جُبْنَةٌ تَقَاعُد حَلِيب
- ٥- دَجَاجَةٌ حَمَامَةٌ بَوْمَةٌ نَفَقَةٌ
- ٦- أَحْمَر أَحْسَن أَرْزَق أَصْفَر

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: عَيِّنِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- | | | | |
|--|--|--|--|
| <input type="checkbox"/> أَعْرَقَ | <input type="checkbox"/> عَرِقَ | <input type="checkbox"/> اسْتَغْرَقَ | ١- الْمَاضِي مِنْ «يَسْتَغْرِقُ»: اسْتَغْرَقَ |
| <input type="checkbox"/> يُصَدِّرُ | <input type="checkbox"/> يُصَادِرُ | <input type="checkbox"/> يُصِدِّرُ | ٢- الْمَضَارِعُ مِنْ «صَدَرَ»: يُصَدِّرُ |
| <input type="checkbox"/> انْغِلَاقٌ | <input type="checkbox"/> إِغْلَاقٌ | <input type="checkbox"/> تَغْلِيْقٌ | ٣- الْمَصْدَرُ مِنْ «أَغْلَقَ»: تَغْلِيْقٌ |
| <input type="checkbox"/> اِعْلَمُوا | <input type="checkbox"/> اَعْلَمُوا | <input type="checkbox"/> عَلَّمُوا | ٤- الْأَمْرُ مِنْ «تَعَلَّمُونَ»: عَلَّمُوا |
| <input type="checkbox"/> لَا تَنْزِلِي | <input type="checkbox"/> لَا تُنْزِلِينَ | <input type="checkbox"/> لَا تُنْزِلِي | ٥- النَّهْيُ مِنْ «نُنْزِلِينَ»: لَا تُنْزِلِينَ |
| <input type="checkbox"/> يُلَاحِظُ | <input type="checkbox"/> يُضْرَبُ | <input type="checkbox"/> يُشْرَفُ | ٦- الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ: يُضْرَبُ |

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: اُكْتُبِ مَعْنَى الْأَفْعَالِ التَّالِيَةِ.

- | | | |
|--------------------|--------------------|----------------------------|
|: يُبْعَثُونَ |: أُبْعِثُ | ١- يَبْعَثُ: مِي فَرَسْتَد |
|: يُقَطِّعُ |: قُطِّعَ | ٢- يَقَطِّعُ: مِي بُرْد |
|: يُجَلِّسُ |: أُجَلِّسُ | ٣- أَجَلِّسُ: نَشَانْد |
|: يُقْتَلُ |: قُتِلَتْ | ٤- قَتَلَ: كُشْت |
|: يَعْلَمُ |: عَلَّمُوا | ٥- عَلَّمَ: يَاد دَاد |
|: أَنْقِذُوا |: يُنْقِذُونَ | ٦- أَنْقَذَ: نَجَات دَاد |



الْتَمْرِينُ الْعَاشِرُ: اِنْتِخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ.

- | | | | |
|---------------------------------------|--|--------------------------------------|---------------------|
| <input type="checkbox"/> حَرَّكْتُمَا | <input type="checkbox"/> حَرَّكْتُنَّ | <input type="checkbox"/> حَرَّكْتُمْ | ١- جمع مؤنث مخاطب: |
| <input type="checkbox"/> أَحْصَلَا | <input type="checkbox"/> أَحْصَلْنَ | <input type="checkbox"/> أَحْصَلُوا | ٢- جمع مذکر مخاطب: |
| <input type="checkbox"/> يَحْتَرِمُ | <input type="checkbox"/> تَحْتَرِمِينَ | <input type="checkbox"/> تَحْتَرِمُ | ٣- مفرد مذکر مخاطب: |
| <input type="checkbox"/> يَنْفُلَانِ | <input type="checkbox"/> يَنْفُلُونَ | <input type="checkbox"/> تَنْفُلَانِ | ٤- مثنى مؤنث غائب: |
| <input type="checkbox"/> تَحَرَّكْتَ | <input type="checkbox"/> تَحَرَّكَ | <input type="checkbox"/> تَحَرَّكْتَ | ٥- مفرد مؤنث غائب: |
| <input type="checkbox"/> اِبْتَعَدَ | <input type="checkbox"/> اَمْلِكُ | <input type="checkbox"/> اَخْرَجَ | ٦- متکلم وحده: |



﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

إِبْحَثْ عَن آيَةٍ أَوْ حَدِيثٍ أَوْ شِعْرٍ أَوْ كَلَامٍ جَمِيلٍ مُرْتَبِطٍ بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ.
(الْإِشَارَةُ إِلَى النِّعَمِ الْإِلَهِيَّةِ)



﴿ وَمَنْ شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ﴾ اَلنَّمْلُ: ٤٠

الدَّرْسُ الثَّامِنُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ ،
وَفِي الْأَرْضِ قُدْرَتُكَ ،
وَفِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ .
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

به کتاب گویا گوش کنید؛ سپس در یک کار گروهی متن زیر را ترجمه کنید. در پایان اشکالات ترجمه را از دبیرتان بپرسید. می‌توانید یک گروه تشکیل دهید و متن را به صورت نمایشی اجرا کنید.

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَائِعًا عَنِ الدُّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَانًا مِنَ الْعَرَقِ، وَ أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

حامد: لا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِدًّا.

الأب: يا وُلْدِي، لَيْسَ عَجِيبًا، لِأَنَّ الدُّلْفِينَ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.

صادق: تصدِّقْهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

الأب: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ يَبْلُغُ

ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيبًا، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْنَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

الأب: نَعَمْ؛ بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدُّلْفِينُ أَنْ تُرَشِّدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ أَوْ

مَكَانِ عَرَقِ سَفِينَةٍ.

الأُمُّ: تُؤَدِّي الدُّلْفِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ الْمَاءِ

مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجَمُّعِ

الْأَسْمَاكِ.



صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعَا؟
الْأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّهَا تَسْتَطِيعُ
أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ أَنَّهَا تُعْنِي كَالطَّيُورِ، وَ تَبْكِي
كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفُرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟

الْأَبُّ: بِالتَّأَكِيدِ، تَحَسَّبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْفَرَشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا عَلَى
سَمَكَةِ الْفَرَشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنُوفِهَا الْحَادَّةِ وَ
تَقْتُلُهَا.

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدَّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟

الْأَبُّ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرِنْتِ: ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا إِلَى
الْأَعْمَاقِ بِسِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى
بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ
أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.
الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحَرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٌ:
النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ،
وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،
وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ.

به کتاب گویا گوش کنید و کلمات جدید متن را در کلاس با هم تکرار کنید.

عَزَمَ : تصمیم گرفت	جَمَاعِيّ : گروهی	أَدَى : ایفا کرد، منجر شد
عَنَى : آواز خواند	حَادّ : تیز	أَرشَدَ : راهنمایی کرد
قَفَزَ : پرید، جهش کرد	دَوْر : نقش	أَرْضَعَ : شیر داد
لَبَوْنَةَ : پستاندار	ذَاكِرَةٌ : حافظه	أَعْلَى : بالا، بالاتر
كَذَلِكَ : همین طور	سَمَكُ الْقِرْشِ : کوسه ماهی	أُنُوفَ : بینی‌ها «مفرد: أَنْف»
مُنْقَذَ : نجات‌دهنده	صَفَرٌ : سوت زد	أَوْصَلَ : رسانید
مَوْسُوعَةَ : دانشنامه	ضِعْفٌ : برابر در مقدار «ضِعْفَيْنِ: دو برابر»	بِحَارٍ : دریاها
	طَيُورٌ : پرندگان «مفرد: طَيْرٌ»	بَكَى : گریه کرد
	عَرَفَ : معرفی کرد	بَلَغَ : رسید
		تَجَمَّعَ : جمع شد

x ✓

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- أَلدَّلَفِينُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضَعُ صِغَارَهَا.
- ۲- يُؤَدِّي سَمَكُ الْقِرْشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.
- ۳- سَمِعُ الْإِنْسَانِ يَفُوقُ سَمْعَ الدَّلَفِينِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.
- ۴- سَمَكُ الْقِرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.
- ۵- سَمَكُ الْقِرْشِ عَدُوُّ الدَّلَفِينِ.
- ۶- لِلدَّلَفِينِ أَنْوُفٌ حَادَّةٌ.

اعلموا

الْجَارُ وَ الْمَجْرُورُ

در فارسی به حروفی مانند «به ، برای ، بر ، در ، از...» حروف اضافه و در عربی به آنها حروف جر می‌گویند.

در جمله «مسافران به هتل رفتند»، «به» حرف اضافه و «هتل» متمم و «به هتل» گروه متممی نامیده می‌شود. گروه متممی را در عربی «جار و مجرور» می‌نامند.

به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ ...» در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند.

مثال: مِنْ قَرْيَةٍ، فِي الْغَابَةِ، إِلَى الْمُسْلِمِينَ، عَلَى الْوَالِدَيْنِ، بِالْحَافِلَةِ، لِلَّهِ، عَنْ نَفْسِهِ، كَجَبَلٍ
به حرف جر، جار و به اسم بعد از آن مجرور و به این دو «جار و مجرور» می‌گویند.

سَلَامَةٌ الْعَيْشِ، فِي الْمُدَارَةِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

گاهی جار و مجرور، خبر واقع می‌شود؛ مثل: «مِنَ الشَّيْطَانِ» در جمله زیر:

«الْعَجَلَةُ، مِنَ الشَّيْطَانِ». أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

و این نوع خبر گاهی مقدم می‌شود؛ مانند: فِي التَّأخِيرِ آفَاتٌ.

خبر مقدم مبتدای مؤخر

يَكْتُبُ	التَّجَارُ	يَصْنَعُ	الْكَرَاسِيُّ	فِي الْمَدْرَسَةِ
فعل	مبتدا	خبر	مفعول	جار و مجرور
يَكْتُبُ	الْجَارُ	يَصْنَعُ	الْكَرَاسِيُّ	فِي الْمَدْرَسَةِ
فعل	مبتدا	خبر	مفعول	جار و مجرور
يَكْتُبُ	الْجَارُ	يَصْنَعُ	الْكَرَاسِيُّ	فِي الْمَدْرَسَةِ
فعل	مبتدا	خبر	مفعول	جار و مجرور

أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ:

مِنْ مِنْ

﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آلِ عِمْرَانَ: ٩٢

تا انفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + مَا)

﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الْإِنْسَانِ: ٢١

دستبندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا

فِي فِي

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾ الْبَقَرَةِ: ٢٩

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

النَّجَاةُ فِي الصِّدْقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رهایی در راستگویی است.

إِلَى به ، به سوی ، تا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ الْإِسْرَاءِ: ١

پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.

﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُمْ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظِرْ إِلَى طَعَامِكَ﴾

وَشَرَابِكَ﴾ الْبَقَرَةِ: ٢٥٩

گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «بلکه صد

سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی‌ات بنگر.»

كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ.

کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می‌کرد.

عَلَى | بر ، روی ، ضدّ (زیان)

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.

الْحَقِيبَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. کیف روی میز است.

عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، (بر شماست پایبندی به صفات برتر اخلاقی) زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است.

الْدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.

بِ | به وسیله (با) ، در

﴿إِفْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ العَلَقُ : ۳ و ۴

بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم آموخت.

﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ آل عمران : ۱۲۳ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

لِ | برای ، از آن (مال) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ النِّسَاءُ : ۱۷۱

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست.

لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

برای هر گناهی به جز بداخلاقی توبه هست.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ الكافرون : ۶

دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.

۱- «عَلَيْكُمْ» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است.

۲- دین: دینی (دین من)

عَنْ ، از ، درباره

﴿ وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴾ الشُّورَى : ٢٥
 او کسی است که توبه را از بندگان می‌پذیرد، و از بدی‌ها در می‌گذرد و آنچه را انجام می‌دهید می‌داند.

﴿ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ... ﴾ البقرة: ١٨٦

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من به آنان نزدیکم.

گ مانند

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
 برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امتش است.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

١- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

٢- شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ. أمير المؤمنين علي عليه السلام

اسم بعد از حروف جرّ، مجرور است. علامت جر (ـِ، ـَ، ـِ) در مفرد، بین در جمع مذکر و بین در مثنی) است؛ مانند: الْكَاتِبِ، كَاتِبٍ، الْكَاتِبِينَ، الْكَاتِبِينَ

صَعُ فِي الْفُرَاقِ كَلِمَةٌ مُنَاسِبَةٌ.

١- الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي الْأُمَّةِ الْمُتَّحِدَةِ. مُنَظَّمَةٌ مُنَظَّمَةٌ

٢- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ. اللَّهُ اللَّهُ

٣- إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ كِ الْقِيَامَةِ. هَجْرٌ هَجْرٌ

٤- الْعَالَمُ بِلا عَمَلٍ كَ بِلا ثَمَرٍ. الشَّجَرُ الشَّجَرُ

٥- سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ نِصْفَانِ

٦- رُبُعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنْ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْلِمُونَ

نونُ الوِقايةِ

وقتي ضمير متكلم وحده «ي» به فعل وصل شود، نون وقايه ميانشان می آید؛ مثال:
يَعْرِفُنِي: مرا می شناسد. اِرْفَعُنِي: مرا بالا ببر. اَحْدَنْي: مرا بُرد.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجَمَلَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم : ٤٠

۲- اَللّٰهُمَّ اِنْعَمْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي وَ عَلَّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۳- اِنَّ اللّٰهَ اَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا اَمَرَنِي بِاِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۴- اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُوْرًا وَّاجْعَلْنِي صَبُوْرًا وَّاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيْرًا وَّ فِي اَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيْرًا. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

انصَحوني: هُم يَحْتَرِمُوْنِي:

هي حَذَّرْتَنِي: هُنَّ اَنْقَذُوْنِي:

اَنْتَ تَحْفَظْنِي: اَعْطَانِي حُبْرًا:



در گروه‌های چهار نفره شبیه گفت و گوی زیر را در کلاس اجرا کنید.

حوارات (مَعَ مُشْرِفِ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

السَّائِحُ	مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ
عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ الْعُرْفِ وَ الْجِفاظِ عَلَيْهَا؟	السَّيِّدُ دِمَشْقِي مُشْرِفُ خَدَمَاتِ عُرْفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمُسْكِلةُ؟
لَيْسَتْ الْعُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.	أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً؛ اسْتَرَحْ؛ سَأَنْصِلُ بِالْمُشْرِفِ.
مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مَهْنَدِسِ الصِّيَانَةِ.	
مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ	السَّائِحُ
ما هِيَ الْمُسْكِلةُ، يا حَبِيبِي؟!	لَيْسَتْ عُرْفَتِي وَ عُرْفُ زَمَلائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.
سَيَّاتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمُسْكِلاتُ الْأُخْرَى؟	فِي الْعُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ، وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ نَاقِصٌ، وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيَّفُ لَا يَعْمَلُ.
نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَيَّ عَيْنِي.	تَسَلَّمَ عَيْنُكَ!



تمرینات درس را به صورت گروهی در کلاس حل کنید و اشکالات خود را در پایان از دبیرتان بپرسید.

التَّمارين

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ. ✓ ✕

- ١- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرَقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.
- ٢- الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ تَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ.
- ٣- الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جَدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ.
- ٤- الْأَنْفُ غُضُو التَّنْفُسِ وَالشَّمِّ.
- ٥- الْخُفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

أُنُوفٍ / دَوْرٍ / فَفَزَ / بَلَّغْنَا / أَسْرَى / أَسَاوِرَ / الذَّاكِرَةَ / تَيَّارٌ

- ١- اِشْتَرَى أَبِي لِأُخْتِي الصَّغِيرَةِ مِنْ ذَهَبٍ.
- ٢- قَالَ التَّلَامِيذُ: السَّنَةَ السَّابِعَةَ مِنَ الْعُمْرِ.
- ٣- كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ هُ بِمَهَارَةٍ بِالْغَةِ.
- ٤- عَصَفَتْ رِيحٌ شَدِيدَةٌ وَ حَدَثَ فِي مَاءِ الْمُحِيطِ.
- ٥- أَنْصَحَكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابٍ حَوْلَ طُرُقِ تَقْوِيَةٍ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النِّسْيَانِ.
- ٦- لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جَدًّا مِنَ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّلَاثِ.

التَّمْرينُ الثَّلَاثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ.

بَعَثَ	صِغَارٌ	شَاطِئٌ	أَرْسَلَ	بَكَى	كِبَارٌ	أَقَلُّ	ضَوْءٌ	بَعُدَ	سَاحِلٌ
صَحِكَ	ظَلَامٌ	أَكْثَرُ	بَغْتَةٌ	قَرُبٌ	دَفَعٌ	فَجَاءَةٌ	كُنْتُمْ	اسْتَلَمَ	سَتَرَ

..... = = = =

..... = = = =

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمْ أَفْعَالَ الْجَدْوَلِ التَّالِي.

كانوا يُجَهِّزُونَ	تُرْضِعِينَ	يُرْشِدُونَ	ما تَعَرَّفْتُ
.....
إِعْتَصَمُوا	لا تَعَزِمُونَ	سَيِّلُغَانِ	قاتلوا
.....
لا تُفَرِّقُ	ما قَفَرْتُ	لا يُطْبَحُ	سَوْفَ نَحْتَفِلُ
.....

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ صَعْ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ، وَادْكُرْ عَلَامَةَ الْجَرِّ.

١- ﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ الأَنْبِيَاءُ : ٨٦

.....

٢- ﴿وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ النَّمْلُ : ١٩

.....

٣- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آلِ عِمْرَانَ : ١٤٧

.....

٤- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

.....

٥- عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ

.....

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ.

إِسْأَلُونِي: يَعْرِفُونَنِي: أَعْطَانِي: يَنْصُرْنِي:

إِرْحَمُونِي: لَا تُحَيِّرْنِي: عَرَّفَنِي: أَنْزَلْنِي:

الْتَّمْرِينُ السَّابِعُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغَنَّ / صِغَارٍ / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقِذٌ / مَرَقٌ / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طُيُورٌ / حَادَّةٌ / دَوْرٌ /
لَبَوْنَةٌ / كَذَلِكُ / جَمَارِكُ / زُبُوتٌ / سَمِينَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرَ / حَمِيمٌ / ثُلُوجٌ / سَوَارٌ / رَائِحٌ

رمز ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	كوجکها	(١)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	این طور	(٢)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تیز	(٣)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پدیده	(٤)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سوت زدند	(٥)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	روغن ها	(٦)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نقش	(٧)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	شنوایی	(٨)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جالب	(٩)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نجات دهنده	(١٠)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نامیدیم	(١١)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دستبند	(١٢)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرم و صمیمی	(١٣)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	برفها	(١٤)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	حافظه	(١٥)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پستاندار	(١٦)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پرندگان	(١٧)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رسانید	(١٨)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	باران بارید	(١٩)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بخشید	(٢٠)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	می رسند	(٢١)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	آواز خواندید	(٢٢)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گریه کرد	(٢٣)

قال أمير المؤمنين عليؑ:

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

- ١- ذِكْرُ اللَّهِ شِفَاءُ الْقُلُوبِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٢- آفَةُ الْعِلْمِ التَّسْيَانُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٣- لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَاطِعٌ رَجِمَ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٤- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٥- الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٦- لِسَانُ الْمُقَصِّرِ قَصِيرٌ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي تَالِبٍ

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِينَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمُبْتَدَأَ وَ الْخَبَرَ وَ الْفَاعِلَ وَ الْمَفْعُولَ وَ اذْكُرْ إِعْرَابَهَا.

١- ﴿جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ﴾ الْمَائِدَةُ : ٩٧

٢- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النَّبَأُ : ٤٠

٣- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِبْحَثْ عَنْ قِصَّةِ حَقِيقَةِ قَصِيْرَةِ حَوْلِ حَيَّوَانٍ،
وَ اَكْتُبْهَا فِي صَحِيفَةِ جِدَارِيَّةٍ،
ثُمَّ تَرْجِمْهَا اِلَى الْفَارِسِيَّةِ، مُسْتَعِيْنًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ-فَارِسِيٍّ.





الْمُعْجَمُ

كَلِمَاتُ الصَّفِّ السَّابِعِ وَ الثَّامِنِ وَ التَّاسِعِ وَ العَاشِرِ

توجه: کلمات بی‌شماره مربوط به کتاب‌های عربی

پایه‌های هفتم، هشتم و نهم و کلمات قرمز فعل هستند.

مضارع: يَحْتَفِلُ / مصدر: اِحْتِفَال) ۳

اِحْتَوَى: در بر داشت

مضارع: يَحْتَوِي / مصدر: اِحْتِوَاء) ۵

أَحَد: یکی از، کسی، یکتا، تنها

أَحَد، يَوْمُ الْأَحَدِ: یکشنبه

أَحَدَ عَشَرَ: یازده

إِحْدَى: یکی از

أَحْسَن: بهتر، بهترین

أَحْسَنَ: خوبی کرد

مضارع: يُحْسِنُ / مصدر: اِحْسَان) ۲

أَحْسَنْتَ: آفرین بر تو ۲

أَحْصَى: شمرد

مضارع: يُحْصِي / مصدر: اِحْصَاء) ۶

أَحْمَر: سرخ

أَخ (أَخُو، أَخَا، أَخِي): برادر، دوست

«جمع: إِخْوَةٌ و إِخْوَان»

أَخْبَرَ: خبر داد

مضارع: يُخْبِرُ / مصدر: اِخْبَار) ۲

أَخْت: خواهر «جمع: أَخَوَات»

اِخْتَبَرَ: آزمایش کرد

مضارع: يَخْتَبِرُ / مصدر: اِخْتِيار) ۱

اِخْتَرَعَ: اختراع کرد

مضارع: يَخْتَرِعُ / مصدر: اِخْتِرَاع) ۳

اِتِّجَاه: جهت ۵

اِتَّخَذَ: گرفت

مضارع: يَتَّخِذُ / مصدر: اِتِّخَاذ) ۲

اِتِّصَالَات: مخابرات ۷

اِتَّصَلَ بِ: با... تماس گرفت

مضارع: يَتَّصِلُ / مصدر: اِتِّصَال) ۸

أَتَى: آمد (مضارع: يَأْتِي)

أَتَارَ: برانگیخت

مضارع: يُتِيرُ / مصدر: اِثَارَةٌ) ۲

أَثَرِيّ: تاریخی ۶

إِثْنَا عَشَرَ: دوازده

إِثْنَان، اِثْنَيْنِ: دو

إِثْنَيْنِ، يَوْمُ الْاِثْنَيْنِ: دوشنبه

أَجَابَ عَنْ: پاسخ داد به

مضارع: يُجِيبُ / مصدر: اِجَابَةٌ) ۱

أَحَبَّ: دوست داشت (مضارع: يُحِبُّ)

أَحَبُّ إِلَيَّ: محبوب‌ترین نزد

اِحْتَرَقَ: آتش گرفت

مضارع: يَحْتَرِقُ / مصدر: اِحْتِرَاق) ۱

اِحْتَرَمَ: احترام گذاشت

مضارع: يَحْتَرِمُ / مصدر: اِحْتِرَام) ۴

اِحْتِفَاط: نگاه داشتن ۴

اِحْتَفَلَ: جشن گرفت

ا

آخِر: دیگر

آخِر: پایان

آلَة: دستگاه «جمع: آلات»

آلَة الطَّبَاة: دستگاه چاپ

آمَنَ: ایمان آورد

مضارع: يُؤْمِنُ / مصدر: اِيْمَان) ۱

أ: آيا

أَب (أَبُو، أَبَا، أَبِي): پدر «جمع: آبَاء»

اِبْتَدَأَ: شروع شد

مضارع: يَبْتَدِئُ / مصدر: اِبْتِدَاء) ۱

اِبْتِسَام: لبخند

اِبْتَعَدَ: دور شد

مضارع: يَبْتَعِدُ / مصدر: اِبْتِعَاد) ۵

إِبِل: شتران ۷

إِبْن: پسر، فرزند «جمع: أَبْنَاء، بَنُونَ»

إِبْنُ آدَمَ: آدمیزاد

أَبْيَض: سفید

أَحَدَ: گرفت، برداشت، بُرد

(مضارع: يَأْخُذُ)

أُخْرَجَ: درآورد

(مضارع: يُخْرِجُ / مصدر: إِخْرَاج) ١

أُخْرَى: دیگر ١

أَخْضَرَ: سبز

أَدَاء: به جا آوردن

أَدَاة: ابزار «جمع: أَدَوَات»

أَدَارَ: چرخاند، اداره کرد

(مضارع: يُدِيرُ / مصدر: إِدَارَةٌ) ٥

إِدَارَةُ الْمُرُورِ: ادارهٔ راهنمایی و

رانندگی

إِدْخَال: داخل کردن

أَدَّى: ایفا کرد، منجر شد

(مضارع: يُؤَدِّي) ٨

إِدْخَان: نگاه

إِذَا: هرگاه، اگر

أَرَادِل: فرومایگان

أَرْبَعَاءُ: يَوْمُ الْأَرْبَعَاءُ: چهارشنبه

أَرْبَعَةٌ: أربع، چهار

أَرْبَعُونَ: أربعين، چهل

أَرْسَلَ: فرستاد

(مضارع: يُرْسِلُ / مصدر: إِرسَال) ٣

أَرشَدَ: راهنمایی کرد

(مضارع: يُرشدُ / مصدر: إِرشَاد) ٨

أَرْض: زمین «جمع: أَرْضِي»

أَرْضَعَ: شیر داد

(مضارع: يُرْضِعُ / مصدر: إِرضَاع) ٨

أَرْزَقَ: آبی

إِسَاءَةٌ: بدی کردن ٤

أُسْبُوعٌ: هفته

«جمع: أُسَابِيع»

إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت

(مضارع: يَسْتَرْجِعُ / مصدر: إِسْتِرْجَاع)

إِسْتِطَاعَ: توانست (مضارع: يَسْتِطِيعُ /

مصدر: إِسْتِطَاعَةٌ) ٥

إِسْتَعَانَ: یاری جُست

(مضارع: يَسْتَعِينُ / مصدر: إِسْتِعَانَةٌ) ٥

إِسْتَعْمَرَ: خواستار آباد کردن شد

(مضارع: يَسْتَعْمِرُ / مصدر: إِسْتِعْمَار) ٧

إِسْتَغْرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا: وقتی طولانی گرفت

(مضارع: يَسْتَغْرِقُ / مصدر: إِسْتِغْرَاق) ٧

إِسْتَفَادَ: استفاده کرد

(مضارع: يَسْتَفِيدُ / مصدر: إِسْتِفَادَةٌ) ٥

إِسْتَلَمَ: دریافت کرد

(مضارع: يَسْتَلِمُ / مصدر: إِسْتِلَام)

إِسْتَوَى: برابر است

(مضارع: يَسْتَوِي / مصدر: إِسْتِوَاء) ٤

إِسْتِهْلَاكٌ: مصرف ٧

أَسَدٌ: شیر

أُسْرَةٌ: خانواده

أُسْرَى: شبانه حرکت داد

(مضارع: يُسْرِي / مصدر: إِسْرَاء) ٨

أَسْنَانٌ: دندان‌ها «مفرد: سِنٌّ»

أُسُودٌ: الگو

أُسُودٌ: سیاه

إِشَارَاتُ الْمُرُورِ: علامت‌های رانندگی

إِشْتَرَى: خرید

(مضارع: يَشْتَرِي / مصدر: إِشْتِرَاء)

إِشْتَعَلَ: کار کرد

(مضارع: يَشْتَعِلُ / مصدر: إِشْتِعَال)

أَشْرَكَ: شریک قرار داد

(مضارع: يُشْرِكُ / مصدر: إِشْرَاك) ٤

أَصَابَ: اصابت کرد

(مضارع: يُصِيبُ / مصدر: إِصَابَةٌ)

أَصْبَحَ: شد

(مضارع: يُصْبِحُ / مصدر: إِصْبَاح) ٣

أَصْحَابُ الْمِهْنِ: صاحبان شغل‌ها

إِصْطِفَافُ صَبَاحِي: صف صبحگاه ٢

أَصْفَر: زرد

أَضَاع: تباه کرد

(مضارع: يُضِيعُ / مصدر: إِضَاعَةٌ)

إِضَاعَةٌ: تباه کردن

إِضَافَةٌ إِلَى: افزون بر ۵

إِضْرَار: آسیب زدن ۱۰

إِطْفَاء: خاموش کردن ۲

أَطْوَل: بلندتر، بلندترین ۶

إِعْتَذَرَ: معذرت خواست

(مضارع: يَعْتَذِرُ / مصدر: إِعْتِذَار)

إِعْتَصَمَ: چنگ زد (با دست گرفت)

(مضارع: يَعْتَصِمُ / مصدر: إِعْتِصَام) ۴

إِعْتَقَدَ: اعتقاد داشت

(مضارع: يَعْتَقِدُ / مصدر: إِعْتِقَاد)

إِعْتَمَدَ: اعتماد کرد

(مضارع: يَعْتَمِدُ / مصدر: إِعْتِمَاد)

أَعْجَز: ناتوان تر، ناتوان ترین

إِعْصَار: گردباد «جمع: أعاصير» ۳

أَعْطَى: داد (مضارع: يُعْطِي / مصدر:)

إِعْطَاء / أَعْطَيْتَنِي: به من بده

أَعْلَم: داناتر، داناترین

أَعْلَى: بالا، بالاتر ۸

إِغْبَار: تیره رنگی، غبار آلودگی ۱

أَغْلَقَ: بست

(مضارع: يُغْلِقُ / مصدر: إِغْلَاق) ۲

أَفْاضِل: شایستگان

أَفْرَزَ: ترشح کرد

(مضارع: يُفِرِّزُ / مصدر: إِفْرَاز) ۵

أَفْضَل: برتر، برترین

إِقْتِرَاح: پیشنهاد ۲

إِفْتَرَبَ: نزدیک شد

(مضارع: يَفْتَرِبُ / مصدر: إِقْتِرَاب)

أَقْلُ خَطَرًا: کم خطرتر ۷

أَكْبَر: بزرگ تر، بزرگ ترین

إِكْتِسَاب: به دست آوردن

أَكَّدَ: تأکید کرد

(مضارع: يُؤَكِّدُ / مصدر: تَأْكِيد) ۴

إِكْرَاه: اجبار ۴

أَكَلَّ: خورد (مضارع: يَأْكُلُ)

إِلَّا: به جز، مانده «در ساعت خوانی»

أَلَا: هان، آگاه باش

أَلَا: که ن ... أَلَا نَعْبُدُ: که نپرستیم

(أَنْ+لَا+تَعْبُدُ) ۴

إِلْتَأَمَ: بهبود یافت

(مضارع: يِلْتَمِمُ / مصدر: إِلْتِمَام) ۵

إِلْتِقَاطُ صُورٍ: عکس گرفتن ۵

أَلَذِي: کسی که، که

أَلَّذِينَ: کسانی که، که

أَلْف: هزار «جمع: آلاف»

أَلْفًا: نگاشت

(مضارع: يُؤَلِّفُ / مصدر: تَأْلِيف) ۱۲

أَلَمَ: درد «جمع: آلام» ۱۰

إِلَى: به، به سوی، تا

إِلَى اللِّقَاءِ: به امید دیدار

أَلْيَوْمَ: امروز، روز

أُمَ: مادر «جمع: أمهات»

أُمَ: یا

أُمَامَ: روبه رو «متضاد: خَلْف»

أَمَان: امنیت

إِمْتَلَكَ: مالک شد

(مضارع: يَمْتَلِكُ / مصدر: إِمْتِلَاك) ۲

إِمْرَأُ، إِمْرُؤُ، إِمْرِي (الْمَرْءُ): انسان، مرد

إِمْرَأَةٌ (الْمَرْأَةُ): زن «نساء: زنان»

أَمْرِيكَا الْوُسْطَى: آمریکای مرکزی ۳

أَمْسٍ: دیروز

أَمْطَرَ: باران بارید

(مضارع: يُمِطِرُ / مصدر: إِمْطَار) ۳

أَمَكْنُ: امکان دارد

(مضارع: يُمَكِّنُ / مصدر: إِمْكَان)

أَمِير: فرمانده «جمع: أُمراء»

أَمِين: امانتدار «جمع: أَمَناء»

أَنْ ... : که ...

«أَنْ أَسَافِرَ: که سفر کنم» ۱

إِنَّ: حقیقتاً، قطعاً

أَنَّ: که

إِنْ: اگر ۴

أَنَا: من

إِنَارَةٌ: نورانی کردن ۵

إِنْبَعَثَ: فرستاده شد

مضارع: يَنْبَعِثُ / مصدر: إِنْبَعَاثُ ۵

أَنْبُوبَةٌ: لوله (جمع: أَنْبَابٌ) ۲

أَنْتَ: تو «مذکر»

أَنْتِ: تو «مؤنث»

إِنْتِاج: تولید

إِنْتَبَهَ: بیدار شد، متوجه شد، آگاه شد

مضارع: يَنْتَبِهُ / مصدر: إِنْتَبَاهُ ۳

إِنْتَبَرَّ: منتظر شد

مضارع: يَنْتَبِرُّ / مصدر: إِنْتَبَارٌ ۱

إِنْتَفَعَ بِ: از ... سود بُرد

مضارع: يَنْتَفِعُ / مصدر: إِنْتِفَاعٌ ۲

أَنْتُمْ: شما «مذکر»

أَنْتُمْ: شما «مثنی»

أَنْتُنَّ: شما «مؤنث»

أَنْتَى: زن، ماده ۴

أَنْجَحَ: موفق تر، موفق ترین ۷

إِنْجِلِيزِيَّة: انگلیسی ۲

إِنْخِفاض: پایین آمدن ۱۰

إِنْذَار: هشدار ۷

أَنْزَلَ: نازل کرد

مضارع: يُنْزِلُ / مصدر: إِنْزَالٌ ۱

أَنْشَأَ: پدید آورد

مضارع: يُنشِئُ / مصدر: إِنْشَاءٌ ۶

أَنْشَدَ: سرود

مضارع: يُنشِدُ / مصدر: إِنْشَادٌ ۵

أَنْصَتَ: با سکوت گوش فرا داد

مضارع: يُنصِتُ / مصدر: إِنْصَاتٌ ۷

أَنْصَحَ: اندرزگوترین

أَنْفَ: بینی «جمع: أَنْوفٌ» ۸

أَنْفَسُهُم: خودشان

أَنْفَع: سودمندتر، سودمندترین

أَنْفَقَ: انفاق کرد

مضارع: يُنْفِقُ / مصدر: إِنْفَاقٌ ۸

أَنْقَذَ: نجات داد

مضارع: يُنقِذُ / مصدر: إِنْقَاذٌ

إِنْكَسَرَ: شکسته شد

مضارع: يَنْكَسِرُ / مصدر: إِنْكَسَارٌ

إِنْمَا: فقط

أَوْ: یا

أَوْجَدَ: پدید آورد

مضارع: يوجِدُ / مصدر: إِيْجَادٌ ۱

أَوْسَطَ: میانه تر، میانه ترین

أَوْصَلَ: رسانید

مضارع: يوصلُ / مصدر: إِيْصَالٌ ۸

أَوْلَى: یکم، نخستین «مؤنثِ أَوْلَى»

أَوْلِيكَ: آنان

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ: خوش آمدید

أَيُّ: کدام، چه

أَيُّهَا: ای «برای مؤنث»

أَيضًا: همچنین

أَيْنَ: کجا

أَيْهَا: ای «برای مذکر»

ب

بِ: به وسیله

بَاب: در «جمع: أَبْوَابٌ»

بَارِد: سرد «متضاد: حَارٌ»

بَارَكَ اللهُ فَيْكَ: آفرین بر تو ۵

بِالتَّأْكِيدِ: البتَّة

بالغ: كامل ۱

بائع: فروشنده

بَثَّ: پراکندن ۴

بِحَاجَةٍ: نیازمند

بَحَثٌ: پژوهش «جمع: أبحاث»

بَحَثٌ عَنْ: دنبال...گشت

(مضارع: يَبْحَثُ)

بَحْرٌ: دریا «جمع: بحار»

بُحَيْرَةٌ: دریاچه «مفرد: بُحَيْرَات» ۶

بَدَأَ: شروع کرد، شروع شد

(مضارع: يَبْدَأُ)

بِدَايَةٍ: شروع «متضاد: نِهَايَةٌ»

بَرِّيٌّ: خشکی، زمینی ۵

بَرِيدٌ: پست

«بطاقة بَرِيدِيَّة»: کارت پستال» ۶

بُسْتَانٌ: باغ «جمع: بساتین»

بَسَطَ: گستراند (مضارع: يَبْسِطُ) ۲

بِسْهُوْلَةٍ: به آسانی

بَسِيطٌ: ساده

بَصْرٌ: دیده «جمع: أَبْصَار»

بِضَاعَةٍ: کالا «جمع بَضَائِع»

بَطٌّ: اردک ۵

بَطَّارِيَّةٌ: باتری

بِطَاقَةٌ: کارت ۳

بَعَثَ: فرستاد (مضارع: يَبْعَثُ) ۸

بَعُدَ: دور شد (مضارع: يَبْعُدُ) ۳

بَعْضٌ ... بَعْضٌ: همدیگر ۵

بَعِيدٌ: دور «متضاد: قَرِيبٌ»

بَعْتَةٌ: ناگهان

بَقْرٌ، بَقْرَةٌ: گاو

بُقْعَةٌ: قطعه زمین «جمع: بِقَاع» ۲

بُكَاءٌ: گریه کردن

بُكَتِيرِيَا: باکتری ۵

بُكْلٌ سُرُورٌ: با کمال میل

بُكِيَ: گریه کرد

(مضارع: يَبْكِي / مصدر: بُكَاءٌ) ۸

بُلٌّ: بلکه

بِلَا: بدون

بِلَادٌ: کشور، شهرها «مفرد: بَلَدٌ»

بَلَدٌ: شهر

بُلْدَانٌ: کشورها ۷

بَلَغَ: رسید (مضارع: يَبْلُغُ) ۸

بِمَ: با چه چیزی «بِ + ما»

بِنَاءٌ: ساختن، ساختمان ۷

بِنْتُ (ابْنَةٌ): دختر «جمع: بَنَات»

بَنَفْسَجِيٌّ: بنفش

بُنْيٌ: پسرکم ۳

بوم: جغد ۵

بَهِيمَةٌ: چارپا (به جز درندگان)

«جمع: بَهَائِمٌ» ۲

بَيْتٌ: خانه «جمع: بُيُوت»

بُنْرٌ: چاه «جمع: أَبَار»

بَيْعٌ: فروش «متضاد: شِرَاءٌ»

ت

تَأَثَّرَ: تحت تأثیر قرار گرفت

(مضارع: يَتَأَثَّرُ / مصدر: تَأَثَّرَ) ۵

تاسِعٌ: نهم

تَالِيٌ: بعدی

تَجَلَّى: جلوه گر شد

(مضارع: يَتَجَلَّى / مصدر: تَجَلَّى) ۴

تَجَمَّعَ: جمع شد

(مضارع: يَتَجَمَّعُ / مصدر: تَجَمَّعَ) ۸

تَحْتٌ: زیر «متضاد: فَوْق»

تَحْذِيرِيٌّ: هشدارآمیز ۷

تَحَرَّكَ: حرکت کرد

(مضارع: يَتَحَرَّكُ / مصدر: تَحَرَّكَ) ۵

تَلْمِيز: دانش آموز «جمع: تلامیذ»

تَلَوُّث: آلودگی ۱۰

تَلْوِين: رنگ آمیزی

تَمَثَال: تندیس «جمع: تماثيل»

تَمْر: خرما

تَنَاوَل: خورد

تَنْظِيف: تمیز کردن ۸

تَهْيِئَة: تهیه کردن

تَيَّار: جریان ۲

ث

ثَالِث، ثَالِثَة: سوم

ثَامِن، ثَامِنَة: هشتم

ثَانِي عَشْر، ثَانِيَة عَشْرَة: دوازدهم

ثَانِي، ثَانِيَة: دوم

ثَعْلَب: روباه

ثَقَافِيَة: فرهنگی «ثقافة: فرهنگ» ۶

ثَقِيل: سنگین

ثَقِيل السَّمْع: کم شنوا

ثَلَاثاء، يَوْمُ الثَّلَاثاء: سه شنبه

ثَلَاثَة، ثَلَاث: سه

تَعَاوَنُ (مضارع: يَتَعَاوَنُ / مصدر: تَعَاوَن) ۲

تَعَايَشُ: همزیستی داشت

تَعَايَشُ (مضارع: يَتَعَايَشُ / مصدر: تَعَايَش) ۴

تَعَب: خستگی

تَعَجَّب: تعجب کرد

تَعَجَّبُ (مضارع: يَتَعَجَّبُ / مصدر: تَعَجَّب) ۱

تَعَرَّفُ عَلَيَّ: شناختن ۳

تَعَلَّمَ: یادگرفت

يَتَعَلَّمُ (مضارع: يَتَعَلَّمُ / مصدر: تَعَلَّمَ) ۱

تَعْوِض: جبران کردن

تُقَاح: سب

تَقْتِيش: بازرسی، جست و جو ۳

تَفَرَّقَ: پراکنده شد

يَتَفَرَّقُ (مضارع: يَتَفَرَّقُ / مصدر: تَفَرَّق) ۴

تَفَضَّل: بفرما

تَفَقَّهَ: آموخت

يَتَفَقَّهُ (مضارع: يَتَفَقَّهُ / مصدر: تَفَقَّه) ۴

تَقَاعَد: بازنشستگی

تَقَدَّمَ: پیشرفت

تَكَرِير: پالایش ۷

تَكَلَّمَ: صحبت کرد

يَتَكَلَّمُ (مضارع: يَتَكَلَّمُ / مصدر: تَكَلَّمَ) ۱

تَلَّكَ: آن «مؤنث»

تَحَوَّلَ: دگرگون شد

يَتَحَوَّلُ (مضارع: يَتَحَوَّلُ / مصدر: تَحَوَّل) ۴

تَحَرَّجَ: دانش آموخته شد

يَتَحَرَّجُ (مضارع: يَتَحَرَّجُ / مصدر: تَحَرَّج) ۱

تُرَاب: خاک، ریزگرد ۸

تُرَاث: میراث ۶

تُرَجِّمَ: ترجمه کرد

يُتَرَجِّمُ (مضارع: يُتَرَجِّمُ / مصدر: تُرَجِّمَة) ۱

تَرَكَ: ترک کرد

يَتْرُكُ (مضارع: يَتْرُكُ / مصدر: تَرَك) ۱

تَسَاقَطَ: افتاد (مضارع: يَتَسَاقَطُ /

مصدر: تَسَاقَط) ۳

تَسَجَّلَ: ثبت کردن

سَجَّلَ (ماضی: سَجَّلَ / مضارع: يُسَجَّلُ) ۶

تَسَعَة، تِسَع: نُه

تَسَلَّمَ عَيْنَاكَ: چشمانت سالم بماند

(چشمت بی بلا) ۸

تَصَادَمَ: تصادف کرد

يَتَصَادَمُ (مضارع: يَتَصَادَمُ / مصدر: تَصَادَم) ۱

تَعَارَفُوا: همدیگر را شناختند

يَتَعَارَفُونَ (مضارع: يَتَعَارَفُونَ / مصدر: تَعَارَف) ۱

تَعَالَ: بیا

تَعَاوَنَ: همیاری کرد

ثَلَاثُونَ، ثَلَاثِينَ: سی

تُلُج: برف، یخ «جمع: تُلُوج» ۳

تُم: سپس

تَمَانِيَّة، تَمَانِي: هشت

تَمَر، تَمَرَّة: میوه

جِدَار: دیوار

جَدَل: ستیز

جَدَّة: مادر بزرگ

جَدَب: جذب کرد

(مضارع: يَجِدِبُ) ۶

جَذْوَة: پاره آتش ۱

جُرْح: زخم ۵

جَرَّحَ: زخمی کرد

(مضارع: يُجَرِّحُ / مصدر: تَجْرِيح)

جَزَاء: پاداش، کیفر

جَزَر: هویج

جَزَى: کیفر کرد (مضارع: يَجْزِي) ۷

جَسْر: پُل «جمع: جُسُور»

جَعَلَ: قرار داد

(مضارع: يَجْعَلُ) «مترادف: وَضَعَ»

جَلَبَ: آورد (مضارع: يَجْلِبُ)

جَلْد: پوست ۶

جَلَسَ: نشست (مضارع: يَجْلِسُ)

جُلُوس: نشستن

جَلِيسُ السَّوءِ: همنشین بد

جَمَارِك: گمرکات «مفرد: جُمْرُك» ۴

جَمَاعِي: گروهی ۸

جَمَال: زیبایی «متضاد: قُبْح»

جَمَعَ: جمع کرد (مضارع: يَجْمَعُ)

جَمِيل: زیبا «متضاد: قَبِيح»

جَنْب: کنار

جَنَّة: بهشت

جُنْدِي: سرباز «جمع: جُنُود»

جَوّ: هوا

جَوَاز، جَوَازُ السَّفَر: گذرنامه

«جمع: جَوَازَات» ۳

جَوَال، الْهَاتِفُ الْجَوَال: تلفن همراه

جَهَّزَ: مجهز کرد

(مضارع: يُجَهِّزُ / مصدر: تَجْهِيْز) ۱

جَهْل: نادانی «متضاد: عِلْم»

جَيِّدًا: خوب، به خوبی

ح

حَاجَة: نیاز «جمع: حَوَائِج»

حَاد: تیز ۸

حَادِي عَشْرَ، حَادِيَّة عَشْرَة: یازدهم

حَارّ: گرم «متضاد: بارِد»

حَاسِب: رایانه «جمع: حَوَاسِب»

حَافِظَ عَلِيّ: نگهداری کرد از

(مضارع: يُحَافِظُ / مصدر: مُحَافِظَة) ۲

ج

جَاءَ: آمد «مترادف: أَتَى»

جَار: همسایه «جمع: جيران»

جَاز: جایز است (مضارع: يَجُوزُ) ۴

جَالِس: نشسته

جَالَسَ: همنشینی کرد

(مضارع: يُجَالِسُ / مصدر: مُجَالَسَة) ۴

جَامِعَة: دانشگاه «جمع: جَامِعَات»

جَاهِز: آماده ۳

جَاهِل: نادان

«جمع: جُهَال / متضاد: عَالِم»

جَبَل: کوه «جمع: جِبَال»

جُبْن، جُبْنَة: پنیر ۷

جَدّ: پدر بزرگ «جمع: أَجْدَاد»

جَدُّ كَوْشِد (مضارع: يَجِدُّ)

جَدًّا: بسیار

حَافِلَةٌ: اتوبوس «جمع: حافلات»

حَاوَلٌ: تلاش کرد

(مضارع: يُحَاوِلُ / مصدر: مُحَاوَلَةٌ)

حَبٌّ: دانه

«جمع: حُبُوبٌ / حَبَّةٌ: یک دانه»

حُبٌّ: دوست داشتن

حَبِلٌ: طناب «جمع: حِبَالٌ» ٤

حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ: قرص‌های مسکن

حَبِيبٌ: دوست، یار

«مترادف: صَدِيقٌ / متضاد: عَدُوٌّ»

حَتَّى: تا، تا اینکه

«حَتَّى تَبْتَعِدَ: تا دور شود» ٥

حَجَرٌ: سنگ «جمع: أَحْجَارٌ»

حُجْرَةٌ: اتاق (جمع: حُجْرَاتٌ) ٢

حَدَادٌ: آهنگر

حَدَثٌ: اِتِّفَاقٌ اِفْتَادٌ (مضارع: يَحْدُثُ)

حُدُودٌ: مرز، مرزها

حَدِيقَةٌ: باغ «جمع: حَدَائِقُ»

حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ: باغ وحش

حَدَّرٌ: هِشْدَارْدَاد

(مضارع: يُحَدِّرُ / مصدر: تَحْدِيرٌ)

حُرٌّ: آزاد، آزاده ٢

حُرْبٌ: جنگ

حُرْبَاءٌ: آفتاب پرست ٥

حَرَسٌ: نگهداری کرد، نگهداری داد

(مضارع: يَحْرُسُ)

حَرَكٌ: تحریک کرد

(مضارع: يُحَرِّكُ / مصدر: تَحْرِيكٌ)

حَرَكٌ: حرکت داد

(مضارع: يُحَرِّكُ / مصدر: تَحْرِيكٌ) ٥

حُرِّيَّةٌ: آزادی ٤

حَزَنٌ: غمگین شد (مضارع: يَحْزَنُ)

«متضاد: فَرِحَ»

حَزِينٌ: غمگین

«متضاد: مَسْرُورٌ و فَرِحَ»

حُسَامٌ: شمشیر

حَسِبٌ: پنداشت (مضارع: يَحْسِبُ)

حُسْنٌ: خوبی «متضاد: قُبْحٌ، سوء»

حُسْنُ الْخُلُقِ: خوش اخلاقی

حُسْنُ الْعَهْدِ: خوش پیمانی

حَسَنٌ، حَسَنَةٌ: خوب

حَسَنًا: بسیار خوب ٣

حِصَّةٌ: زنگ درسی، قسمت ٢

حَصَدٌ: درو کرد (مضارع: يَحْصُدُ)

حَصَلٌ عَلَيَّ: به دست آورد

(مضارع: يَحْصُلُ) ٦

حَطَبٌ: هیزم

حِفَاطٌ عَلَيَّ: نگهداری از ٢

حَقَرَ: گند (مضارع: يَحْفِرُ)

حَفِظٌ: حفظ کرد (مضارع: يَحْفَظُ)

حَفْلَةُ الزَّوْجِ: جشن عروسی

حَفْلَةُ الْمِيلَادِ: جشن تولد

حَقِيبَةٌ: کیف، چمدان

«جمع: حَقَائِبٌ»

حَلٌّ بِ: در ... فرود آمد

(مضارع: يَحُلُّ) ٩

حَلْوَانِيٌّ: شیرینی فروش

حَلْوِيَّاتٌ: شیرینیجات ٦

حَلِيبٌ: شیر

حَمَامَةٌ: کبوتر

حَمْلٌ: بُرْدَن، حمل کردن

حَمِيمٌ: گرم و صمیمی ٤

حَتْفِيَّةُ الْمَاءِ: شیر آب ٢

حِوَارٌ: گفت و گو

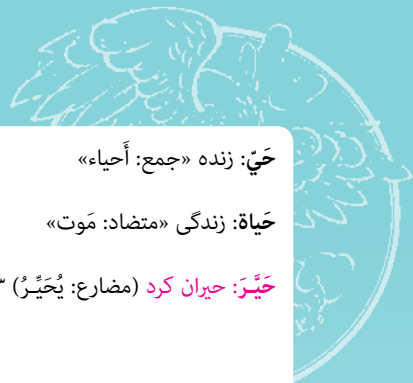
حَوَائِجٌ: نیازها

حَوُلٌ: اطراف

حَوَّلٌ: تبدیل کرد

(مضارع: يُحَوِّلُ / مصدر: تَحْوِيلٌ) ٥

حَيَاءٌ: شرم



حَیّ: زنده «جمع: أحياء»

حَیَاة: زندگی «متضاد: مَوْت»

حَیَّرَ: حیران کرد (مضارع: يُحَيِّرُ) ۳

«مفرد: حَظِيئَة»

حَلَاب: جَدَاب ۶

خَلَاَف: اختلاف ۴

خَلَقَ: بسیار آفریننده ۵

خَلْف: پشت

«مترادف: وَرَاء / متضاد: أَمَام»

خَلَقَ: آفرید (مضارع: يَخْلُقُ)

خُمْس: یک پنجم ۴

خَمْسَة، خَمْس: پنج

خَمِيس، يَوْمَ الخَمِيس: پنجشنبه

خَوْف: ترس، ترسیدن

خَيْر: بهتر، بهترین، خوبی

خ

خَاتَم: انگشتر «جمع: خَوَاتِم»

خَافَ: ترسید (مضارع: يَخَافُ)

خَامِسَ عَشَرَ، خَامِسَة عَشْرَة: پانزدهم

خَامِس، خَامِسَة: پنجم

خَائِف: ترسیده، ترسان

خَبَاز: نانوا

خُبِز: نان

خَدَمَ: خدمت کرد (مضارع: يَخْدِمُ)

خَرَجَ: بیرون رفت (مضارع: يَخْرُجُ)

خَرِيف: پاییز

خِرَانَة: انبار «جمع: خِرَانَات» ۵

خِرَانَة: گنجینه «جمع: خِرَانِین»

خُسْرَان: زیان

خَشَب: چوب «جمع: أَخْشَاب»

خَضِر، خَضِرَة: سرسبز ۱

خَطَا: خطا «جمع: أَخْطَاء»

خَطَايَا: گناهان، خطاها

دَرَسَ: درس داد

(مضارع: يُدْرَسُ / مصدر: تَدْرِيس)

دَعَا: فرا خواند، دعا کرد

(مضارع: يَدْعُو) ۴

دَفَعَ: دور کرد، پرداخت

(مضارع: يَدْفَعُ)

دَلَّ: راهنمایی کرد (مضارع: يَدُلُّ) ۵

دَلِيل: راهنما «جمع: أدِلَّة»

دَمَع: اشک «جمع: دُموع»

دَوَاء: دارو «جمع: أدوية» ۷

دَوَام: ساعت کار

(دَوَام مَدْرَسِي: ساعت کار مدرسه) ۲

دَوْر: نقش ۸

دَوْرَة المِيَاه: سرویس بهداشتی ۲

دَوْرَان: چرخیدن

دَوْلَة: کشور، حکومت «جمع: دُول» ۶

دَوْن أَنْ: بی آنکه «دَوْن أَنْ يَحْرُكَ:

بی آنکه حرکت دهد» ۵

دَهْر: روزگار

ذ

ذَا: این «مَنْ ذَا: این کیست؟» ۱

ذَات: دارای ۱

د

دَارَ: چرخید (مضارع: يَدُورُ) ۱

دَجَاج: مرغ ۷

دُخَان: دود

دَخَلَ: داخل شد (مضارع: يَدْخُلُ)

دُرّ: مروارید (جمع: دُرر) ۱

دِرَاسَة: درس خواندن

دِرَاسِي: تحصیلی

دَرَسَ: درس خواند (مضارع: يَدْرُسُ)

ذَکْرَة: حافظه ۸

ذَاکَ: آن ۱

ذَاهِب: رفته

ذَکْر: مرد، نر ۴

ذَکَّر: یاد کرد

(مضارع: يَذْکُرُ) «متضاد: نَبِيَّ»

ذِکْرَى: خاطره «جمع: ذِکْرِيَات» ۴

ذُلَّة: آن «مذکر»

ذَنْب: دُم «جمع: أذْنَاب» ۵

ذَنْب: گناه «جمع: ذُنُوب»

ذَهَبَ: رفت

(مضارع: يَذْهَبُ / مصدر: ذَهَاب)

ذَهَبُ: طلا

ذئب: گرگ «جمع: ذئاب»

رَأَى: نظر، فکر

رَائِحَة: بو

رَائِع: جالب ۶

رُبَّ: چه بسا

رَبِيع: بهار

رَجَاء: امید

رَجَاءً: لطفاً

رَجَع: برگشت (مضارع: يَرْجِعُ)

رَجُل: مرد «جمع: رِجَال»

رُجُوع: برگشتن

رَحِمَ: رحم کرد (مضارع: يَرْحَمُ)

رَخِيس، رَخِيسَة: ارزان

رُز: برنج

رِسَالَة: نامه «جمع: رَسَائِل»

رَسَمَ: نقاشی کرد

(مضارع: يَرَسُمُ / مصدر: رَسَم)

رِضا: رضایت

رَفَعَ: بالا برد، برداشت

(مضارع: يَرْفَعُ)

رَفَدَ: بستری شد، خوابید

(مضارع: يَرْفُدُ)

رَكِبَ: سوار شد (مضارع: يَرْكَبُ)

رُمان: انار

رَمَى: پرت کرد (مضارع: يَرْمِي) ۲

رِياضَة: ورزش

رِياضِيّ: ورزشکار

رِيح: باد «جمع: رِياح»

رِيفِيّ: روستایی ۶

رِئِيسِيّ: اصلی

ز

زائِد: به اضافه ۲

زَادَ: زیاد کرد، زیاد شد

(مضارع: يَزِيدُ)

زَانَ: زینت داد (مضارع: يَزِينُ) ۱

زُبْدَة: کره ۷

زُجَاجَة عِطْر: شیشه عطر

زِراعيّ: کشاورزی

زَرَعَ: کاشت (مضارع: يَزْرَعُ)

زَمِيل: هم شاگردی، همکار، همسفر و

یار «جمع: زَمَلَاء»

زَوْجَة: همسر «زَوْج: شوهر»

زَهْر: شکوفه، گل «زَهْرَة: یک

شکوفه، یک گل / جمع: أَزْهَار»

زَيْت: روغن «جمع: زُيُوت» ۵

ر

رابع، رابِعَة: چهارم

راحم: رحم کننده

رَأْس: سر

راسِب: مردود

راقِد: بستری

رَأَى: دید «مضارع: يَرَى»



س

سَسَّ سَوْفَ: نشانه آینده

سَاعٍ، سَاعَةً: هفتم

سَاجِدٌ: سجده کننده

سَاحَةٌ: حیاط، میدان

سَادِسٌ، سَادِسَةٌ: ششم

سَارَى: حرکت کرد (مضارع: يَسْرِى) ۵

سَاعَدَ: کمک کرد

(مضارع: يُسَاعِدُ / مصدر: مُسَاعَدَةٌ)

سَافَرَ: سفر کرد

(مضارع: يُسَافِرُ / مصدر: مُسَافَرَةٌ)

سَأَلَ: پرسید، درخواست کرد

(مضارع: يَسْأَلُ)

سَاحٍ: گردشگر «جمع: سَاحُونَ» ۲

سَائِقٌ: راننده

سَائِلٌ: مایع، پرسشگر ۵

سَاوَى: برابر شد

(مضارع: يُسَاوِي / مصدر: مُسَاوَاةٌ) ۲

سَبَّ: دشنام داد (مضارع: يَسُبُّ) ۴

سَبْتٌ، يَوْمُ السَّبْتِ: شنبه

سَبَّحَ: به پاکی یاد کرد ۷

(مضارع: يُسَبِّحُ / مصدر، تَسْبِيحٌ)

سَبْعَةٌ، سَبْعٌ: هفت

سَبْعِيْنَ، سَبْعُونَ: هفتاد

سَبْتَةٌ، سَبْتٌ: شش

سَتَرَ: پوشاند، پنهان کرد

(مضارع: يَسْتُرُ)

سَجَّاجِيْدٌ: فرشها «مفرد: سَجَادٌ» ۶

سَجَدَ: سجده کرد (مضارع: يَسْجُدُ)

سَحَابٌ: ابر

سَحَبَ: کشید (مضارع: يَسْحَبُ) ۳

سَخَاءٌ، سَخَاوَةٌ: بخشندگی

سُرُوَالٌ: شلوار «جمع: سُرَاوِيلٌ»

سَرِيْرٌ: تخت «جمع: أَسِرَّةٌ» ۸

سَفْرَةٌ: سفر

سَفْرَةٌ عِلْمِيَّةٌ: گردش علمی

سَفِيْنَةٌ: کشتی

«جمع: سَفَائِنٌ»

سَكَّتَ: ساکت شد (مضارع: يَسْكُتُ)

سَلِمَ: سالم ماند (مضارع: يَسْلَمُ)

سَلَّمَ: سلام کرد، تحویل داد

(مضارع: يُسَلِّمُ / مصدر: تَسْلِيْمٌ)

سَلِّمِيًّا: مُسَالَمَتِ آمِيْز

«سَلِّمٌ: صلح» ۴

سَمَاءٌ: آسمان «جمع: سَمَاوَاتٌ»

سَمَادٌ: کود ۷

سَمَاوِيٌّ: آسمانی

سَمَّحٌ: اجازه داد (مضارع: يَسْمَحُ)

سَمَّعَ: شنوایی ۸

سَمَّعَ: شنید (مضارع: يَسْمَعُ)

سَمَكَةٌ: یک ماهی «جمع: سَمَكَاتٌ»

سَمَكٌ: ماهی «جمع: أَسْمَاكٌ»

سَمَكُ الْقُرْشِ: کوسه ماهی ۸

سَمَّى: نامید

(مضارع: يُسَمِّي / مصدر: تَسْمِيَةٌ) ۳

سِنَّ: دندان «جمع: أَسْنَانٌ»

سِنَّةٌ: سال «جمع: سِنَوَاتٌ و سِنُونَ و سِنِيْنَ»

سَنَوِيًّا: سالانه ۳

سَوْءٌ: بدی، بد

سَوَاءٌ: یکسان ۴

سِوَارٌ: دستبند «جمع: أَسَاوِرٌ» ۸

سِوَادٌ: سیاه (مؤنثِ أَسْوَدٌ) ۳

سِوَقٌ: بازار «جمع: أَسْوَاقٌ»

سَهْلٌ: آسان

سِيَاخَةٌ: جهانگردی، گردشگری ۶

سَيَاْرَةٌ: خودرو

سَيَّارَةٌ الْأَجْرَةَ: تاكسی

سَيِّد: آقا

سَيِّدَة: خانم

سَيِّئ، سَيِّئَة: بد ٤

ش

شَاب: جوان «جمع: شَبَاب»

شَارِع: خیابان «جمع: شَوَارِع»

شَاطِئ: ساحل «جمع: شَوَاطِئ» ٦

شَاهِدَة: دید

(مضارع: يُشَاهِدُ / مصدر: مُشَاهِدَة)

شَاي: چای

شَبَاب: دوره جوانی، جوانان

«مفرد: شَاب»

شَبَكَة: تور

شِتَاء: زمستان

شَجَر: درخت «جمع: أَشْجَار»

شَجَرَة: یک درخت «جمع: شَجَرَات»

شَجَّع: تشویق کرد

(مضارع: يُشَجِّعُ / مصدر: تَشْجِيع)

شِرَاء: خریدن «متضاد: بَيْع»

شَرَاب: نوشیدنی، شربت

«جمع: أَشْرِبَة»

شَرِب: نوشید (مضارع: يَشْرِبُ)

شَرَح: شرح داد (مضارع: يَشْرَحُ)

شَرَرَة: زبانه آتش ١

شَرَّف: ملافه «جمع: شَرَاشِف» ٨

شُرْطَة: اداره پلیس

شُرْطِي: پلیس

شَرَّف: مشرف فرمود، افتخار داد

(مضارع: يُشَرِّفُ / مصدر: تَشْرِيف) ٣

شَرِكَة: شرکت «جمع: شَرِكَات»

شُعْب: ملّت «جمع: شُعُوب» ٢

شَعَرَ بِ: احساس... کرد

(مضارع: يَشْعُرُ / مصدر: شُعُور)

شَقِي: شکافت (مضارع: يَشُقُّ) ١

شَقَاوَة: بدبختی

شَكَر: تشکر کرد

(مضارع: يَشْكُرُ / مصدر: شُكْر)

شُكْرًا جَزِيلًا: بسیار سپاسگزارم

شَلال: آبشار «جمع: شَلالَات»

شَمَم: بویید (مضارع: يَشُمُّ) ٨

شَمْس: خورشید

شَهِد: شاهد بود (مضارع: يَشْهَدُ) ٣

شَهْر: ماه «جمع: شُهُور»

ص

صَادِق: راستگو

صَار: شد (مضارع: يَصِيرُ)

صَالِح: درستکار

صَبَاحُ الْخَيْرِ، صَبَاحُ النَّوْرِ: صبح به خیر

صِحَّة: تندرستی

صَحْرَاوِيَّة: کویری ٦

صَحِيْقَة: روزنامه «جمع: صُحُف»

صَحِيْقَة جِدَارِيَّة: روزنامه دیواری

صَخْر: صخره «جمع: صُخُور» ٧

صُدَاع: سردرد

صَدَاقَة: دوستی

صَدْر: سینه «جمع: صُدُور» ٥

صَدَّر: صادر کرد

(مضارع: يُصَدِّرُ / مصدر: تَصْدِير) ٧

صَدَّق: باور کرد

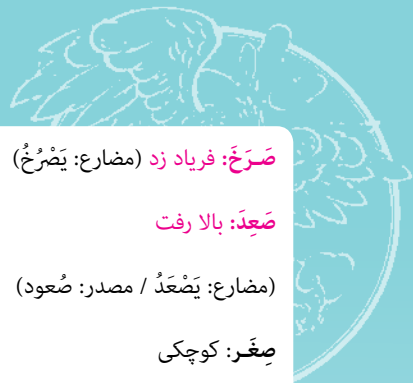
(مضارع: يُصَدِّقُ / مصدر: تَصْدِيق) ٣

صَدَّق: راست گفت

(مضارع: يَصَدِّقُ / مصدر: صَدَّق)

صَدِيق: دوست

«جمع: أَصْدِقَاء / متضاد: عَدُو»



صَرَخَ: فریاد زد (مضارع: يَصْرُخُ)

صَعِدَ: بالا رفت

(مضارع: يَصْعَدُ / مصدر: صُعُود)

صَعَّرَ: کوچکی

صَغِيرٌ: کوچک

«جمع: صِغار، متضاد: كَبِير»

صَفَّ: کلاس «جمع: صُفوف»

صَفَّرَ: سوت زد (مضارع: يَصَفِّرُ) ۸

صَلَاة: نماز

صَلَحَ: تعمیر کرد

(مضارع: يُصَلِّحُ / مصدر: تَصْلِيح) ۸

صِنَاعَة: صنعت

صِنَاعِيَّة: صنعتی

صَنَعَ: ساخت (مضارع: يَصْنَعُ)

صُورٌ مُتَحَرِّكَةٌ: عکس‌های متحرک

صُورَة: عکس «جمع: صُور»

صَوْمٌ: روزه

صِيَامٌ: روزه ۷

صِيَانَة: نگهداری، تعمیر ۷

صَيْدِيٌّ: داروفروش ۶

صَيْدِيَّة: داروخانه ۶

صَيَّرَ: گردانید (مضارع: يُصَيِّرُ) ۱

صَيْفٌ: تابستان

الصَّيْن: چین

ض

صَحِكَ: خندید (مضارع: يَصْحَكُ)

صَرَبَ: زد (مضارع: يَصْرِبُ)

صَعُّ: بگذار ۱

ضِعْفٌ: برابر در مقدار

«ضِعْفَيْنِ: دو برابر» ۷

ضَغْطُ الدَّمِ: فشار خون

ضَوْءٌ: نور «جمع: أضواء» ۵

ضِيَاءٌ: روشنایی ۱

ضِيَاقَة: مهمانی

ضَيْفٌ: مهمان «جمع: ضُيوف»

ط

طَارَجٌ: تازه

طَاقَة كَهْرَبَائِيَّة: نیروی برق

طَالِبٌ: دانش‌آموز، دانشجو

«جمع: طُلَّاب»

طَائِرٌ: پرنده «جمع: طُيور»

طَائِرَة: هواپیما «جمع: طَائِرَات»

طَبُّ العُيُونِ: چشم‌پزشکی

طَبَّاحٌ: آشپز

طَبَّخَ: پخت (مضارع: يَطْبُخُ)

طَبَّعَ: چاپ کرد (مضارع: يَطْبَعُ)

طَرَدَ: با تندی راند (مضارع: يَطْرُدُ)

طَرَّقَ: کوبید (مضارع: يَطْرُقُ)

طَعَامٌ: خوراک «جمع: أَطْعَمَة»

طُفُولَة: کودکی

طَلَّبَ: درخواست کرد

(مضارع: يَطْلُبُ)

طَمَعٌ: طمع ورزید (مضارع: يَطْمَعُ) ۵

طَيَّارٌ: خلبان

طَيْرٌ: پرنده «جمع: طُيور» ۸

ظ

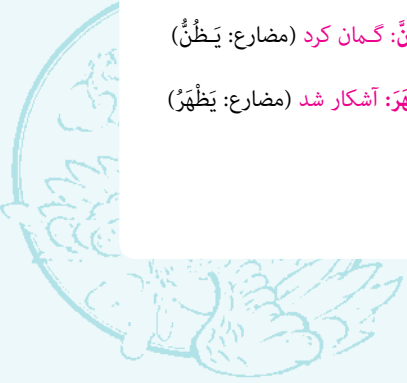
ظَاهِرَة: پدیده «جمع: ظواهر» ۳

ظَلَامٌ: تاریکی ۵

ظَلَمَ: ستم کرد (مضارع: يَظْلِمُ)

ظَنَّ: گمان کرد (مضارع: يَظُنُّ)

ظَهَرَ: آشکار شد (مضارع: يَظْهَرُ)



ع

عَادَ: پناه برد (مضارع: يَعُوذُ) ٥

عَاشَ: زندگی کرد (مضارع: يَعِيشُ)

عَاشِرِ، عَاشِرَةَ: دهم

عَالَم: جهان

عَالَمِيّ: جهانی، بین المللی

عَالَمِيْنَ: جهانیان

عام: سال «جمع: أَعْوَام»

عامٌ دِرَاسِيّ: سال تحصیلی

عامل: کارگر «جمع: عُمَال»

عِبَاءَةٌ: چادر

عَبْد: بنده «جمع: عِبَاد»

عَبْرَ: از راه ۳

عَبَرَ: عبور کرد (مضارع: يَعْبُرُ)

عَبْرَةٌ: بند «جمع: عِبْر»

عَتِيق: کهنه

عَجَزَ: ناتوان شد (مضارع: يَعْجِزُ)

عَدَاوَةٌ: دشمنی «متضاد: صَدَاقَةٌ»

عَدُوٌّ: دشمن «جمع: أَعْدَاء»

عُدُوَان: دشمنی «متضاد: صَدَاقَةٌ»

عَذَرَ: عذر پذیرفت (مضارع: يَعْذِرُ) ٤

عَرَبِيَّة: واگن، گاری

عَرَفَ: شناخت، دانست

(مضارع: يَعْرِفُ)

عَرَفَ: معرفی کرد

(مضارع: يُعْرِفُ / مصدر: تَعْرِيف) ٨

عَزَّ، عِزَّةً: ارجمندی

عَزَل: برکنار کردن

عَزَمَ: تصمیم گرفت (مضارع: يَعْزِمُ) ٨

عُشٌّ: لانه

عِشَاء: شام

عُشْبٌ طَبِيّ: گیاه دارویی

«جمع: أَعْشَابٌ طَبِيَّة» ٥

عَشْر، عَشْرَةٌ: ده

عَصَفَ: وزید (مضارع: يَعْصِفُ)

عُصْفُور: گنجشک «جمع: عَصَافِر»

عَصَبُ الْفَاكِهَةِ: آبمیوه

عَطَّرَ: عطر زد

(مضارع: يُعَطِّرُ / مصدر: تَعَطِير)

عُطْلَةٌ: تعطیلی ٦

عَفَا: بخشید (مضارع: يَعْفو) ٨

عَفْوًا: ببخشید

عَلَم: پرچم «جمع: أَعْلَام»

عَلِمَ: دانست (مضارع: يَعْلَمُ)

عَلَى: بر، روی

عَلَى الْيَسَارِ: سمت چپ

عَلَى الْيَمِينِ: سمت راست

عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ: در گذر زمان

«عُصُور جمع عَصْر» ٤

عَلَيْكَ بِ...: بر تو لازم است...، تو

باید ...

عِمَارَةٌ: ساختمان ٦

عَمِلَ: انجام داد، کار کرد

(مضارع: يَعْمَلُ)

عَمُود: ستون «جمع: أَعْمِدَةٌ»

عَمِيل: مزدور «جمع: عُمَّال» ٤

عَنْ: درباره، از

عَنْب: انگور

عِنْدَ: هنگام، نزد، کنار، داشتن

عِنْدَمَا: وقتی که

عِنْدَيْدُ: در این هنگام ٢

عَوَّضَ: جبران کرد

(مضارع: يُعَوِّضُ / مصدر: تَعْوِض) ٥

عَيْش: زندگی

عَيْن: چشم، چشمه «جمع: عُيُون»

عَيَّنَ: مشخص کرد

(مضارع: يُعَيِّنُ / مصدر: تَعْيِين) ١



غ

غَابَة: جنگل
 غَازَة: حمله
 «غارات لَيْلِيَّة: حملات شبانه»
 غاز: گاز ۷
 غالي (غال): گران
 «متضاد: رَخِيص»
 غَايَة: پایان، هدف
 عَدَاءٌ: فردا
 عَدَاء: ناهار
 عُراب: کلاغ
 عُرْفَة: اتاق «جمع: عُرْف»
 عَرَق: غرق شد (مضارع: يَغْرُقُ)
 عَزَال: آهو «جمع: غِزْلان»
 عَسَل: شُست (مضارع: يَغْسِلُ)
 عَضِب: خشمگین شد
 (مضارع: يَعْضِبُ)
 عَفَر: آمرزید (مضارع: يَغْفِرُ)
 عَنَى: آواز خواند (مضارع: يُعْنِي) ۸
 عَيَّر: تغییر داد
 (مضارع: يُعَيِّرُ / مصدر: تَغْيِير)
 عِيم: ابر «مترادف: سَحَاب» ۱

ف

فَا: پس، و
 فَارِغ: خالی ۲
 فاعِل: انجام دهنده
 فاق: برتری یافت (مضارع: يَفْوُقُ) ۲
 فَاكِهَة: میوه «جمع: فَوَاكِه»
 فَاوِز: برنده
 فَتَح: باز کرد (مضارع: يَفْتَحُ)
 فَجَاءَة: ناگهان
 فَحَص: معاینه کرد (مضارع: يَفْحَصُ)
 فَحَص: معاینه کردن
 فَرَاغ: جای خالی ۱
 فَرَح: خوشحال شد
 (مضارع: يَفْرَحُ / مصدر: فَرَح)
 فَرِح: شاد ۴
 فَرَح: جوجه «جمع: فِرَاح»
 فَرَس: اسب
 فُرْشَة: مسواک
 فَرَع: خالی شد (مضارع: يَفْرَعُ) ۲
 فَرَّق: جدایی انداخت
 (مضارع: يُفَرِّقُ / مصدر: تَفْرِيق) ۴
 فَرِيضَة: واجب دینی «جمع: فَرَائِض»

فَرِيق: تیم، گروه «جمع: أَفْرِقَة»
 فُسْتَان: پیراهن زنانه
 «جمع: فَسَاتِين»
 فُسْتُق: پسته ۶
 فِصَّة: نقره
 فُضِّل: برتری، فزونی ۴
 فَطُور: صبحانه
 فَعِل: کار، انجام دادن «جمع: أَفْعَال»
 فَعَل: انجام داد
 (مضارع: يَفْعَلُ / مصدر: فَعِل)
 فَقَد: از دست داد
 (مضارع: يَفْقِدُ / مصدر: فِقْدَان)
 فَلَاح: کشاورز
 فِلْم: فیلم «جمع: أَفْلَام» ۳
 فُنْدُق: هتل «جمع: فُنَادِق»
 فَوُق: بالا، روی «متضاد: تَحْت»
 فَهَم: فهمید (مضارع: يَفْهَمُ)
 في: در، داخل
 في أمانِ اللّهِ: خداحافظ
 ق: قاتل: جنگید
 (مضارع: يُقَاتِلُ / مصدر: مُقَاتَلَة) ۷

ق

قادِم: آینده

قاطع: بُرنده

قاطع الرِّجِم: بُرنده پیوند خویشان

قاعة: سالن ۱

قافلة: کاروان «جمع: قوافل»

قال: گفت (مضارع: يَقُولُ)

قال في نفسه: با خودش گفت

قام: برخاست

مضارع: يَقُومُ / مصدر: قیام) ۲

قام به اقدام کرد ۲

قائد: رهبر «جمع: قادة» ۴

قائم: استوار، ایستاده ۴

قائمة: لیست ۶

قُبْح: زشتی «متضاد: جمال»

قَبَّلَ: بوسید

مضارع: يُقَبِّلُ / مصدر: تقبیل) (مضارع: يَقْبَلُ / مصدر: تقبیل)

قَبِلَ: پذیرفت

مضارع: يَقْبَلُ / مصدر: قبول) (مضارع: يَقْبَلُ / مصدر: قبول)

قَبْلُ أُسْبُوعٍ: هفته قبل

قُبَّة: گنبد ۶

قَبِيح: زشت

قَتَلَ: کشت

مضارع: يَقْتُلُ / مصدر: قتل) ۱

قَدَرَ: توانست

مضارع: يَقْدِرُ / مصدر: قُدْرَة)

قَدَم: پا «جمع: أقدام»

قَدَفَ: انداخت (مضارع: يَقْدِفُ)

قَرَأَ: خواند

مضارع: يَقْرَأُ / مصدر: قِرَاءَة)

قَرَبَ مِنْ: نزدیک شد به

مضارع: يَقْرُبُ)

قَرِيبٌ مِنْ: نزدیک به

«متضاد: بَعِيدٌ عَنْ»

قَرِيَّة: روستا «جمع: قُرَى»

قَسَمَ: قسمت کرد (مضارع: يَقْسِمُ) ۵

قَسَمَ: تقسیم کرد

مضارع: يُقْسِمُ / مصدر: تقسیم)

قَشَرَ: پوست

قَصِير: کوتاه

قَضَاءُ الْعُطَلَاتِ: گذراندن تعطیلات ۶

قَطَأَ: گریه ۵

قَطَعَ: برید

مضارع: يَقْطَعُ / مصدر: قَطْع)

قُطُن: پنبه ۶

قَفَزَ: پرید، جهش کرد

مضارع: يَقْفِزُ) ۸

قُلَّ: بگو ۱

قَلَّ: کم شد

مضارع: يَقِلُّ / مصدر: قِلَّة)

قَلِيل: کم «متضاد: کثیر»

قَمَح: گندم

قَمَر: ماه «جمع: أقمار»

قَمِيص: پیراهن

قَوْل: گفتار

قیام: برخاستن

قَيَّدَ: بند ۵

قِيَمَة: ارزش، قیمت

ک

كَ: مانند

كَ: ت، - تو «مذکر»

كَ: ت، - تو «مؤنث»

کاتب: نویسنده

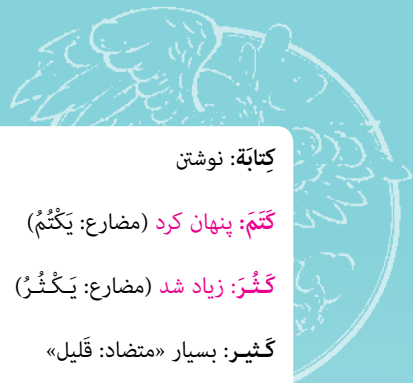
كَانَ: بود (مضارع: يَكُونُ)

كَانَ: گویی، انکار

كَبِرَ: بزرگسالی «متضاد: صَغَرَ»

کبیر: بزرگ «متضاد: صَغِير»

كَتَبَ: نوشت (مضارع: يَكْتُبُ)



کتابه: نوشتن

گنم: پنهان کرد (مضارع: يَكْتُمُ)

گنژ: زیاد شد (مضارع: يَكْتُرُّ)

گشیر: بسیار (متضاد: قلیل)

گذب: دروغ گفت

(مضارع: يَكْذِبُ) (متضاد: صَدَقَ)

گذلک: همین طور ۸

گرة: توپ

گرة اقدم: فوتبال

گرة المندة: تنیس روی میز

گرسی: صندلی «جمع: گراسی»

گشف: آشکار کرد

(مضارع: يَكْشِفُ / مصدر: كَشَفَ)

کلام: سخن

گلب: سگ «جمع: کلاب»

گم: یتان، شما «جمع مذکر»

گم: چند، چقدر

گما: یتان، شما «مثنی»

گمل: کامل کرد

(مضارع: يُكْمِلُ / مصدر: تَكْمِلُ) ۱

گما: همان گونه که

گن: یتان، شما «جمع مؤنث»

گنز: گنج «جمع: گنوز»

گهرباء: برق

گهف: غار «جمع: گهوف» ۶

کیمیاء: شیمی

کیف: چطور؟

کیمیای: شیمیایی

ل

ل: دارد، برای «گاهی ل به ل تبدیل

می شود؛ مانند: لَهُ، لَكَ»

لا: نه، نیست، حرف نفی مضارع

لا بَأْسَ: اشکالی ندارد

لا بُدَّ مِنْ: ناگزیر ۶

لا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَاجِبِ: وظیفه ام

است؛ تشکر لازم نیست

لا حَظَّ: ملاحظه کرد

(مضارع: يُلَاحِظُ / مصدر: مُلَاحِظَةٌ) ۳

لاعب: بازیکن

لام: ملامت کرد (مضارع: يَلْمُ)

لأن: زیرا

لبيت: اقامت کرد و ماند

(مضارع: يَلْبِثُ) ۲

لپس: پوشید (مضارع: يَلْبَسُ)

لبونة: پستاندار «جمع: لبونات» ۸

لدى: نزد «لديهم: دارند» ۴

لسان: زبان

لعب: بازی کرد (مضارع: يَلْعَبُ)

لعب به بازی گرفت

لحق: رسید (مضارع: يَلْحَقُ) ۵

لغة: زبان

لقافة: باند زخم ۶

لقد: قطعاً

لكن، لكن: ولی

لیم: برای چه؟ (ل + ما)

لما: هنگامی که

لماذا: چرا؟

لما: مال چه کسی، مال چه

کسانی؟

لوحة: تابلو

لون: رنگ «جمع: ألوان»

ليس: نیست

ليل: شب «جمع: لآللی»

ليمون: لیمو



م

ما: آنچه

ما: حرف نفی ماضی

ما أَجْمَلٌ: چه زیباست! ۲

ما بِكَ: تو را چه می‌شود؟

ما؟: چه، چه چیز، چیست؟

ماء: آب «جمع: میاه»

ماذا: چه، چه چیز؟

مارَسَ: انجام داد، تمرین کرد

(مضارع: يُمارِسُ/ مصدر: مُمارَسَةٌ) ۲

ماشي: پیاده «جمع: مُشاة»

ماشَى: باهم راه رفتند

(مضارع: يُماشِي/ مصدر: مُماشاة) ۴

مائدة: سفره غذا

مَبْرُوك: مبارک

مُبِيدَةُ الحَشْرَاتِ: حشره‌کش

«مُبيدَة»: از بین برنده» ۷

مُبِين: آشکار

مُتَحَف: موزه

مَتَى: چه وقت؟

مِثَالِي: نمونه

مُجالَسَة: همنشینی

مُجتهد: کوشا

مُجدد: کوشا

مُجفَّف: خشک شده

مَجنون: دیوانه

مَجهول: ناشناخته، گمنام

مُحافظَة: استان، نگهداری

مُحاوَلَة: تلاش

مِحرار: دماسنج ۶

مَحطَة: ایستگاه ۷

مُحيطُ أَطلسِيّ: اقیانوس اطلس ۳

مُختَبِر: آزمایشگاه

مَخزَن: انبار «جمع: مَخازِن»

مَدُّ حُطوطِ الأنابيِبِ:

کشیدن خطوط لوله ۷

مُدَاراة: مدارا کردن

مُدَرِّس: معلم

مَدِينَة: شهر «جمع: مُدُن»

مَرَاة (الْمَرَاة): زن

مُرَاجَعَة: دوره

مُرَافِق: همراه ۳

مَرافِقِ عَامَة: تأسیسات عمومی ۲

مَرَّة: بار، دفعه

مَرَحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید، درود بر شما ۳

مَرَحَمَة: مهربانی

مَرَضُ السُّكَّرِ: بیماری قند

مَرَق: خورش ۷

مُرور: گذر کردن

مَرِيضٌ: بیمار «جمع: مَرَضِيّ»

مُرَدِّح: شلوغ

مَساء: شب، بعدازظهر

مُسَاعَدَة: کمک

مُسْتَشْفَى: بیمارستان

مُسْتَعِر، مُسْتَعِرَة: فروزان ۱

مُسْتَعِين: یاری جوینده ۱

مُسْتَوْصَف: درمانگاه

مُسَجَّل: دستگاه ضبط

مَسْرور: خوشحال «متضاد: حَزِين»

مُسْلِم: مسلمان

مَسْموح: مجاز

مَسْؤُولُ الإِسْتِقبالِ: مسئول پذیرش ۷

مُشْرِف: مدیر داخلی ۸

مِشْمِش: زردآلو

مِصباح: چراغ «جمع: مِصابيح»

مُصْحَف: قرآن

مُصَدَّرَة: صادرکننده ۷

مَصْفَى: پالایشگاه «جمع: مِصافي» ۷

مَنْ دُونَ اللَّهِ: به جای خدا، به غیر خدا ۴

مِنْ فَضْلِكَ: خواهشمندم ۴

مِنْشَفَةً: حوله

مِنْصَدَةً: ميز

مُنْظَمَةُ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ:

سازمان ملل متحد

مُنْقَذٌ: نجات دهنده ۸

مُنْهَمَرٌ، مُنْهَمَرَةٌ: ریزان ۱

مَوَادُّ التَّجْمِيلِ: موادّ آرایشی ۷

مُواطِنٌ: شهروند، هم میهن ۲

مَوْتٌ: مرگ

مَوْسُوعَةٌ: دانشنامه ۸

مُؤَظَّفٌ: کارمند

مَوْعِدٌ: وقت «جمع: مَوَاعِدُ» ۷

مُهْدِيٌّ: آرام بخش

مِهْرَجَانٌ: جشنواره، فستیوال ۳

مُهَيْمَةٌ إِدَارِيَّةٌ: مأموریت اداری

مِهْنَةٌ: شغل «جمع: مِهَنٌ»

مِينَاءٌ: بندرها «جمع: مَوَانِيءُ» ۷

ن

نَا: -یمان، - ما

نَاجِحٌ: موفق، پیروز

مَفْرُوشٌ: پوشیده ۳

مَكْتَبَةٌ: کتابخانه

مُكْرَمٌ: گرامی

مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ: کولر ۲

مَلَأَ: پُر کرد (مضارع: يَمَلَأُ)

مَلَابِسٌ: لباس ها

مَلْحُوظٌ: قابل ملاحظه ۶

مَلْعَبٌ: زمین بازی، ورزشگاه

«جمع: مَلَاعِبٌ»

مِلْفٌ: پرونده

مَلِكٌ: پادشاه «جمع: مُلُوكٌ» ۸

مَلَكٌ: مالک شد، دارد، فرمانروایی کرد

(مضارع: يَمَلِكُ) ۵

مَمَرٌ: راهرو، گذرگاه

مَمَرٌ الْمَشَاةِ: گذرگاه پیاده

مَمْرُضٌ: پرستار

مَمْلُوءٌ بِ: پُر از

مِنْ: از

مَنْ: چه کسی؟ چه کسانی؟ هرکس

مَنَاطِقُ الْجَذِبِ السِّيَاحِيَّةِ: مناطق

دارای جاذبه جهانگردی ۶

مِنْ أَيْنَ: از کجا، اهل کجا؟

مُنْحَدِرٌ: سرازیری ۷

مَصْنَعٌ: کارخانه

مَصْنَعُ الْوَرَقِ: کارخانه کاغذ

مَصِيرٌ: سرنوشت

مَضَى: گذشت (مضارع: يَمْضِي)

مُضِيءٌ: نورانی ۵

مِضْيَافٌ: مهمان نواز ۲

مَطَارٌ: فرودگاه ۱

مَطَاطٌ: پلاستیک، کائوچو ۷

مَطْبَعَةٌ: چاپخانه «جمع: مَطَابِعٌ»

مَطَرٌ: باران «جمع: أَمْطَارٌ»

مَطْعَمٌ: غذاخوری، رستوران

«جمع: مَطَاعِمٌ»

مُطَهَّرٌ: پاک کننده ۵

مَعَ: همراه، با

مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه ۱

مَعَ السَّلَامَةِ: به سلامت

مَعَالِمٌ: آثار ۶

مَعًا: با هم

مَعَ بَعْضٍ: با همدیگر ۴

مَعْجُونٌ أَسْنَانٍ: خمیر دندان

مُعَلَّقٌ: بسته شده ۲

مِفْتَاحٌ: کلید «جمع: مَفَاتِيحٌ»

مُفْتَكِرٌ، مُفْتَكِرَةٌ: اندیشمند ۱

نادی: صدا زد

(مضارع: يُنادي / مصدر: مُناداة)

نار: آتش

ناس: مردم

ناسَب: مناسب شد

(مضارع: يُناسِبُ / مصدر: مُناسَبَةٌ) ۱

نافِذَةٌ: پنجره «جمع: نوافِذ»

ناقِصٌ: منهای ۲

ناقِلَةٌ: نفتکش ۷

نائِمٌ: خوابیده «جمع: نيام» ۳

نَبَاتٌ: گیاه «جمع: نباتات»

نَجَاحٌ: موفقیت، موفق شدن

نَجَحَ: موفق شد (مضارع: يَنْجُحُ)

نَجْمٌ: ستاره (جمع: نُجُوم و أَنْجُم) ۱

نَحْنُ: ما

نَدِيمٌ: پشیمان شد (مضارع: يَنْدِمُ)

نَدَمٌ: پشیمانی ۵

نَزَلَ: پایین آمد (مضارع: يَنْزِلُ)

نُزُولٌ: پایین آمدن ۳

نِسَاءٌ: زنان

نَسِيَ: فراموش کرد (مضارع: يَنْسَى)

نَشَاطٌ: فعالیت ۲

نَشِيطٌ: بانشاط، فعّال

نَصٌّ: متن «جمع: نُصوص»

نَصَحَ: پند داد (مضارع: يَنْصَحُ) ۲

نَصْرٌ: یاری کرد (مضارع: يَنْصُرُ)

نَضْرَةٌ: تر و تازه ۱

نَظَرٌ: نگاه

نَظَرَ: نگاه کرد

(مضارع: يَنْظُرُ / مصدر: نَظَرُ)

نَظَرًا لـ: نظر به ۶

نَظِيفٌ: پاکیزه

نَعَجَةٌ: میش (جمع: نِعاَج) ۲

نَعَمٌ: بله

نِعْمَةٌ: نعمت (جمع: أَنْعَم و نِعَم) ۱

نُفَايَةٌ: زباله ۲

نَفْسٌ: خود، همان

نِفْطٌ: نفت ۶

نَفَعٌ: سود رساند (مضارع: يَنْفَعُ)

نَفَقَةٌ: هزینه

نَقَصٌ: کم شد

(مضارع: يَنْقُصُ / مصدر: نَقَصُ)

نُقُودٌ: پول، پول‌ها

نَمَا: رشد کرد (مضارع: يَنْمو) ۱

نَمَلَةٌ: مورچه ۲

نُومٌ: خواب

نَهَارٌ: روز

نَهَايَةٌ: پایان «متضاد: بَدَايَةٌ»

نَهْرٌ: رودخانه «جمع: أَنْهَارٌ»

و

وَآوٌ: اگرچه

وَاجِبٌ: تکلیف

وَاحِدٌ، وَاحِدَةٌ: یک

وَاسِعٌ: وسیع

وَاقِفٌ: ایستاده

وَآلِدٌ: پدر «مترادف: أَبٌ»

وَآلِدَةٌ: مادر «مترادف: أُمٌ»

وَآلِدِينَ، وَآلِدَانٍ: پدر و مادر

وَآجِبٌ: واجب شد (مضارع: يَجِبُ) ۷

وَآجِدٌ: پیدا کرد «مضارع: يَجِدُ»

وَآجِعٌ: درد «مترادف: أَلَمٌ»

وَآجِهٌ: چهره «جمع: وَجُوهٌ»

وَآحِدَةٌ: تنهایی، همبستگی

وَآحِدٌ: تو به تنهایی

وَآحِيدٌ: تنها

وَآرَاءٌ: پشت «متضاد: أَمَامٌ»

وَآرِدٌ: گل «وَآرِدَةٌ: یک گل»

ی

ی: م، - من
یا: ای
یا لیتنی: ای کاش من!
یجب: باید ۷
ید: دست «جمع: آیدی»
یدویته: دستی ۶
یسار: چپ
یمین: راست
یوجد: وجود دارد
یوم: روز «جمع: آیام»
یس: نامید شد (مضارع: ییأس)

هَجَرَ: جدایی گزید، جدا شد

(مضارع: يَهْجُرُ)
هَجَمَ: حمله کرد (مضارع: يَهْجُمُ)
هَدَوْه: آرامش ۲
هَذَا: این «مذکر»
هَذَانِ: این دو، اینها، این «مذکر»
هَذِهِ: این «مؤنث»
هَرَبَ: فرار کرد (مضارع: يَهْرَبُ)
هَلْ: آیا؟
هَلَكَ: مُرد، هلاک شد (مضارع: يَهْلِكُ)
هُم: ایشان، - آنها «مذکر»
هُم: آنها، ایشان «مذکر»
هُمَا: ایشان، آن دو، - آنها «مثنی»
هُمَا: آن دو، آنها
هُنَّ: ایشان، - آنها «مؤنث»
هُنَّ: آنها، ایشان «مؤنث»
هُنَا: اینجا

هُنَاكَ: آنجا
هُوَ: او «مذکر»
هُؤلَاءِ: اینان
هِيَ: او «مؤنث»

وَرَعَ: پارسی

وَرَق: برگ «جمع: أوراق»
وَصَفَه: نسخه
وَصَلَ: رسید (مضارع: يَصِلُ)
وَضَعَ: گذاشت
«مضارع: يَضَعُ / مصدر: وَضَعَ / متضاد: رَفَعَ»
وَقَايَه: پیشگیری ۵
وَقَعَ: واقع شد، اتفاق افتاد، افتاد
«مضارع: يَقَعُ»
وَقَفَ: ایستاد (مضارع: يَقِفُ)
وَقُود: سوخت (مواد سوختی) ۷
وَلَد: پسر، فرزند «جمع: أولاد»
وَلِيّ: یار «جمع: أولیاء»

ه

هَش: او، - آن «مذکر»
هَهَا: شش، - او، - آن «مؤنث»
هَاتَانِ: این دو، اینها، این «مؤنث»
هَاتِف: تلفن (جمع: هَوَاتِف) ۲
هَادِيّ: آرام
هَجَرَ: دوری، جدا شدن

أَيُّهَا الزُّمَلَاءُ ؛
إِلَى اللِّقَاءِ ،
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛
حَفِظْكُمْ اللَّهُ ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ .



